

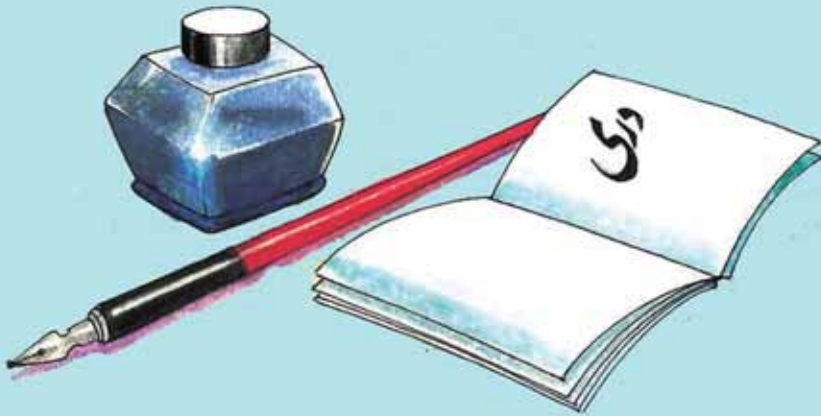


جمهوری اسلامی افغانستان
دولتی وزارت
وزارت معارف
معینیت نصاب تعلیمی، تربیه معلم و
مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب
تعلیمی و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

زبان دوم



دری صنف هفتم زبان دوم

معارف بوده خرید و
با متخلفین برخورد

سا چاپ: ۱۳۹۰ ه. ش.

Ketabton.com



وزارت معارف
معییت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه
معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم
زبان دوم

سال چاپ: ۱۳۹۰ ه. ش.
الف



مؤلفان

- معاون سر مؤلف شکیلا شمس هاشمی عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.
- معاون مؤلف وزمه مهرزاد عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.
- معاون مؤلف دوست محمد فقیری عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت دری.
- ادیتور علمی و مسلکی: عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دری.**
- ادیتور زبانی: سید محمود خلیق متخصص زبان و ادبیات دری.**

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی

- مولوی عبدالصبور عربی.
- دکتور محمد یوسف نیازی
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

کمیتهٔ نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و مرکز ساینس.
- دکتور شیر علی طریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.
- معاون سر مؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزائن: عنایت الله غفاری و محمد سهیل انصاری

ب

ج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرود ملی

| | |
|-------------------------------|-----------------------|
| دا ورت د هر افغان دی | دا وطن افغانستان دی |
| هر بچی یې قهرمان دی | کور د سولې کور د توري |
| د بلوڅو د ازبکو | دا وطن د ټولو کور دی |
| د ترکمنو د تاجکو | د پښتون او هزاره وو |
| پامریان، نورستانیان | ورسره عرب، گوجر دي |
| هم ایماق، هم پشه بان | براهوي دي، قزلباش دي |
| لکه لمر پر شنه اسمان | دا میواد به تل خلیري |
| لکه زړه وي جاویدان | په سینه کي د اسپا به |
| وایو الله اکبر وایو الله اکبر | نوم د حق مو دی رهبر |



بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف معلمان و شاگردان عزیز،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعه هر کشور را تشکیل می دهد. نصاب تعلیمی یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیه می باشد که مطابق انکشافات علمی معاصر و نیازمندی های جامعه وضع می گردد، واضح است که انکشافات علمی و نیازمندی های جامعه همواره در حال تَوَلُّو می باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق انکشاف نماید. البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتابی که امروز در دسترس شما قرار دارد بنا بر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، موضوعات علمی مفید در آن اضافه شده، فعال نگه داشتن شاگردان در عملیه تدریس جزء پلان تدریس گردیده است. امیدوارم تدریس این کتاب با استفاده از روش های آموزش فعال مطابق رهنمود ها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گیرد، و اولیای شاگردان نیز در تعلیم و تربیه با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متناوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای شاگردان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی مسؤولیت خود را صادقانه ادا می نمایند. وزارت معارف همواره تلاش می نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیار های علمی با در نظر داشت نیازمندی های مُبرم جامعه ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیه کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود بیشتر تألیف کتب درسی یاری نمایند.

از همه دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشور های دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می نمایم.

و من الله التوفیق

فاروق وردگه

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست



| صفحه | عنوان | شماره درس |
|------|-----------------|-----------|
| ۱ | حمد | درس اول |
| ۵ | نعت | درس دوم |
| ۹ | زبان دری | درس سوم |
| ۱۵ | سرزمین من | درس چهارم |
| ۱۹ | زراعت (کشاورزی) | درس پنجم |
| ۲۵ | ترانه بهار | درس ششم |
| ۲۹ | عایشه درانی | درس هفتم |

| | | |
|-----|---------------------------------|------------------|
| ۳۵ | حکایت دل من در برابر مادر | درس هشتم |
| ۳۹ | مکتب | درس نهم |
| ۴۳ | خواججه عبدالله انصاری | درس دهم |
| ۴۹ | نظامی گنجوی و کسب علم و دانش | درس یازدهم |
| ۵۵ | سعدی | درس دوازدهم |
| ۵۹ | اهمیت سرکها و راهها | درس سیزدهم |
| ۶۵ | آزادی | درس چهاردهم |
| ۷۱ | اندرزها | درس پانزدهم |
| ۷۷ | رادبو | درس شانزدهم |
| ۸۱ | کوچی‌ها | درس هفدهم |
| ۸۵ | ماین چیست؟ | درس هجدهم |
| ۹۱ | ضرب‌های مواد مخدر | درس نوزدهم |
| ۹۷ | رابعه بلخی | درس بیستم |
| ۱۰۱ | حقوق بشر | درس بیست و یکم |
| ۱۰۷ | ضرب‌المثل‌ها | درس بیست و دوم |
| ۱۱۱ | ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب | درس بیست و سوم |
| ۱۱۷ | سبزی‌ها | درس بیست و چهارم |
| ۱۲۳ | اختراعات و اکتشافات | درس بیست و پنجم |
| ۱۲۹ | حادثه ترافیکی | درس بیست و ششم |
| ۱۳۵ | ترجمه بر حیوانات | درس بیست و هفتم |
| ۱۳۹ | حفظ محیط زیست | درس بیست و هشتم |
| ۱۴۵ | واژه نامه | |

ز



درس اول

حمد



شاگردان عزیز،
سال گذشته درمورد ستایش خداوند (ج) مطالبی را آموخته بودید، اکنون نیز تحمیدیه بی را که با توصیف های دلنشین وزینا جلای خاص یافته است می خوانید. که یکی ازشاعر شاعر بزرگ و توانای شعر وادب دری، سعدی می باشد، که در حکمت، موعظه و ایراد حکم وامثال از هر شاعردری زبان موفق تر است. همچنان با «کلمه» آشنا می شوید. حالا بگویید که:

- چرا هر کاری را با نام خداوند (ج) آغاز می کنیم؟

حمد

ثنا و حمد بی پایان خدا را که صنّعتش در وجود آورد ما را
و زانعامت همیدون چشم دارم که دیگر باز نستانی عطا را
ز احسان خداوندی عجب نیست اگر خط در کتشی جرم و خطا را
خداوندا بدان تشریف و عزت که دادی انبیاء و اولیاء را
به حق پارسایان کز در خویش نیندازی من ناپارسا را
خدایا گر تو سعدی را برانی شفیع آرد روان مصطفی را
محمد سید سادات عالم

چراغ و چشم، جمله انبیاء را

« سعدی »



تحمیدیه: در لغت به معنای حمد و ستایش و گفتن (الحمدلله) است و اما در اصطلاح ادب، سخن زیبا به شعر و نثر در ستایش خداوند(ج) می باشد.

توضیح بیت چهارم و پنجم: خداوندا به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران و دوستان خود دادی و به آن حق که برای پرهیزگاران داری، من ناپرهیزگار را از نظر خویش نیندازی.



در هر کشوری مردم به زبانی سخن می گویند. در بعضی از کشورها به جای یک زبان، چند زبان رواج دارد. بیشتر افراد تحصیل کرده به جز زبان مادری خود یک یا چند زبان دیگر هم یاد می گیرند. هر زبانی از کلمه های بسیاری تشکیل شده است. وقتی ما می خواهیم فکری را بیان کنیم، کلمه ها را با هم پیوند می دهیم و از به هم پیوستن کلمه ها جمله درست می کنیم. آن گاه به وسیله جمله، آنچه را در ذهن داریم بر زبان می آوریم. هر زبانی برای خود قاعده هایی

دارد و آموختن قواعد دستوری ما را از ساختار صرفی و نحوی زبان آگاه می سازد و به آموختن هر زبان دیگری یاری می کند و می توانیم زبان های دیگر را به آسانی فرا بگیریم.

مجموع قاعده های هر زبانی را در زبان دری دستوری در عربی صرف و نحو و در برخی زبانهای اروپایی گرامر می گویند. ما که به زبان دری سخن می گوئیم، می خوانیم و می نویسیم، باید دستور زبان دری را خوب بیاموزیم. نخست دستور زبان را تعریف نموده و به تعقیب آن با کلمه و اقسام آن آشنا می شویم. دستور زبان عبارت از علم تشریح قواعد، قوانین و ضابطه های زبان است.

تعریف کلمه

لفظ معنی دار را کلمه گویند که همواره دارای معنای لغوی می باشد؛ مانند: کتاب، قلم، فریاد و...



- خداوندی را ثنا، صفت و ستایش می کنیم که ما را آفرید و هستی بخشید، واز خداوند(ج) می خواهیم که نعمات و بخشش های را که برای ما اعطا کرده از ما نگیرد. کرم و احسان خداوند(ج) عجیب نیست؛ زیرا بخشاینده و مهربان است، گناهان و خطا های بنده های خود را می بخشد. ای خدای بزرگ به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران ، دوستداران و پرهیزگاران اعطا کرده ای ما را نیز از درگاه ات نا امید نگردان .
- دستور زبان علم تشریح قواعد و قوانین زبان است و کلمه لفظ معنی دار را گویند که دارای معنای لغوی و یا دستوری باشد.



بشنو و بگو

- چرا خداوند (ج) را ستایش می کنید؟
- مفهوم بیت های زیر را توضیح دهید:
 - به حق پارسایان کز در خویش نیندازی من ناپارسا را
- به مجموع قاعده های زبانی در زبان دری، عربی و زبانهای اروپایی چه می گویند؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، بعد در مورد ثنا و صفات خداوند (ج) باهم بحث و گفتگو کنند. بعد از هر گروه یک شاگرد پیش روی صنف آمده به دیگران توضیح دهد.

به دوستانت بگو

- کارها را با نام خداوند (ج) آغاز می کنیم.
- خداوندا به کرم و بخشش تو همیشه چشم داریم.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه درمدتی معین مطالعه کنید.
- متن درس را یکبار به خط خوب در کتابچه های خود بنویسید.
- باهریک از این کلمه ها یک جمله خبری و یک جمله پرسشی بسازید:
 - حمد، احسان، عزت



- در مورد نعمت هایی که خداوند (ج) برای ما ارزانی فرموده است در کتابچه های خود چهار سطر بنویسید...

- خاطره آغاز سال تعلیمی، آمدن به صنف هفتم و دیدن همصنفان خود را در روز بعد به همدیگر بگویند.



درس دوم

نعت



شاگردان عزیز،

- نخستین درس ما ثنا و ستایش خداوند (ج) بود. دومین درس خود را با یاد محمد (ص) پیامبر بزرگ اسلام و صفات نیک آن حضرت آغاز می کنیم؛ پیامبری که خداوند (ج) او را برای راهنمایی بنده گانش برگزید و کلید های دانش و سر چشمه های حکمت را به او بخشید؛ همچنین با کلمه های مستقل آشنا می شویم.
- درباره پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) چه می دانید ؟
 - چند صفت از صفات محمد (ص) را می توانید نام ببرید ؟

| | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| درشش جهت نسیم بهار محمد است | از شرق تا به غروب دیار محمد است |
| نیک و بد هرچه است به کار محمد است | محروم نیست هیچکس از بحر رحمتش |
| همراه بد نکویی شعار محمد است | بادشمان خوی ترحم نموده است |
| درفاق اگر بود به جوار محمد است | هر کس که بر نبوتش اقرار کرده است |
| هر چند در مدینه مزار محمد است | دوری ندارد ازدل اخلاصمند خویش |
| هر کس چو ویس عالیست زار محمد است | نزد خدا مراتبش عالیست از ملک |
| دانم که از صحاب کبار محمد است | در حضرت تمیّم باخلاص می روم |
| عالم خوش از مرور و مدار محمد است | همراه هر گروه به جهان لطف کرده است |
| آن شمه یی ز قدر و وقار محمد است | داری خبر گردش نعلین شان به عرش |

«عشقوی»



توضیح بیت: در حضرت تمیم باخلاص می روم / دانم که از صحاب کبار محمد است
 باید گفت: عشقوی می گوید من بر خاک جابر انصار و شهدای صالحین به خلوص نیت می روم؛
 زیرا می دانم که آنها از اصحاب بزرگ پیامبر اند.

ویس قرنی: کسی بود که بیش از حد عاشق و شیفته دیدار حضرت محمد (ص) بود. گویند
 هنگامی که خبر شد در جنگ «احد» دندان آن حضرت (ص) شهید می شود، تمام دندان های
 خود را از بین می برد که این نشانه بسیار بزرگ از محبت او نسبت به آن حضرت (ص) بود. با
 وجودی که آن حضرت (ص) را از لحاظ ظاهری ندیده بود؛ اما محبت باطنی او در حد بالایی بود.
 گروهی از مردم پیروان ویس اند که به نام او بسیار یاد می شوند.



کلمه‌های مستقل

کوچکترین واحد با معنای زبان بوده و همواره دارای معنای مستقل و لغوی است. که سه نوع می باشد: ساده، مشتق و مرکب.

- ۱- کلمه ساده: آن است که تنها یک جزء بوده و قابل تجزیه به اجزای مستقل یا نا مستقل نباشد؛ مانند: زن، مرد، گل، اسپ، بزرگ، خوب و...
- ۲- کلمه مشتق: آنست که از یک کلمه آزاد و چند جزء بسته ساخته شده باشد؛ مانند: همسفر، فروتن، امروز، نادار و...
- ۳- کلمه مرکب: آنست که از دو کلمه آزاد تشکیل شده باشد؛ مانند: روزنامه، زردآلو، شور انگیز، سیاه چشم و...

خلاصه درس



دین حضرت محمد (ص) شرق تا غرب را دربر گرفته واز شش طرف نسیم بهاری دین اسلام می وزد. نیک و بد از مهربانی و شفقت او محروم نیستند و شعار او نیکویی و ترحم حتی با دشمنان است، و هر کسی که به پیغمبری آن حضرت اقرار کرده اگر در کوه قاف هم باشد فکر می کند که در بهلولی محمد (ص) است. هرکسی که مثل ویس عاشق و شیدای محمد (ص) است، نزد خداوند (ج) مرتبه عالی دارد. آیا خبرداری از رفتن آن حضرت به معراج؟ آن فقط ذره یی از عزت و سر بلندی او می باشد.



بشنو و بگو

- برداشت تان را از مفهوم درس بیان نمایید.
 - چند صفت نیک پیامبر بزرگ اسلام را از متن درس بیان کنید؟
 - این بیت را توضیح نمایید:
از شرق تا به غرب دیار محمد است درشش جهت نسیم بهار محمد است
 - شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند. در مورد مفهوم نعت و صفات نیک حضرت محمد (ص) با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند. در آخر نتیجه بحث را از هر گروه یک نفر به دیگران بیان کند.
- به دوستان‌ت بگو**
- شمار محمد (ص) با دشمنان و پلان ترجمه و نکوبی است.
 - عزت و سر بلندی و بردباری آن حضرت (ص) آنقدر زیاد است که رفتن به عرش خداوندی با معراج ذره بی از آن است.

بخوان و بنویس

- پیام این بیت چیست؟ بنویسید:
هر کس که بر نبوتش اقرار کرده است در قاف اگر بود به جوار محمد است
- نعت را دقیق بخوانید و مفهوم آن را در چهار سطر بنویسید.
از چهار جواب یکی را تأیید کنید:
لطف به معنای: برده باری - رحم کردن - مهر بانی - نامهربانی



- بیت هلی اول و دوم نعت را حفظ نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
- واژه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار ببرید:
شعار، مدینه، ترجمه، عالم، نیک





درس سوم

زبان دری



شاگردان عزیز،

در درس های سال های گذشته، شما زبان دری خواندید، خواندن، نوشتن آن را فرا گرفتید. درس امروز ما باز هم در مورد زبان دری است. در این درس شما به گونه کوناه با مهد زبان دری و زمان پیدایش آن آشنایی حاصل خواهید نمود. اکنون از شما پرسیده می شود:

- به نظر شما چرا این زبان را دری می گویند؟
- در کدام مناطق افغانستان مردم بیشتر به زبان دری تکلم می کنند؟

در زمانه های خیلی قدیم زبان دری را به نام های پارسی، پرتوی و پهلوی یاد می کردند؛ اما در اوایل دوره اسلامی این زبان را جایی فارسی، جایی دری و جایی دیگر فارسی دری می نامیدند. دانشمندان مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین های دو طرف دریای آمو می دانند. برخی از دانشمندان عقیده دارند که زبان دری برخاسته از پهلوی اشکانی است؛ چون مؤسس خانواده باختری بلخ ارشک (اشک) نام داشت، پس آنها به نام اشکانیان معروف شدند. شاهان این سلسله مدت ششصد سال درمنطقه وسیعی که شامل افغانستان امروز، سواحل دریای آمو، فارس، عراق و آسیای صغیر می شد، امپراتوری بزرگی را تشکیل دادند و زبان شان مدت شش قرن زبان رسمی، اداری و مسلط در قلمرو آن بود و حیثیت زبان رسمی و درباری را داشت؛ بنابراین به زبان پهلوی اشکانی مسمی شد. بالاخره با از بین رفتن این سلسله و تحول زبان شان، به نام پرتوی دری یا پارسی دری و سرانجام به پارسی دری معروف گردید. یعنی فارسی اصلاشکل تغییر یافته و دیگرگون شده پرتوی یا پارسی است. شمار دیگری از دانشمندان، زبان فارسی دری را از ریشه زبان تخاری می دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماوراء النهر)، تخارستان و شمال افغانستان و سرزمین های آنسوی دریای آمو در سده های اول و دوم هجری به این زبان سخن می گفتند.

با تأسیس دولت صفاری در قرن سوم هجری زبان فارسی دری رسماً توسط یعقوب لیث صفار مؤسس دولت صفاری به جای زبان عربی زبان رسمی قرار داده شد و از آن به بعد در دربارهای سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری، مغولی هند، دولت عثمانی و آسیای صغیر رشد و انکشاف نمود و تا امروز حیثیت زبان رسمی و درباری را دارد که مدت درازی در حدود بیشتر از یک هزار و پانصد سال را احتوا می کند. رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاویا و کرانه های رود دانیوب تا گگا در سواحل هندوستان، زبان شعروادب، سیاست و تجارت گردید و دانشمندان، سخنوران، شاعران و فیلسوفان در طول تاریخ آثار نظم و نثر فراوانی به این زبان آفریدند. البته مردمان و اقوام مختلف و سلطنت های گوناگون نیز در گسترش و شکوفایی آن کوشش بسیار کردند. در مورد این که چرا نام این زبان را «دری» گذاشته اند، نظریات گوناگونی وجود دارد. بعضی آن را به دره نسبت می دهند؛ یعنی زبان دره نی و زبانی که در دره ها تولد یافته و مردم دره ها بدان سخن می گفتند. برخی دیگر آن را به دربار و درگاه نسبت داده اند؛ زیرا زبان دربار پادشاهان و زبان طبقه حاکم بوده. گروه دیگری از دانشمندان آن را مخفف زبان «تخاری» می دانند که تخاری به مرور زمان به «تهری» مبدل گردیده؛ سپس چون یکجا شدن حروف {رت} و {ره} – قبل از حروف {ر} – در زبان ایجاد ثقلت نموده، آن را به {د} مبدل کرده اند، که واژه «دری» به میان آمده و نام این زبان گردیده است.

امروز زبان پارسی – دری تنها در کشورهای افغانستان، ایران و تاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه در بسیاری از کشور های آسیایی، اروپایی و آمریکایی بیشتر از یکصد و شصت میلیون تن گوینده و شنونده داشته و از شمار زبان های زنده و برازنده جهان به شمار می رود. باید گفت که زبان فارسی دری را در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجکستان به نام تاجکی یاد می کنند؛ اما حقیقت این است که دری، فارسی و تاجکی همان زبان واحد «فارسی دری» است، نه سه زبان مختلف. و نامهای دری، فارسی و تاجکی نشان دهنده موقعیت جغرافیایی این زبان است، نه بیانگر اختلاف ریشه بی آن.



زبان تخری: زبانی که در تخارستان رایج بوده و تخارستان نامی است که از قدیمترین زمان بریکی از ولایت های شرقی آریانا گفته می شد که ولایت های شمالی افغانستان امروزی و قسمت هایی از مناطق آن سوی دریای آمو را دربر می گرفت. صفاری، سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری و دولت عثمانی: حکومت هایی بودند که یکی پس از دیگری، دولت های مستقل و بزرگی را تشکیل دادند و مدتی طولانی حکمرانی داشتند. یوگوسلاویا: کشوری بود در شرق اروپا که در سالهای اخیر به پنج کشور تقسیم شد. رود دانیوب: دریایی است که در شرق اروپا موقعیت دارد.



کلمه های نامستقل

در درسهایی گذشته گفته بودیم که کلمه یا واژه در زبان دری دوتنوع است: یکی کلمه های مستقل و دیگری نامستقل. کلمه های نامستقل واژه هایی را می گویند که معنای لغوی ندارند؛ اما وظیفه گرامری دارند. این نوع کلمه ها نیز به دو بخش «نشانه های ساختمانی» و «وندها» تقسیم می شوند؛ مانند:

- راه، و، که، اگر، ولی (نشانه های ساختمانی)

- می، همی، آید، گان، گاه، مند (وندها)
مثال هایی از نشانه های ساختمانی:
- ۱- او کتاب را خواند.
- ۲- کریم و زلیخا آمدند.
- ۳- من انتظار می کشم؛ اگر او نیامد خواهم رفت.
- ۴- شما بفرمایید، بیایید؛ اگر شگوفه نیامد، انتظار او نخواهیم ماند.
- ۵- من که آمدم، تو آنجا باشی.
مثال هایی هم از وند ها:
- ۱- غزال به پلخمری می رود.
- ۲- او نان همی خورد.
- ۳- شما نان خورده اید ؟
- ۴- عمر زنده گان دراز باد!
- ۵- درس های دانشگاه شروع شده است.
- ۶- وی خیلی دردمند به نظر می آمد.



زبان دری در دوران های پیشین به نام های پارسی، پرتوی و پهلوی و بعد ها به نام های فارسی و دری که مترادف هم اند به کار می رود. دانشمندان مهد پیدایش آن را بلخ و باختر و سرزمین های دو طرف دریای آمو می دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماروراء النهر) تخارستان و شمال افغانستان و سرزمین های آن سوی دریای آمو در سده های اول و دوم هجری به این زبان سخن می گفتند.

زبان پارسی در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجکستان به نام تاجکی یاد می شود. دانشمندان، سخنوران و فیلسوفان در طول تاریخ با موجودیت این زبان آثار نظم و نثر فراوان آفرینند و رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاوی و کرانه های رود دانیوب تا سواحل گنگا در هندوستان زبان شعر، ادب، سیاست و تجارت گردید.
کلمه های نامستقل واژه هایی است در زبان دری که وظیفه دستوری دارند.



بشنو و بگو

- زبان دری در گذشته به چه نام‌ها یاد می‌شد؟
 - دانشمندان بستر پیدایش زبان دری را کجا می‌دانند؟
 - زبان پهلوی اشکانی را چرا به این نام یاد می‌کنند؟
 - زبان دری در کدام دوران رشد و انکشاف زیاد نمود؟
 - امروز در کجا‌ها بیشتر به این زبان تکلم می‌شود؟
 - در مورد کلمه «دری» چه نظریات وجود دارد؟
 - شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در مورد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین‌های دوطرف دریای آمو می‌دانند.
- گفتگو نمایند؛ در آخر نماینده هر گروه نتیجه بحث گروه خود را بیان کند.

به دوستان بگو

- دانشمندان، مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین‌های دوطرف دریای آمو می‌دانند.
- با تأسیس دولت صفاری، یعقوب لیث صفار زبان پارسی دری را به جای زبان عربی به حیث زبان رسمی و درباری قرار داد.
- امروز زبان دری تنها در کشورهای افغانستان، ایران و تاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و امریکایی نیز گوینده دارد.

بخوان و بنویس

- متن درس را خاموشانه دقیق بخوانید و نکات مهم آن را بیرون نویس نمایید.
- کلمه های زیر را در جمله های مناسب به کار ببرید:
بلخ، مؤسس، پهلوی، دری، پرورش.

جاهای خالی را پر کنید

- دانشمندان.....:زبان.....را بلخ و.....وسرزمین های دو طرف.....می دانند.
- از شمار زبان های.....و.....جهان به شمار می رود.
- امروز.....تنها در کشورهای.....ایران.....منحصر نمانده است.



- نکات عمده و مهم درس را از یاد نموده روز آینده در برابر صنف به دیگران بیان نمایید.
- در مورد دوران رشد و انکشاف زبان پارسی دری و اهمیت آن شش سطر بنویسید.



درس چهارم

سوز مین من



شاگردان عزیز،

افغانستان کشوری است که در قلب آسیا موقعیت داشته و جایگاه علما و دانشمندان مشهور بوده در جهان از شهرت خوب برخوردار می باشد و باید در این مورد معلومات به دست بیاوریم. در درس گذشته راجع به زبان دری موضوعات و مفاهیم را آموختیم اکنون راجع به اقوام، رسوم و عینعات مختلف این کشور آگاهی حاصل می نمایم.

- در نقشه کجا را می بینید؟
- افغانستان در کجا موقعیت دارد؟

سرزمین من افغانستان است. افغانستان یک کشور اسلامی بوده و در قلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من دارای کوه های بلند و هوای معتدل و چشمه های گوارا است. در افغانستان اقوام مختلف باهم زنده گی می کنند وهمه برای پیشرفت و ترقی وطن عزیز شان کار نموده و تلاش میورزند.

سرزمین من تاریخ درخشان و پنج هزار ساله دارد. مردمان آن شجاع، دلیر و مهمان نواز استند و همواره در برابر تجاوز بیگانه گان با اتحاد و اتفاق می ایستند و برای آزادی و استقلال کشور از دل و جان می کوشند.

سرزمین من روزگاری مراکز اساسی تعلیم و تعلم بوده؛ به گونهٔ مثال: از بلخ (ام البلاد)، هرات (هری)، غزنی (غزنه) و غور می توان نام برد. بزرگ مردان، فیلسوفان و دانشمندان افتخار آفرین آن نه تنها در منطقه؛ بلکه در جهان از شهرت زیادی برخوردار اند؛ مانند: ابن سینای بلخی، رابعهٔ بلخی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، عنصری بلخی، علامه سید جمال الدین افغان، سنایی غزنوی، مولانا عبدالرحمن جامی، رحمان بابا، خوشحال خان ختک، خواجه عبدالله انصاری، و صدها تن دیگر از این بزرگ مردان برای غنای فرهنگی، پیشرفت و شگوفایی سرزمین شان همواره کار نموده و زحمت می کشیدند. برماست که باهم تلاش نموده و برای زنده گی بهتر و فردای با سعادت از همین حالا درس خوانده و با اتفاق، اتحاد و همبسته گی کامل همه اقوام در کنار هم با روحیهٔ وطندوستی، برادری، فضای صلح و آرامش را فراهم نموده و مصدر خدمت برای کشور خود شویم.



اسم

اسم کلمه بی است که به انسان، حیوان، نبات ویا چیزی ، اطلاق می شود. ویا این طور می توانیم تعریف کنیم اسم نام اشیا وانشخاص بوده و دارای خصوصیت های ذیل می باشد:

- ۱- پسوند جمع را بپذیرد.
- ۲- نشانهٔ افزایش را بپذیرد.
- ۳- پسوند ندا را بپذیرد.
- ۴- پسته (را) را بپذیرد.

اسم به اقسام آتی تقسیم می شود: اسم ذات ومعنی، اسم خاص و عام، اسم جمع و مفرد، اسم معرفه و نکره، اسم زمان و مکان واسم تصغیر.

در متن درس کلمه های افغانستان، سرزمین، کوه ها، چشمه ها و وطن اسم اند.



خلاصه درس

سرزمین من افغانستان است، افغانستان یک کشور اسلامی بوده و در قلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من تاریخ درخشان و پنج هزار ساله داشته جایگاه بزرگ مردان فکر واندیشه، علما ودانشمندان مشهور بوده است که نه تنها در افغانستان؛ بلکه در سراسر جهان از شهرت برخوردار بوده اند؛ مانند: ابن سینا بلخی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، رابعه بلخی، سنایی غزنوی، علامه سید جمال الدین افغان و...



فعالیت‌ها

بشنو و بگو

- ۱- افغانستان در کجا موقعیت داشته و چگونه آب وهوا دارد؟
- ۲- از شهر های مهم افغانستان نام ببرید که روزگاری مهد علم و دانش بوده است.
- ۳- از شخصیت های بزرگ کشور ما که شهرت جهانی دارند نام ببرید.
- ۴- چگونه می توانیم برای وطن خود خدمت نماییم ؟
- ۵- اسم را تعریف نموده مثال بیاورید.
- ۶- اسم به چند نوع تقسیم شده است نام بگیرید.
- ۷- اگر درباره افغانستان معلومات بیشتر دارید برای همصنفان تان بیان نمایید.
- ۸- خلاصه درس را به زبان ساده بیان کنید.
- ۹- دودو نفر شاگرد در باره رسوم و عنعنات افغانستان باهم مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده و نکات مهم را بیرون نویس کنید.
 - درباره وطن دوستی یک مقاله کوتاه بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.
 - واژه های درس را در جمله های ساده به کار ببرید.
 - جاهای خالی را پر نمایید.
 - افغانستان تاریخ..... دارد. مردمان آن.....و.....اند.
 - در افغانستان اقوام..... با هم..... می کنند.
 - سه جمله بنویسید که در آن اسم به کار رفته باشد.
 - درس را به دقت بخوانید و زیر اسم های آن خط بکشید.
- جمله های زیر را خانه پری کنید**
- سرزمین من..... پنج هزار..... دارد.
 - افغانستان یک..... بوده و در..... موقعیت دارد.



کارخانه می

درباره این که در آینده چگونه می توانید برای سرزمین تان مصدر خدمت شوید چند سطر بنویسید.
نکات عمده و مهم درس را حفظ نموده و روز آینده در برابر صنف بیان نمایید.



درس پنجم

زراعت (کشاورزی)



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد سرزمین ما افغانستان که یک کشور زراعتی است چیز هایی را دانستید. در این درس در مورد زراعت و اهمیت آن در کشور آگاهی حاصل می نمایید. همچنان با اسم عام آشنا می شوید. قبل از شروع در س به این پرسش ها پاسخ دهید:

- اگر در یک کشور زراعت وجود نداشته باشد، چه مشکلات پیا می آید؟
- زراعت در اقتصاد یک کشور چه نقش دارد؟

ترقی به منزله درختی است که زراعت ریشه آن را تشکیل می دهد. صنعت های گوناگون شاخه و برگ و آرامی میوه آن می باشد. اگر بخواهیم از این درخت برخوردار باشیم واز میوه آن سعادت و آرامی بیابیم، باید در تقویت ریشه درخت توجه کنیم. به وسیله زراعت نه تنها برای مردم مواد خوراکی تهیه می شو؛ بلکه ترقی صنعت به کشاورزی بسته گی دارد؛ زیرا بیشتر مواد اولیه صنعت به وسیله کشاورزی فراهم می شود.

جای خوشی است، کشور ما افغانستان سرزمینی است که آب و هوای آن برای بار آوردن هرگونه زراعت مساعد می باشد؛ اگر ما همت به خرج دهیم و شیوه های زراعت واستعمال قلمه و کاربرد افزار ماشینی را بیاموزیم، می توانیم یک دهقان زحمتکش بار بیابیم و به محصولات زراعتی خود چندین برابر بیافزاییم.

گرچه از مجموع اراضی کشور ما صرف پانزده فیصد آن قابلیت زرع را دارد متباقی آن یا کوهستانی است ویا فاقد آب ، ریگزار و شوره زار می باشد. با همین وضع، نباید زراعت در کشور را فراموش نماییم اراضی قابل زرع فعلی ما اگر به وجه احسن مورد کشت قرار گیرد، نه تنها ما را به خود کفایی می رساند؛ بلکه محصولات آن در جمله اقلام صادراتی ما قرار خواهد گرفت.

کشاورز و پرند

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| به عمری داشتی زرعی و کشتی | جهان دیده کشاورزی به دشتی |
| دل از تیمسار کار آسوده کردی | به وقت غله، خرمن توده کردی |
| که تا از گاه می شد، گندمش پاک | ستم ها می کشد از باد واز خاک |
| به هنگام ششیاری و حصاری | جفا از آب و گل دید خاک وبادی |
| که از سرما به خود لرزید. دهقان | سحر گاهی هوا شد سرد ز انسان |
| شکست از تاک پیری شاشساری | پدید آورد خاشاک، و خساری |
| فروزینه زد، آتش کرد روشن | نهاد آن همیسه راه نزدیک خرمن |
| به ناگه طایری آواز سرداد | چو آتش دود کرد و شعله سرداد |
| در این خرمن مرلهم حاصلی هست | که ای برداشته سود از یکی شصت |
| مبادا خدا نمانی را بسوزی | نشاید کاتش اینجا برف روزی |
| چنان دلم که می سوزد جهان را | بسوزد گر کسی این آشیان را |

(پروین اعتصامی)



• صنعت: واژه عربی است به معنای کاربرد مهارت و سلیقه در جلوه‌جمال به وسیله تقلید و یا ابتکار. به عبارت دیگر صنعت وسیله بی است که بشر بدان عقیده خود را رایج به کمال بیان کند. آهنگ سازی موسیقی دانان را نیز صنعت می گویند؛ همچنان صنعت به معنای تغییر کلی می باشد که بوسیله بشر در مواد طبیعی به وجود میاید. مثلاً: تبدیل گندم به آرد، تبدیل پنبه، پشم و ابریشم به پارچه، استخراج نفت و فلزات و جمع آن صنایع است. امروز بیشتر به اموری که توسط ماشین اجرا می شود و سرمایه گذاری ها در امور تولیدات ماشینی را صنایع می گویند.

• کشاورزی: (کشت + ا + ورز) یا کشت ورز است که از آن کشاورز ساخته شده است. معادل این واژه در زبان عربی زارع است. کلمه کشاورز در لهجه های دری، تاجکی و فارسی وجود دارد و نیز کلمه کشاورزی معادل کلمه زارعت عربی می باشد.

• پروین اعتصامی: در سال (۱۲۸۵) هـ. ش . در ایران متولد و با سیری نمودن (۳۵) بهار زنده گی به حیات پیروز گفت، وی معروفترین شاعرزمان خود بود، این دختر از کودکی به شعر گفتن لب گشوده بود. وی در قصایدش از حیث الفاظ پیرو سبک شاعران قرن های پنجم و ششم به ویژه پیرو حکیم ناصر خسرو بوده است. اشعار وی ساده، اندیشه هایش نو و متضمن نکات اجتماعی، اخلاقی و انتقادی بوده تمثیلات، مناظرات و اندرز های حکیمانه و تفکر اومایه شگفتی است.

اسم عام چیست؟

اسم عام آن است که بین افراد هم جنس مشترک است و بر هر یک از آنها دلالت کند، مانند: مرد، زن، پسر، دختر، اسپ، گاو، باغ، درخت، قلم و ... ناگفته نگذاریم که اسم جنس را نیز اسم

- عام گفته اند که عبارت از نامی است بر همه افرادی که ماهیت مشترک دارند.
- اکنون در این جمله ها نام های عام را مثال می آوریم:
- دیروز پنج جلد کتاب خریدم.
 - هر خانه چهار دیوار دارد.
 - در صنف های پوهنتون کابل دختر ها و پسر ها درس می خوانند.
 - در باغ ها گل ها و درخت ها را باغبانان ها تربیه می کنند.



زراعت ریشه درخت زنده گی انسان ها می باشد و نیز بنیاد صنعت هاست. کشور ما دارای آب و هوای مساعد به زراعت یا کشاورزی است. ما با کار می توانیم محصولات زراعتی وطن خود را افزایش دهیم.

اسم عام یا اسم جنس آن است که مابین افراد هم جنس مشترک باشد؛ مانند: دختر، گل.



بشنو و بگو

- دو دو شاگرد نزدیک تخته صنف بروند و در باره زراعت باهم محاوره کنند.
- شاگردان این جمله ها را بشنوند:
افغانستان کشور کثیرالاقوام است. هر قوم برادر قوم دیگر می باشد؛ زیرا همه افغان اند و وطن واحد دارند. به آبادی و ترقی هر ولایت آن، هر قوم خوش می شود. از جنگ و دوام جنگ افراد هر قوم نفرت دارد. آنها می دانند که صلح آبادی و ترقی می آورد و جنگ تباهی را نصیب وطن و وطنداران ما می سازد.

شاگردان به این سؤال ها پاسخ دهند:

- وطن ما افغانستان از نظر اقوام چگونه است؟
- هر قوم به قوم دیگر چه وجوه مشترک دارند؟
- در کشوری که زمین هایش زیر پوشش زراعت خشکاش قرار گیرد به مردم آن چه ضرر می رساند؟

بخوان و بنویس

- یک بیت شعر برون اعتصامی را شاگردان به نوبت بخوانند و معلم محترم تصحیح کند.

• برای شاگردان املا گفته شود:

• متضاد این کلمه ها را بنویسید:

- ۱- ترقی
- ۲- سعادت
- ۳- توانایی
- ۴- سحر
- ۵- پاک

نام اسیا و افزاری که در کشاورزی به کار می رود، فهرست کنید:

- ۱-.....
- ۲-.....
- ۳-.....
- ۴-.....
- ۵-.....
- ۶-.....



جاهای خالی را با کلمه های مناسب پر کنید:

- ۱- ما با کار میتوانیم..... زراعتی را افزایش دهیم.
 - ۲- افغانستان سرزمینی است که..... و..... آن برای زراعت مساعد است.
 - مفهوم این بیت را در دو سطر بنویسید:
- بسوزد گر کسی این آشنیان را چنان دانه که می سوزد جهان را



- در باره وضعیت زراعت کشور چند سطر نوشته ، ساعت بعدی به صنف بیاورید.





درس ششم

ترانهٔ بهار



شاگردان عزیز،

فرا رسیدن موسم بهار با تمام زیبایی های آفرینش از یکسو و آوردن پیام پایان گرفتن سرمای زمستان از سوی دیگر، برای انسانها از هر جهت مایهٔ شادمانی و سزاوار جشن و پایکوبی است. بهار در حقیقت بیان رنگارنگ وجد و سروری است که به همراه نوزایی طبیعت، تمامی کاینات را در بر می گیرد و هر مخلوقی به تناسب شرایط حیات مادی و معنوی خود به گونهٔ ویژه بر گزار می نماید. اکنون شما بگویند که:

۱. چرا فصل بهار را موسم نوزایی طبیعت می گویند و چه معنی دارد؟
۲. به نظر شما فرا رسیدن بهار و نوروز را چگونه باید تجلیل کنیم؟

بهار فصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است. کاروانهای غچی و پرستو با پروازهای خود در آسمان، فرا رسیدن بهار را مرده می دهند و موجودات زنده را به جنبیدن و شور و تحرک تشویق می کنند. با آمدن بهار همه موجودات طبیعت شاد، خرم و سرسبز می شوند و زنده گی تازه بی را آغاز می کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی ها و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز مانند همان باغبان، کمر همت بندیم و کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقه خود بزنیم و بالاخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم پس این وظیفه ماست که دست بهار داده و وطن خود را سرسبز، شاداب، خرم و آباد سازیم.

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار

پربیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی قیاس

بید را چون پر طوطی برگ روید بی شمار

دوش وقت صبحدم بوی بهار آورد باد

حینا باد شمال و خرمما بوی بهار

باد گویی مشک سوده دارد اندر آستین

باغ گویی لعبتان جلوه دارد بر کنار

نسترن لولوی بیضا دارد اندر مرسله

ارغوان لعل بدخشی دارد اندر گوشوار

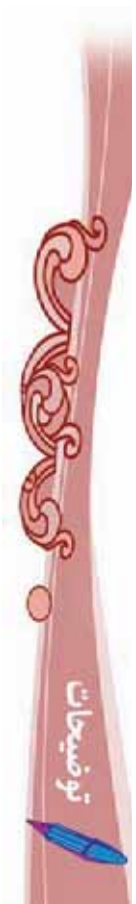
تا بر آمد جام های سرخ مثل بر شاخ گل

پنجه های دست مردم سر فراز کرد از چنار

باغ بوقلمون لباس و شاخ بوقلمون نمای

آب مروارید گون و ابر مروارید بار

«فرخی»



مشک: ماده یست معطر که از کیسه های مشکین به اندازه بی تخم مرغ یا نارنج از زیر شکم آهوی ختایی گرفته می شود. مشک دو نوع است: مشکی که در نافه است و دیگر مشکی که از نافه خارج شده به موادی خارجی آمیخته باشد. که ارزش نوع اول نسبت به دوم بیشتر است.



اسم خاص

به جملات زیر نگاه کنید:

- رابعه بلخی از جمله شاعر زنان بلند آوازه قلمرو شعر و عرفان کشور ماست.
- چهره مهتاب در زیر ابر پنهان شده است.
- برادرم در کانادا زنده گی می کند.

در سه جمله بالا واژه های «رابعه بلخی»، «مهتاب» و «کانادا» اسم های خاص هستند؛ زیرا وقتی ما این اسمها را می شنویم در ذهن ما تنها یک موجود معلوم نقش می بندد؛ مثلاً: اگر «درخت» بگوییم، سؤال مطرح می شود که کدام درخت؟ پس اسم خاص را چنین تعریف می کنیم: اسم خاص به اسمی گفته می شود، که بر موجود معلوم و مخصوصی دلالت کند؛ یعنی وقتی ما آن اسم را می شنویم، صرف یک موجود معلوم و مشخص در ذهن ما حضور کند؛ مانند: این سینا، کابل، مهتاب، افغانستان، آسمان و...





بهار فصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است. با آمدن بهار همه موجودات طبیعت شاد، خرم و سرسبز می شوند و زنده گی تازه بی را آغاز می کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی ها و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقه خود بزنیم و بالاخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم. اسم خاص به اسمی گفته می شود که بر موجود معلوم و مخصوص دلالت کند. مانند: کابل، مهتاب و...



بشنو و بگو

- در باره بهار، ویژه گیها و تفاوتهای آن با سه فصل دیگر مباحثه و گفتگو کنید؟
- با مطالعه متن درس سه اسم خاص را از آن استخراج نموده و آن را در جمله ها به صورت شفاهی به کاربرید.

- مردم منطقه شما در بهار چه نوع میله هایی را برپا می سازند؟
- معنای واژه های نیلگون، مرغزار، مشک، لعل، بوقلمون و نسترن را بگویند.

بخوان و بنویس

- خلاصه درس را نظر به برداشت خود در کتابچه های تان بنویسید.
- پنج اسم خاص را خارج از متن درس پیدا کرده و آن را در جمله ها به کار برده در کتابچه های خود بنویسید.



- شاگردان سطرهای شعر از متن درس را در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان این ابیات را حفظ کنند.
- چشمه واکن، رنگ اسرار دگر دارد بهار
چشم واکن، رنگ اسرار دگر دارد بهار
لااله داغ و گل گرینانچاک و بلبل نوحه گر
غیر عبرت زین چمن دیگرچه بر دارد بهار

«بیدل»

عایشهٔ درانی

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون
مگر خورشید را کشته که دارد دامن پر خون

شاگردان عزیز،

در درس های سال گذشته با یک تعداد از زنان برجسته در عرصهٔ شعر و ادب آشنا شدید. اکنون در این درس با یکی دیگر از این چهره ها که در عرصه شعر و ادب ماندگار است آشنایی شویم. و این چهرهٔ درخشان عایشهٔ درانی است؛ همچنان با اسم مفرد و جمع آشنا می شویم. اکنون از شما پرسیده می شود که:

آیا می توانید نام چند شاعر زن در کشور ما را بگیرید؟

تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن نه تنها مردان؛ بلکه زنان نیز نقش تاریخی شان را در روند پیشرفت ادبیات ایفا نموده‌اند. زنان که نیمه‌بیکر جامعه را تشکیل می‌دهند. با کارکرد های شان همواره توانمندی شان را در همه عرصه های زنده گی چه در عرصه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به خرج داده و چرخ اجتماع را دوشادوش مردان به حرکت آورده، در روند تکاملی جامعه با احساسات و عواطف پاک شان موفقیت های زیادی را نصیب جامعه بشری نموده‌اند.

زنان مبارز افغان همواره در دفاع از خاک و سرزمین شان دوشادوش مردان به مبارزه پرداخته و افتخارات زیادی را کسب نموده‌اند که از آن جمله می‌پردازیم به معرفی یک تن از این زنان قهرمان که عایشه درانی نام دارد.

عایشه درانی از جمله شاعران برجسته دوره سدوزایی ها بود، که در تاریخ ادبیات دری نام جاودانی از خود به یادگار گذاشته است. وی دختر یعقوب علی خان تویچی باشی بوده و از قوم بارکزیایی است. تاریخ تولد او دقیق نیست و در این مورد نظری وجود ندارد؛ اما سال وفاتش را ۱۲۳۵ هـ می‌دانند.

پدر و جد او در دستگاه دولتی احمد شاه و تیمورشاه منصب تویچی باشی را داشته‌اند. خانواده او در اونیچی باغیانان کابل زنده گی می‌کردند. عایشه، در بیست سالگی به سرودن شعر آغاز کرد و اکثر علوم متداول آن روزگار را فرا گرفت و به سرودن کلام موزون پرداخت.

این شاعرزیر دست، صاحب دیوان قرن ۱۳ هـ.ق. افغانستان بوده و در کسب علم و معرفت همت گماشت و در ادبیات مهارت و شهرت زیاد حاصل نمود. اشعار او توجه تیمورشاه را به خود جلب کرد و او را در قطار شاعران دربارش مورد توازش و اعطای صلات گران بها قرارداد.

گویند روزی در حضور آن پادشاه شاعر پیشه و شعر دوست شاعران درباره شفق، داد سخن میراندند. این بانوی گرامی چنین توصیفی از شفق به عمل آورد:

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون

مگر خورشید را کشته که دارد دامن پر خون

این بیت حیرت‌بار آورد و در خور تحسین دانسته شد.

دیوان عایشه مشتمل است بر انواع شعر از نظر شکل که در سنه ۱۳۰۵ هـ. به امر امیر عبدالرحمن خان در کابل به طبع سنگی چاپ شد و نسخه بی از آن موجود است. این دیوان حاوی سه هزار بیت می باشد و به خاطر ساده بودن و روان بودن آن که در عین حال از استحکام نیز برخوردار دارد مورد علاقه بسیاری از مردم قرار دارد. مجموع اشعار وی در حدود شش هزار بیت است.

دوران پخته گی و کمال عایشه در شعر سرایی با روزگار فرمانروایی شاه محمود مصادف است و این امر بارها در اشعار او بازتاب یافته است. شاه محمود در اشعار عایشه گاهی مورد ستایش و زمانی طرف انتقاد واقع می شود، و انتقاد او نیز دلایلی دارد که بعداً به آن می پردازیم.

اشعار عایشه دو دوره دارد. دوره اول بیانگر عشق، خوشی و امید به زنده گی است؛ ولی گفتار دوره دوم او سراسر با ناله و فریاد شکایت و انتقاد ملازمه است؛ زیرا در این دوره یگانه پسرش را که فیض طلب نام داشت در جنگ کشمیر در سال ۱۲۲۷ هـ. از دست می دهد، و این تلخ ترین حادثه زنده گی اوست. پس از این واقعه است که آثارش به خود رنگ حزن انگیز را می گیرد. و به همین لحاظ شاه محمود در اشعار او مورد انتقاد واقع می شود. این حادثه سبب شد که عمر دوره دوم زنده گیش نیز خیلی کوتاه گردد. چنانچه هشت سال بعد از مرگ پسرش چشم از جهان بست.

و اینک یک شعر او را به حیت نمونه کلام انتخاب نموده ایم:

نمونه کلام

| | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| بنا به گلشن جنت روم چسان بی تو | مرا که دونخ سسوزان بود چنان بی تو |
| قسم که جز سر کوبیت به نیمه چونخرم | اگر دهند به من حشمت کیان بی تو |
| سحر به یاد وصلت شدم به طرف چمن | که بود بلبل شوریده در فغان بی تو |
| به پیش شمع رخت جان دهم چو پروانه | نگر که سوخت مرا مغز استخوان بی تو |
| تراکت چمن دهر از گل رویت | بهار عمر گرامی شده خزان بی تو |
| هزار حیف که بی وصل دوست می گذرد | که نیست زینت وهم زیب گلخان بی تو |
| شکیب و طاق و صبر و قرار و هوشم رفت | بباد رفت مرا جمله خسان بی تو |
| شود زبان سرموی و کجا توانم گفت | چگونه می گذرد ساعت و زمان بی تو |
| زهجر و وصل توام نیست طاقت گفتار | |
| گداخت عایشه را نیز جسم و جان بی تو | |



شهرکار های ادبی: آثار بی نظیر، بزرگ و نمایان در سطح جهان، مثل: شهنامه فردوسی، بینوایان و یکتور هوگو و غیره.

تویچی باشی: کلان سربازانی که پشت توپ قرار می گرفت.
تیمور شاه: پسر احمد شاه با که بین سالهای ۱۷۸۲ - ۱۷۹۳ میلادی پادشاهی نموده است.



اسم مفرد و اسم جمع

اسم وقتی مفرد است، که بر یک موجود دلالت کند؛ مانند: گل، آفتاب، کتاب، میز و غیره.
اسم وقتی جمع است، که بر بیش از یکی دلالت کند، و علامت آن در زبان دری /ان / و /ها / است که به آخر واژه ها می افزایند. در زبان دری بعضی ازواژه ها را تنها با /ان / جمع می بندند و برخی را به /ها / و بعضی دیگر را به /ان / و /ها / جمع کنند.
- جانداران، را به /ان / جمع کنند، مانند: مردان، مرغان.
- جماد واسم معنی، با /ها / جمع بسته می شود؛ مانند: کتاب ها، خوبی ها.
- نباتات به /ان / و /ها / جمع شوند، مانند: درختان، درخت ها.



عایشه درانی از جمله شاعران دوره سدهوزایی بود. در بیست سالگی به سرودن شعر پرداخت.
از جمله شاعران دربار تیمور شاه بود. صاحب دیوان قرن ۱۳ هجری افغانستان بوده و در ادبیات

مهارت و شهرت زیاد حاصل نمود. مجموعه اشعارش شش هزار بیت دارد.



بشنو و بگو

- عایشه درانی شاعر کدام دوره است و دیوان وی حاوی چند هزار بیت می باشد؟
- اشعار عایشه چند دوره دارد، هر دوره بیانگر چه است؟
- شعر سرایی عایشه در کدام دوران به پخته گی رسید؟
- زنان در تاریخ ادبیات چه نقشی دارند؟
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و در باره زنده گی و آثار عایشه درانی و نقش زنان در تاریخ ادبیات کشور عزیز ما بحث و گفتگو نمایند. در آخر نماینده هر گروه نتیجه بحث گروه خود را بیان نماید. نتیجه بحث ها به صورت سؤال و جواب باشد.

به دوستانت بگو

- تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن زنان نیز نقش تاریخی را در روند پیشرفت آن ایفا کرده اند. و در دفاع از خاک و سر زمین شان مبارزه کرده و افتخاراتی را کسب نموده اند از جمله می توانیم که از عایشه درانی نام ببریم.

بخوان و بنویس

- بیت زیر را دقیق بخوانید و بنویسید که پیام آن چیست؟
- قسم که جز سر کویت به نیم جو نخرم اگر دهند به من حشمت کیان بی تو
- مفهوم این بیت را بنویسید:
- بنا به گاشن جنت روم چسان بی تو مرا که دوزخ سوزان بود چنان بی تو

از چهار جواب یکی را تأیید کنید.

مجموع اشعار عایشه در حدود:

الف: سه هزار بیت است ()

ب: هشت هزار بیت است ()

ج: شش هزار بیت است ()

د: چهار هزار بیت است ()

• عایشه درانی از جمله شاعران در بار یکی از این پادشاهان بود:

الف: احمد شاه ()

ب: سلطان محمود غزنوی ()

ج: تیمور شاه ()

د: امیر علی شیر نوایی ()



• شاگردان به کلمه های زیر توجه نمایند و بنویسند که چه نوع اسم ها اند. بعد هر کلمه را در جمله مناسب به کار ببرند:

مردان، قهرمان، شاعر، زنان، دختر، باغبانان، کابل، پادشاه، گلها و جهان



درس هشتم

حکایت دل من در برابر مادر



شاگردان عزیز،

- در درس گذشته با عایشه درانی آشنا شدید. درس امروز ما بزرگداشت و تجلیل از مقام والای مادر است. موجودی که شاهکار آفرینش است و خداوند (ج) خود بر اطاعت و فرمانبرداری او فرمان داده است. در درس امروز مادر را ستایش می کنیم و مقامش را ارج می نهیم؛ همچنین با اسم بسیار آشنا می شویم؛ اما پیش از شروع درس از شما می پرسیم:
- اگر بخواهید بهترین هدیه را به مادرتان تقدیم کنید، چه چیزی را انتخاب خواهید نمود؟
- چرا مقام مادر والاترین مقامهاست؟
- چرا جنت زیر پای مادران است؟

امروزه، روز توست. روز از تو سرودن؛ از تو گفتن؛ و برای تو نوشتن؛ اما از تو سرودن و گفتن قلمی توانا و هنری بی همتا می‌خواهد که من فاقد آنم. تو بزرگتر از آنی که قلم بشکسته‌ای چون من؛ یارای صعود به مقام والات را داشته باشد؛ اما فخر خاکساری درگاهت رفیعت از آن است که بتوانم از لذت آن دل بکنم. پس با همین قلم شکسته و با همین واژه های نارس از تو و به عشق تومی نویسم. مدرم ای عزیزترین! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود، از آن روزی که تپش قلبت تنها صدای آرامبخش دوران تنهایی من بود. از آن هنگام که کار هر صبح و شام من شمردن نفس های پر مهرت بود می شناسم. تو را از آن نیمه شبهای پر التهاب که نفس درنفس من تا صبح سلامتم بیدار می نشستی؛ تو را از آن دو چشم پر مهر و اشتیاق و همیشه نگران می شناسم. نمی دانم چرا تا اسمت را می برم چشمهایم به اشک می نشیند. نمی دانم چرا تا به تو می اندیشم بغض راه گلویم را می گیرد. شاید از آن جهت است که به یاد می آورم دردهای بی پایانت را؛ چهره خسته ات را؛ چین های عمیق پیشانیات را؛ موهای سفید شده ات را؛ و آن خنده محزون که همیشه سعی می کنی برای آرامش من زینت صورتت باشد؛ و آن دستهای خسته های پرچین و چروک خسته ات را آه اگر می دانستی چه لذتی دارد بوسیدن آن دستهای خسته مهربان؛ هرگز مرا از این لذت منع نمی کردی. چه کنم که بضاعت بیان حق شناسی سزاوارانه ات را ندارم. چه کنم که توشه بی بیش از این در کوله بارم نیست. چه کنم که نه کلام من؛ که اقیانوس کلمات هم نمی تواند ترا وصف کند. پس چون همیشه سخاوتمندانه همین دلاوازه ها و سروده های نارسم را بپذیر و همای سعادت ستایشت را بر شانه های لرزانم بنشان.

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| فردوس برین بسه زیر پای مادر | فردوس برین بسه زیر پای مادر |
| هر لحظه کنند اقتدای مادر | هر لحظه کنند اقتدای مادر |
| پاک هر دو جهان خویشین باختمی | پاک هر دو جهان خویشین باختمی |
| هردم به عبادت تو پردازختمی | هردم به عبادت تو پردازختمی |
| یا مالک صد خزینه زر بودن | یا مالک صد خزینه زر بودن |
| یک لحظه بدون مهر مادر بودن | یک لحظه بدون مهر مادر بودن |



اسم بسيط يا ساده

اسمی است که متشکل از یک کلمه باشد و دارای جزء دیگری نباشد؛ مانند: خانه، گل، مکتب، آسمان، دیوار، آب.



امروز روز مادر است، روزی که باید برای تو بسراییم، بگوئیم و بنویسیم، اما؛ قلم من از سرودن و گفتن در مورد تو عاجز است؛ زیرا برای سرودن و گفتن در مورد تو قلم توانایی می خواهد. مادرم ای عزیز ترین! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود می شناسم، تو را از آن دو چشم پر مهر و اشتیاق و همیشه نگران ات می شناسم. نمی دانم چرا تا اسمت را می برم چشمهایم به اشک می نشند و بغض راه گلویم را می گیرد شاید به خاطر که به یاد می آورم درد های بی پاینت راه چهره خسته ات راه موهای سفید شده و دست های پر چین و چروک، خسته اما مهربانت را که بوسیدنش برایم لذت بسیار دارد.



بشنو و بگو

- مفهوم این جمله را توضیح دهید.
- تو بزرگتر از آبی که قلم بشکسته بی چون من؛ یارای صعود به بارگاه آسمانیت را داشته باش.

- بیت زیر را بخوانید و بگویید چه مفهوم دارد؟
- گردون نتوان گرفت جای مادر فردوس برین به زیرپای مادر
- به نظر شما در میان مادران چه کسی می تواند مقام بهترین مادر را کسب کند؟
- در گروه های چهارنفری در مورد دو پیام با ارزش این شعر باهم گفتگو نمایید نتیجه سخنان را یک نفر نماینده از هر گروه پیش روی صنف بیاید به دیگران بگوید.

به دوستان بگو

- بهشت زیر پای مادران است.
- مادران شمع و چراغ خانه اند. «حضرت محمد (ص)»

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و واژه های جدید آن را بیرون نویس نمایید.
- خلاصه درس را در سه سطر بنویسید.
- متن درس را بخوانید و پنج اسم بسیط را از آن بیرون نویس کنید.
- نام پنج شاعر زبان دری را بنویسید و به آواز بلند بخوانید.
- از اشیای داخل صنف تان پنج اسم بسیط را پیدا کرده و آن را در جمله ها استعمال کنید.



- درباره مقام مادر مقاله یی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.
- مفهوم رباعی دوم را در چهار سطر در کتابچه های خود بنویسید.
- این رباعی را حفظ کنید:
- ای مادر اگر قدر تو نشناختمی پاک هر دو جهان خویش باختمی
- گر سجده روا بدی به پای مادر هر دم به عبادت تو پرداختمی

مکتب

درس نهم

مکتب



- در درس های سال های گذشته در مورد اصول و نظم در مکتب مطالبی را آموخته بودید، اکنون در این درس در مورد مکتب و مؤثریت آن در زنده گی روزانه و اهمیت آن در اجتماع آشنا می شویم؛ همچنان اسم مرکب را در لابلای درس می آموزیم. قبل از شروع درس به این پرسش ها پاسخ دهید:
- چرا به مکتب می روید؟
 - مکتب نرفتن چه ضرر هایی را در زنده گی اجتماعی به بار می آورد ؟

مکتب در لغت محل کتابت، جای خواندن و نوشتن، جای آموختن و درس‌خانه می باشد. مکتب جای است که فرزندان کشور عزیز ما در آن به آموختن علم و دانش می پردازند. در گذشته که تعداد مکتب‌ها کم بود اکثر مردم از نعمت سواد بی بهره بودند و با دشواری های زیاد روبرو می شدند. وقتی مکتب های بیشتر ایجاد شد، باب نور و معرفت بیشتر به روی مردم گشاده شد و اسباب فیض سعادت را به دست می آوردند. فراگیری علم و جنبه هر مرد و زن مسلمان است، چنانکه حضرت محمد (ص) فرموده اند: (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه)) طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است. پس بر والدین است تا فرزندان خود اعم از پسر و دختر را به مکتب بفرستند و آن ها را از نعمت سواد محروم نسازند. وقتی فرزندان به مکتب بروند علم می آموزند و با نور عرفان علم و دانش آراسته شده به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا نموده نیک نام و با عزت حیات را به سر می برند. هرگاه از فیض سواد برخوردار باشند زنده گی را با به کار انداختن نیروی جسمی و فکری بهتر و خوبتر درک می نمایند. در تمام جوامع هر گونه پیشرفت و انکشاف را موهون بازوهای توانا و اندیشه و فکر افراد دانا و فهمیده خود می دانند. طوری که دیده می شود، در جهان امروز این تلاش های بیشتر گردیده و کاروان تمدن با پدیده های جدید و شگفت انگیز برق آسایش می رود که زیر بنای همه این پیشرفت ها پیشرفت علم و دانش است. همه می دانند در کشوری که مکتب زیاد باشد و سطح علم و دانش بالا باشد فیضی با سوادان بیشتر بوده و به همان اندازه پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بالاتر و روز افزون می گردد. از همین سبب در کشور ما علاوه بر مکاتب رسمی و خصوصی مراکز سواد آموزی نیز ایجاد گردیده است ، که خوشبختانه تعداد زیادی شاگردان در آن درس می خوانند و از فیض علم و دانش برخوردار می شوند. پس به این نتیجه می رسیم فردی که مکتب برود، سواد می آموزد، دانش می اندوزد و به زنده گی مرفه و آرام دست می یابد و به صفت یک شخص با دانش، نیکو کار و مفید در جامعه تراز می کند؛ چنانکه شاعران افغان و شاعران دری گوی جهان، مکتب رفتن و فواید آن را در اشعار ناب شان بیان کرده اند:

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| از فیض یزدان پاک است مکتب | بر لعل عرفان، کان است مکتب |
| بی مکتبستان را نبود حیاتی | آب است مکتب، نان است مکتب |
| سعد است مکتب چند است مکتب | عزم است مکتب، شان است مکتب |

«صدرالدین عینی»



توضیحات

مکاتب خصوصی: مکاتبی که آموزش شاگردان افراد در آنجا با پرداختن پول صورت می گیرد.
مکاتب رسمی: مکاتبی که آموزش از طرف دولت رایگان است.



قواعد دستوری

اسم مرکب

اسمی است که بیش از یک کلمه بوده و قابل تقسیم به دو بخش یا بیشتر باشد؛ مانند: قلممان، کتابخانه، دلتنگ، دل افروز...

خلاصه درس

مکتب در لغت محل کتابت را گویند، مکتب جای است که علم و دانش را می آموزیم و از نعمت سواد برخوردار می شویم.

فراگیری علم و دانش بر هر مسلمان فرض است، پس بر والدین است تا فرزندان خود را اعم از دختر و پسر به مکتب بفرستند؛ زیرا فرزنانی که مکتب بروند و علم بیاموزند، با نور عرفان علم و دانش آراسته شده به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا نموده نیک نام و با عزت حیات بسر می برند.



فعالیت ها

پشنو و بگو

- مکتب به معنای چیست؟
- فرق بین مکتب و خانه چیست؟

- چرا انسانی که مکتب می رود، مقام و منزلت بالا دارد؟
- مفهوم بیت زیر چیست؟
- درس معلم از بود زمرزمهٔ محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
- در گروه های چند نفری در بارهٔ خوبی های مکتب رفتن، درس خواندن و زیان های مکتب نرفتن و بی سوادی باهم گفتگو نمایید. در اخیر نتیجهٔ صحبت ها را یک یک شاگرد از هر گروه به همصنفان بیان کند.

به دوستانت بگو

- مکتب جای کسب علم و دانش است.
- مکتب برای انسان دروازهٔ نور و معرفت را باز می نماید.
- انسان درس خوان و مکتب روه، در زنده گی و در جامعه با عزت می باشد.
- هر کس باید مکتب برود و از باب خوشبختی و سعادت برخوردار گردد.

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و کلمه های مشکل را بیرون نویس نموده معنی کنید.
- بیت های شعر در بارهٔ مکتب را حفظ کنید.
- متضاد کلمهٔ (نور) را بنویسید.
- چند اسم مرکب را نام بگیرید و بنویسید.
- جاهای خالی را با کلمه های مناسب پر نمایید:
- مکتب به معنای..... است.
- وقتی فرزندان..... بروند..... می آموزند و با..... آراسته شده به..... و ترقی دسترسی پیدا نموده..... و با عزت..... به سر می برند.



شاگردان در بارهٔ اهمیت و ارزش علم و دانش و داشتن سواد یک مقالهٔ شش سطره بنویسند.



درس دهم

خواجه عبدالله انصاری (رح)



شاگردان عزیز،

در درس گذشته با برخی چهره‌ها در عرصه شعر و ادب آشنا شدید. در این درس با خواجه عبدالله انصاری یکی از معروفترین چهره‌های عرفانی قرن چهارم هجری که در هرات یکی از ولایات باستانی کشور می‌زیسته است آشنا می‌شوید. این مرد بزرگ نه تنها در عرفان و تعلیمات اسلامی دسترسی داشته؛ بلکه در سرودن اشعار و نویسندگی از توانایی خاص برخوردار بوده است و خدمات بزرگی را به مردم خود و بشریت انجام داده است و نیز در این درس با اسمای معرفه و نکره آشنا می‌شویم.

- زیارت خواجه عبدالله انصار (رح) در کجا موقعیت دارد؟

خواجه عبد الله انصاری شاعر، عارف و نویسنده‌ی توانا که نوشته‌هایی از دردی و عربی بدو منسوب است در ماه شعبان ۳۹۱ هجری قمری در شهر هرات دیده به جهان گشوده است. او دارای هوش بلند و استعدادی عالی بود. از کودکی به زبان‌های دری و عربی شعر می‌سرود. عرفان را در خورده‌سالی از پدر آموخت، بعد از اتمام تحصیل به سفر در شهرهای خراسان پرداخت و از شیخ ابوالحسن خرقانی که پیر طریقت بود، دست‌پیر گرفت و سرانجام به مرتبه‌ی عالی عرفانی و خدا شناسی رسید. خواجه عبدالله انصاری پس از مرگ پدر دوباره به هرات برگشت و به زنده‌گی مشغول شد. از انصاری نامه‌هایی بدست آمده که با عبارات ساده و ضرب‌المثل گونه نوشته شده است. او به زودی شهرت یافت و ساحة دانش او فراخ شد و همعصرانش را به حیرت انداخت. زمانی نگذشت که انصاری یک شخصیت والا مقام دینی در هرات شد و مریدان زیادی در حلقه‌ی ارادت او درآمدند و از پندها و اندرزهای استاد و رهبر خود بهره‌مند شدند. خواجه عبدالله تعلیمات خود را در زمینه‌ی تفسیر قرآن روح عرفانی بخشیده است و یکنین از شاگردان وی این تفاسیر را جمع و به نام «صدمیدان» تدوین کرده است. او است که در تاریخ زبان و ادبیات دری اثر موزون مسجع را رایج نمود و آن را با پارچه‌های شعری زینت بخشید. از آثار دیگر او زاد العارفين، محبت نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یاد می‌شود می‌باشد و آخرین اثرش منازل السائرين است. در اشعار خواجه دعوت او از مردم بیشتر به آن است که فریفته‌ی شکوه و دبدبه‌ی دنیا نشوند و توجه به روز حساب و آخرت داشته باشند. مرگ وی به سال ۴۸۰ هجری قمری اتفاق افتاده است. آرامگاهش در دامنه‌ی کوه زنجیر شهر هرات به نام گذرگاه واقع بوده و زیارتگاه خاص و عام می‌باشد.

نمونه‌ی کلام

ای کی که تو مغرور بخت و دولت فرخنده‌ای
خواجه صاحب سربر و مفرش آگنده‌ای
یا که خورشیدی به صورت یا که جمشیدی به حسن
یا چو زهره چهره داری یا چومه تابنده‌ای
یا چو قیصر هست بر سر تاج و افسر مر ترا
یا که چو عیسی مریم تا قیامت زنده‌ای
بسا کمالاتی که گفتمی جمله را دریافتی
با مرادانی که جستی جمله را یابنده‌ای
یا گرفتمی چون سکندر ملت روی زمین
یا چو قارون صد هزاران مال و گنج آگنده‌ای
گرچه شادی ولیکن نیستی ایمن زمرگ
هیچکس گفته است با تو تا ابد یابنده‌ای
آسمان چو ابر نیسان بر تو گر بانش زار
آن زمان گر عظمت خود همچو گل درخنده‌ای
گرامبری هم بمبری پیر انصاری بیدان
خواجه گی از تو نرسید سرینه چون بنده‌ای



شعبان: ماه هشتم سال قمری.
جمشید: نام اولین پادشاه بلخ باستان (بما).
خرقان: محلی است که در خراسان امروز موقعیت دارد.
قیصر: لقب امپراتوران روم قدیم بود.
سکندر: سکندر یونانی فاتح جهان شرق.
قارون: مرد ثروت مندی که در عصر فرعون می زیست.
شادان: از پادشاهان ظالم اعراب زمین بود.



اسم معروفه و نکره

در درس های گذشته با اسم ها آشنا شدید و حالا می خواهیم بدانیم که اسم معروفه و نکره چیست؟ به مثال های زیر دقت کنید:

- او دارای هوش بلند و استعداد عالی بود.
- انصاری شاعر، عارف و نویسنده توانای ما در سال ۳۹۱ هـ ق. در شهر هرات دیده به جهان گشود
- زاد العارفين، محبت نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یا د می شود از آثار اوست.

اگر به جملات بالا دقیق شویم، دیده می شود که کلمه های (او، زاد العارفين، محبت نامه، رسالات و مکالمات، طبقات صوفیه) اسم های معروفه اند، پس اسم معروفه را می توان چنین تعریف کرد:

اسم معروفه یا شناسه اسمی است که نزد گوینده و شنونده معلوم و معین باشد. در زبان دری

- به اسمی معروفه می گویند که دارای مشخصات زیر باشد:
- ۱- اسم خاص باشد؛ مانند: افغانستان، انصاری، زاد العارفین....
 - ۲- ضمیر باشد؛ مانند: من، تو، او، شما....
 - ۳- اسمی که به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ مانند: قلم مسعود، کتاب او و....
 - ۴- مثلر الیه باشد، یعنی بعد از کلمه اشاره (این یا آن) واقع شده باشد؛ مانند: این شاعر، آن نویسنده و....
 - ۵- اسمی که یکبار ذکرش در کلام آمده باشد؛ مانند: دیروز، یک کتاب و یک قلم خریدم، کتاب نزد خواهرم و قلم نزد برادرم است.
- اسم نکره: یا غیر شناسا اسمی است که در نزد شنونده نا معلوم و مجهول باشد. علامت آن در زبان دری (ی) مجهول (بی) است مانند: کتابی، مردی، خانه یی، دانایی و ...



خواجه عبد الله انصاری یکی از شاعران و عارفان قرن چهارم هجری که در ماه شعبان ۳۹۱ در شهر هرات چشم به جهان باز کرده است. او به زبان هلکی عربی و دری شعر سروده است. عرفان را نزد پدرش آموخته و از شیخ حسن خرقانی دست پیر گرفته است. خواجه عبدالله آثار زیاد دارد از جمله نامه های اوست که با عبارات ساده و ضرب المثل گونه انشاد شده است و کتاب های دیگری به نام های صد میدان، منازل السائرین، زاد العارفین، محبت نامه، رساله وراذات و مکالمات (طبقات صوفیه) نیز دارد. خواجه به حیت مرد عالی قدر دینی هرات محسوب گردید و مریدان زیاد در حلقه ارادت او داخل شدند و از پند ها و اندرز های او بهره می گرفتند.

خواجه به سال ۴۸۰ هجری وفات کرده است. آرامگاهش در گذرگاه شهر هرات زیارتگاه خاص و عام می باشد.



بشنو و بگو

- شاگردان درسی را که متن آن از طرف معلم خوانده می شود به دقت گوش کنند.
- چند شاگرد متن خوانده شده را پس از معلم دوباره بخوانند و مفاهیم آن به کمک معلم توضیح شود.

• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند، بعد از خواندن متن درس، نظرشان را بیان دارند و یک تک‌تن به نماینده‌گی از گروه‌ها نتایج را اعلان نمایند. دیگران به این نتایج ابراز نظر و قضاوت کنند. یکی از شاگردان نمونه کلام انصاری را بخواند و دیگری در توضیح آیات و تفسیر واژه‌های آن بپردازد.

به دوستان بگو

- خواجه عبدالله انصاری تعلیمات خود را در زمینه تفسیر قرآن مجید روح عرفانی بخشیده است.
- آثار مشهور او زادالعارفین، صد میدان، محبت نامه، رسالات، مکالمات و منازل السائرين است.

بخوان و بنویس

- شاگردان بالای تخته بنویسند که خواجه عبد الله انصاری به چه دلیل یک شخصیت دینی و عرفانی بود و فعالیت‌هایی را که در این زمینه انجام داده نتیجه آن چه بوده است.
- آنچه که به نام مکالمات انصاری خوانده می شود، سند مهمی در آموزش موضوعات عرفانی است. شاگردان می توانند، بنویسند که آن را می توان در مقاله، رساله و یا کتابی پیدا کرد.

درست و نادرست

- شاگردان توجه نمایند، جمله‌ها را خوانده از صورت درست آن در میان قوسها علامت (✓) و در صورت غلط آن علامت (X) بکشند.
- قبلاً نام افغانستان خراسان بود. ()
- خواجه عبد الله انصاری در سال ۳۷۰ هجری در شهر هرات تولد شده است. ()

- مکالمات انصاری به نام «براد العارفین» یاد می شود. ()
- پیر طریقت خواجه عبد الله انصاری شیخ حسن خرقانی بود. ()
- آخرین اثری عرفانی انصاری که به شاگردانش تألیف کرده است صد میدان نام دارد. ()



- هر یک از شاگردان صنف برداشت شان را از زنده گی و آثار خواجه عبدالله انصاری در کتابچه هلی شان بنویسند.
- جمله هلی زیر را خانه پری کنید:
- خواجه عبدالله انصاری شاعر () و یک نویسنده توانا بود. او در ماه شعبان سال () در شهر هرات تولد شده است. انصاری بعد از تکمیل تحصیل به سیاحت در شهرهای () پرداخت. خواجه تعلیمات خود را در زمینه تفسیر قرآن مجید روح () بخشیده است.





درس یازدهم

نظامی گنجینه بی و کسب علم و دانش



شاگردان عزیز، در درس گذشته از شاعر توانا خواجه عبدالله انصاری مطالبی را آموخته اید. در درس امروز با یکی دیگر از چهره های برجسته و ماندگار شعر دری «نظامی گنجینه بی» آشنا خواهید شد. همچنان با صفت و انواع آن آشنا می شوید.

- در مورد نظامی گنجوی چه میدانید؟

- با نام چند شاعر زبان دری آشنا هستید؟

حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجه بی از داستانسرایان بزرگ و استادان مسلم در سرودن شعر تمثیلی و بزمی است. او در سال ۵۲۵ هـ ق. در شهر گنجه متولد شد و همه عمر را به جز سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان به یکی از نواحی نزدیک گنجه داشت در وطن خود باقی ماند در همین شهر وفات کرد و به خاک سپرده شد. چنانچه از اشعار او معلوم می شود «فضیلت نظامی منحصر به شعر و شاعری نبوده و از جوانی به فنون ادب و تاریخ و قصص علاقه داشته و در تحصیل علم همت کرده است. تعلق خاطر نظامی به تصوف، زنده گانی وی را بیشتر با زهد و عزلت همراه کرده و این امر او را از وابسته گی به دربارهای سلاطین دور کرده است.

مهمترین اثر نظامی «پنج گنج» یا «خمسه» است که تعداد ابیات آن را تا حدود ۲۰ هزار بیت نوشته اند. و آثار دیگر او عبارتست از: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه. قدیمی ترین مثنوی نظامی «مخزن الاسرار» است و بهترین آنها «خسرو و شیرین».

سبک نظامی

نظامی از شاعرانی است که باید او را در شمار ارکان شعر دری و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد و تکمیل سبک و روشی خاص دست یابد. اگر چه داستانسرایان در زبان فارسی به وسیله نظامی شروع نشده لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته است شعر تمثیلی را به حد بالای تکامل برساند نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه، ابداع معانی، مضامین نو و دلپسند، تصویر جزئیات با نیروی تخیل و دقت در وصف مناظر و توصیف طبیعت، اشخاص و به کار بردن تشبیهات، استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است.

برجسته گیها و ویژه گیهای شعر نظامی:

۱. تشبیهات و توضیحات او، زیبا و هنرمندانه و بسیار خیال انگیزند.
۲. در تصویر جزئیات طبیعت و حالات، بسیار تواناست.
۳. انتخاب الفاظ و کلمات مناسب که نتیجه آشکار آن، موسیقی شعر اوست.
۴. ایجاد ترکیبات خاص، ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند.
۵. تازه گی معانی و ایجاد ترکیبات تازه بی که در شعر نظامی هست، کلام وی را گاهی دچار ابهام می کند، علاوه بر اینها کثرت واژه های عربی، اصطلاحات علوم و اصول و مبانی فلسفه و معارف اسلامی سخن این شاعر را دشوار و پیچیده کرده است.

نمونه کلام

کسب علم و دانش

| | |
|----------------------------|-------------------------------|
| از پند پدر شوی بروم_____ | گردل نهی ای پسر بدین پند |
| وقت هنر است و کارساز بیست | غافل منشین نه وقت باز بیست |
| تا به گ_____رد روزت از روز | دانش ط_____لب و بزرگی آموز |
| تا جمله محال پیش بدانی | می کوش به هر ورق که خوانی |
| گر جهد کنی به دست آید | هر چیز که دل بدان گراید |
| بیکار نمی توان نشستن | گفتن زمن، از تو کار ب_____ستن |

(نظامی گنجه بی)



«نظامی در شعر بالا گفته است: ای فرزند این نصیحت را قبول کن و از پند و نصیحت پدر بی خیر منشین وقت ساعت تیری و بازی نیست، وقت یاد گرفتن کارهاست. خرد و دانش را بیاموز تا که روزگارت خوبتر شود. هر چیزی را که قلب و دلت می خواهد یا میل به آن می کند اگر کوشش کنی به دست می آید. از من گفتن بود که گفته ام اکنون تو باید بدان عمل کنی؛ زیرا بیکار نشستن شایسته و بایسته نیست.»



قواعد دستوری



صفت و انواع آن

تعریف صفت: صفت کلمه بی است که حالت اسم را بیان می کند. اسم را موصوف هم میگویند؛ مانند: پسر خوب، که «پسر» اسم است و «خوب» صفت آن.

صفت انواع زیادی دارد که در اینجا از چند نوع آن نام می بریم. صفت مطلق یا ساده صفت مرکب، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت تفضیلی، صفت عالی، صفت نسبتی، صفت عددی، صفت اشاری و صفت پرسشی.

خلاصه درس



نظامی گنجیه بی شاعر نامدار زبان دریست و از جمله سراینده گان شعر در قالب قصیده و رباعی است. خمسه یا «پنج گنج» یکی از آثار وی بوده که شهرت جهانی کسب نموده است. در سال ۵۲۵ هجری به دنیا آمده است.

صفت کلمه بی است که حالت اسم را بیان می کند؛ مانند: خوب، بد، زیبا و ...





پشنو و بگو

- نظامی گنجه بی در کدام سال و در کجا به دنیا آمده است ؟
- آثار مشهور نظامی را نام بگیرید ؟
- بیت های زیر را بخوانید و بگویید چه مفهوم دارد ؟
- غافل منشین نه وقت با زیست وقت هنر است و کارساز زیست
- دانش طلب و بزرگی آموز تا به گـردد روزت از روز
- به نظر شما چه کسی می تواند شعر بسراید ؟
- چرا به نظر شاعر باید همیشه به نصیحت های پدر گوش بدهیم ؟

به شاگردان هدایت دهید:

- در گروه های چهار نفری در مورد دو پیام با ارزش این شعر با هم گفتگو نمایند، نتیجه سخنان را یک نفر نماینده از هر گروه پیش روی صنف بیاید به دیگران بگوید.
- بیت پنجم شعر (کسب علم و دانش) را توضیح دهید.

بخوان و بنویس

- متن کسب علم و دانش را بخوانید و واژه های جدید آن را بیرون نویس کنید:
- خلاصه زنده گی نامه نظامی گنجه بی را در سه سطر بنویسید.
- دو جمله بنویسید و در آن صفت را نشان دهید.
- نام پنج شاعر زبان دری را بنویسید و به آواز بلند بخوانید.
- متن درس را بخوانید و بگویید که کدام قواعد دستوری (اسم، صفت) در آن به کار رفته است. با تعریف و مثالها واضح سازید.

۱. جدولی در کتابچه‌های خود رسم کنید و داخل آن چهار اسم خاص، اسم عام و صفت را بگذارید. سپس آن‌ها را در جمله‌ها به کار ببرید؛ مانند:

| اسم عام | اسم خاص | صفت | شهر |
|---------|---------|-------|-------|
| | | | |
| | | | |
| | | | |

۲. مفهوم شعر را در پنج سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.





درس دوازدهم

سعدی



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته با چند شاعر زبان دری ونمونه کلام آنها آشنا شدیم، در این درس با شاعری به نام شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به (سعدی) آشنا می شویم که در کجا به دنیا آمده، چطور در جوانی به تحصیل پرداخته، آثار مشهورش کدام ها است؟ موضوع شعری او را چه تشکیل می داد، ودر غزل سرایی چه گونه شاعر بوده است؟ همچنین می خواهیم که صفت ساده ومرکب چیست وچطور می توان آنها را در جمله به کار برد؟ - نام کتاب نویسنده یا شاعری را که مطالعه کرده اید بگویید.

شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به «سعدی» در اوایل قرن هفتم هجری در یک خانوادهٔ متدین در شیراز به دنیا آمده است.

در آوان جوانی به بغداد رفت و در آنجا در مدرسهٔ نظامیه به تحصیل دینی و ادبی همت گماشت؛ سپس به عراق، شام و حجاز سفر کرد. در سال ۶۵۶ هجری گستان را در مواعظ و حکم به نثر فصیح و زیبا مزین ساختند و آمیخته با اشعار دل انگیز به نام شاهزاده «سعد بن ابوبکر» در آورده و به وی تقدیم نمود. واز آن به بعد بقیهٔ عمر را در شیراز در خانقاه خود زیسته و در سال ۴۹۶ هجری در گذشت و در همان خانقاه مدفون گردیده است.

سعدی یکی از شعرای بزرگ زبان دری است و در سخن او غزل عاشقانه آخرین حد لطافت و زیبایی را دارد و لطیف ترین معانی در ساده ترین و فصیح ترین الفاظ آمده است. ویژگی‌های او و موعظه از بسا شاعران دری زبان موفق تر است. گستان وی نثر بسیار زیبا و جذاب دارد. آثار متنوع دیگری غیر از گستان، مجالس پنجگانه، رساله عقل و عشق و تقریرات ثلاثه است.

نمونهٔ شعر سعدی

| | |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| نه همین لباس زیباست نشان آدمیت | تن آدمی شریف است به جان آدمیت |
| چه میان نقش دیوار و میان آدمیت | اگر آدمی به چشمست و دهان و بینی |
| حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت | خور و خواب و خشم و شهوت شیفتست و ظلمت |
| که همین سخن بگوید به زبان آدمیت | بسه حقیقت آدمی باش و گر نه مرغ باشید |
| که فرشته ره ندارد به مکان آدمیت | مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی |
| همه عمر زنده باشی به روان آدمیت | اگر این درنده خوبی طبیعتت بهمیرد |
| بگر که تا چه حد است مکان آدمیت | رسد آدمی بجایی که به جز خدا نبیند |
| بدرای، تا ببینی طیران آدمیت | طیران مرغ دیدی، تو زپای بند شهوت |



گلستان سعدی مملو از حکم و مواظا است، یعنی گلستان سعدی سراسر از پنداندن و اخلاق بوده که الحق می توان سعدی را بحیث معلم اخلاق و اندرز نامید؛ زیرا سعدی همیشه به خصوص در گلستان خود پند، اخلاق و اندرز را بیشتر به کار برده است.



صفت ساده و مرکب

صفت ساده آن است که حالت اسم را بیان می کند؛ مانند: نیکی، خوب، کوشا. و یا در این بیت:

دلیل خویش پس! از مرگ هم توای چو شمع کشته کسی جز تو بر مزار تو نیست
کلمه های نیکی، خوب، کوشا و کشته صفت ساده اند.

صفت مرکب آن است که مانند اسم مرکب، ساختمانش از دو کلمه تشکیل گردد؛ مانند: مرد پاکدل، زن خوبرو که: خوبرو { خوب + رو = خوبرو } و پاکدل { پاک + دل = پاکدل } صفت مرکب اند.



شیخ مشرف الدین مصلح «سعدی» شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری در یک خانواده متدین در شیراز به دنیا آمده است.

آثار مشهور وی گلستان، مجالس پنجگانه، رساله عقل و عشق و تقریرات ثلاثه می باشد.



بشنو و بگو

- در مورد زنده گی نامه سعدی به طور مختصر صحبت کنید.

در باره مفهوم نمونه کلام سعدی در گروه ها با هم بحث و گفتگو کنید و نتیجه را نماینده هر گروه بیان نمایید.

- سعدی شاعر کدام قرن بود ؟
 - آثار مشهور سعدی را نام بگیرید ؟
 - کتاب مجالس پنجگانه از کی بود ؟
 - مقصد شاعر از بیت زیر چیست ؟
 - رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند
- بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

به دوستان بگو

- سعدی یکی از مشهورترین شاعران زبان دریست.
- گلستان و بوستان از جمله آثار مشهور سعدی می باشد.
- **بخوان و بنویس**
- متن درس را در گروه های کوچک خاموشانه بخوانید.
- واژه های جدید را بخوانید و در جمله ها به کار ببرید.
- شعر «تن آدمی شریف» است را با لحن و آهنگ مناسب بخوانید و معنا کنید.

جمله های زیر را گسترش دهید.
در آوان جوانی به _____

و از آن به بعد بقیه عمر خود را در _____
شیراز _____

_____ گردیده است .

- سه جمله بنویسید که در آن صفت ساده و مرکب به کار رفته باشند.
 - شما نسبت به کدام شاعر علاقه مندی دارید، در دو سطر بنویسید.
 - تفسیر و معنای این بیت را در دو سطر بنویسید و صفت مرکب را در این بیت نشان دهید.
- گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش



- یکی از نمونه های شعر سعدی را انتخاب کنید و در صنف با صدای بلند بخوانید.



درس سیزدهم

اهمیت سرک ها و راه ها



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد زراعت معلومات حاصل نمودید و درس جدید ما آشنایی با شاهراه ها و سرک ها است که در هر کشوری از اهمیت خاصی برخوردار استند. در این درس می خواهیم که ارزش و اهمیت شاهراه ها را از نظر، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار دهیم. همچنین با صفت مفعولی و فاعلی آشنا می شویم.

۱. آیا می توانید چند شاهراه کشور ما را نام ببرید؟
۲. آیا زراعت با سرک ها و شاهراه ها ارتباط دارد، اگر دارد چطور؟
۳. آیا می دانید که شاهراه ها و سرک ها در یک کشور دارای چه اهمیتی می باشند؟

شاهراه عبارت از سرک های مهم حلقه بی بین ولایات می باشد، که تمام ولایات دورا دور کشور را با هم وصل می کند. شاهراه ها و سرک ها در یک کشور به مثابه شاهرگ ها در بدن می باشند. همانگونه که شاهرگ ها در بدن خون را به تمام بدن می رسانند و انسان را زنده نگه میدارند و سبب ادامه حیات می شوند، شاهراه ها و سرک ها در کشور تمام شهرها و مناطق را متصل می سازند و حیات تازه به جامعه می بخشند. شاهراه ها از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی اهمیت بسزایی دارند. در صورتی که تمام شهرها و دهکده ها به هم وصل باشند و ارتباط داشته باشند، تولیدات و محصولات یک منطقه به منطقه دیگر انتقال یافته سبب رشد اقتصادی همان منطقه شده مردم تشویق می شوند تا بیشتر به تولیدات خود افزوده عایدات بیشتر به دست آورند. با موجودیت شاهراه ها به کمترین وقت محصولات زراعتی، حیوانی و صنایع دستی به بازارها و مارکت ها رسیده به قیمت مناسب به فروش می رسد و از عاید حاصله ضروریات مردم حمل و نقل مردم و انتقال تولیدات شان در صورت موجودیت شاهراه ها در مدت زمان کوتاهی صورت می گیرد که این امر نه تنها در قسمت اقتصادی بلکه در روابط و انتقال فرهنگ ها نیز مؤثر می باشد. رفت و آمد مردم سبب روابط و تحکیم دوستی ها بین اقوام مختلف شده از رسم و رواج های یکدیگر آگاه می شوند. همبستگی که روابط فرهنگی به وجود میاید روابط اجتماعی استحکام یافته شناخت سراسری به وجود می آید؛ حتی سبب خویشی ها می گردد. طوریکه قبلاً به آن اشاره شد در پهلوی انکشاف روابط اجتماعی، روابط اقتصادی و انتقال فرهنگ ها در اثر رفت و آمد شناخت اقوام و وسعت میابد، وحدت ملی بیشتر تقویت می شود. علاوه بر مسایلی که تذکر داده شد، موجودیت شاهراه ها سبب رشد تجارت در داخل و خارج از کشور می گردد، پول تقویت می یابد و روحیه انکا به خود به وجود میاید. همچنان کشور به منطقه ترازیت بین المللی تبدیل می شود. حمل و نقل اموال تجارتنی کشور های همسایه از این منطقه صورت می گیرد که عاید بزرگی از این بابت متوجه کشور ما می شود.

شاهراه ها به سیستم جدید از استهلاک وسایل حمل و نقل می کاهد و با مصرف کمتر اموال انتقال می یابد. مواد خام و پخته به آسانی از طریق زمین به خارج از کشور صادر شده و واردات به قیمت نازل به داخل می رسد.

جلب و جذب سیاحان یکی از فایده های دیگر است که در موجودیت شاهراه ها سبب رشد

اقتصادی و انتقال فرهنگ ها می شود.

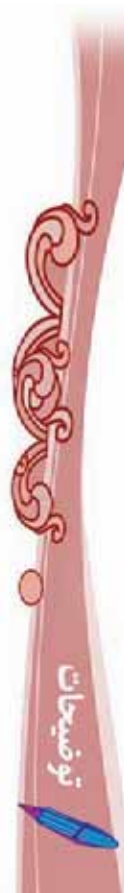
پس همهٔ این پیشرفت ها زمانی جنبهٔ عملی به خود می گیرد که یک کشور در تمام مناطق دور و نزدیک شاهراه ها و سرک ها داشته باشد، و این پیشرفت نه تنها در شهر ها منحصر می ماند؛ بلکه سبب رشد مناطق دور دست و دهات نیز می شود. به خصوص بخش زراعت و مالداري بیشتر رشد می نماید چون دهقانان در دورترین نقطه یی از کشور تشویق می شوند تا تولیدات خود را بلند برده به بازار ها عرضه نمایند؛ زیرا آنها می دانند که تولیدات شان سالم و به وقت کم به مارکیت ها به فروش می رسد.

پس باید بدانیم که موجودیت شاهراه ها و سرک ها خیلی مهم بوده و در تمام عرصه های زنده گی اثر گذاشته، رونق اقتصادی را سبب می شود. سطح زنده گی را بالا برده، آرامی و آسایش را به بار می آورد.

حال با شاهراه ها و سرک های کشور خود آشنا می شویم:

از جمله شاهراه های مهم کشور می توان از شاهراه کابل کندهار، کندهار هرات، کابل تورخم، کابل مزارو کابل کندز یاد کرد. مهم ترین قدیمی که در کشور برداشته شده شاهراه حلقوی در کشور می باشد. این شاهراه از کابل آغاز شده و دوباره به کابل ختم می شود.

کابل – کندهار – هرات – بادغیس – فاریاب – جوزجان – بلخ و سرانجام کابل ختم می شود. یکی دیگر از شاهراه هایی که در انتقال اموال اهمیت دارد، شاهراه دل آرام زرنج است که افغانستان را با ایران و نادر جنوبی آن با فاصله کوتاهی وصل می کند. همچنان شاهراه کابل شیرخان بندر و کابل حیرتان تبادل اموال تجاری را با همسایه های شمالی تاجکستان و ازبکستان آسان ساخته است.



وحدت ملی: اتحاد اقوام و اقشار مختلف یک کشور وحدت ملی همان کشور است.

سیاحان: کسانی که در شهر ها و کشور های مختلف به گردش و جها نگردي می پردازند و از جاهای تاریخی دیدن می نمایند.

ترانزیت بین المللی: حمل و نقل اموال تجاری از یک کشور به کشور دیگر گویند.



صفت فاعلی و مفعولی

صفت فاعلی کلمه بی است که بر حالت و چگونگی فاعل، یعنی انجام دهنده کاری دلالت کند؛ مانند: گوینده، بینا، پروردگار، شنو، دادگر و...

در زبان دری صفت فاعلی دارای پسوند های زیر می باشد:

- ۱- (نده) که به آخر فعل امر می آید؛ مانند: بافنده، گوینده، تابنده و...
 - ۲- (ان) که بر آخر فعل امر می آید؛ مانند: خواهان، خندان، دوان و...
 - ۳- (ا) که در آخر فعل امر می آید؛ مانند: گویا، بینا، جو یا و...
 - ۴- (گار) که بیشتر در آخر فعل امر و ماضی می آید؛ مانند: آموزگار، آفریده گار...
 - ۵- (کار) که بیشتر در آخر اسم معنی می پیوندد؛ مانند: ستمکار، فراموش کار و...
 - ۶- (گر) که در آخر اسم معنی می پیوندد؛ مانند: دادگر، ستمگر، رامشگر و...
 - ۷- (آر) که در آخر فعل ماضی می آید؛ مانند: خریدار، خواستار، بر خوردار و...
- صفت مفعولی: آن است که بر چگونگی مفعول، یعنی موجودی که کار بر روی آن واقع شده دلالت می کند، که با حذف (ن) اسم فعل و اضافه نمودن (ه) غیر ملفوظ ساخته می شود؛ مانند: دست شکسته، در بسته، سخن گفته، گل شگفته. که (شکسته، بسته، گفته و شگفته) صفت مفعولی اند.



شاهراه سرک های حلقه بی بین و لایات را گویند که تمام و لایات دورا و دور را به هم وصل می کند. از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی اهمیت به سزایی دارد. حمل و نقل مردم، اموال تجاری و انتقال تولیدات در صورت موجودیت شاهراه ها و سرک ها امکان پذیر است.

شاهراه های مهم کشور عبارت اند از: شاهراه کابل کندهار، کندهار هرات، کابل تورخم و کابل مزار، کابل و کندز که در حمل و نقل اموال تجارتي و انتقال توليدات از اهميت خاصي برخوردار استند.



پشنو و بگو

- شاهراه را تعريف كنيد؟
- اهميت اقتصادي شاهراه ها وسرك ها را بيان نماييد.
- استلال خود را در مورد اهميت شاهراه ها وسرك ها بگويد.
- آيا شاهراه ها وسرك ها درانكشاف روابط اجتماعي و فرهنگي نقش دارند، چطور؟
- شاهراه ها وسرك ها در صادرات و واردات اموال چه نقش دارد؟
- آيا شاهراه ها وسرك ها صرف مربوط به شهر ها مي شود؟
- شاگردان به گروه ها تقسيم شوند. پس از بررسي و تحليل در مورد مفهوم درس به شكل سؤال و جواب، يك گروه با گروه ديگر محاوره نمايند.

به دوستانت بگو

- با موجوديت شاهراه ها به كمترين وقت محصولات زراعتي، حيواني و صنايع دستي به بازارها وماركيت ها مي رسد.
- شاهراه کابل کندهار، کندهار هرات، کابل تورخم، کابل مزار و کابل کندز از جمله شاهراه های مهم کشور به شمار می روند.

بخوان و بنویس

- متن درس را دقيق بخوانيد، بعد در مورد اهميت اقتصادي و اجتماعي شاهراه ها وسرك ها شش سطر بنويسيد.

- از کلمه های داده شده زیر، که نا منظم اند، دو جمله منظم ترتیب نموده بنویسید.
- اقتصادی، رشد، شاهراه ها، سبب، موجودیت، انتقال، می شود، فرهنگ ها.
- سیستم، استهلاک، شاهراه ها، جدید، به، حمل و نقل، از، وسایل، می کاهد.

درست/ نادرست

- شاهراه ها از نظر اقتصادی اهمیت ندارند. ()
- موجودیت شاهراه ها سبب جلب و جذب سیاحین می شود. ()
- شاهراه کابل حیرتان تبادل اموال تجارتي را با همسایه های شمالی آسان ساخته است. ()
- جاهای خالی را پر کنید:
شاهراه..... از مهم..... بین ولایات می باشد.
کشور به..... ترانزیت..... تبدیل می شود.
شاهراه..... زرنج، افغانستان را با..... وینادر جنوبی آن با فاصله کوتاهی..... می کند.

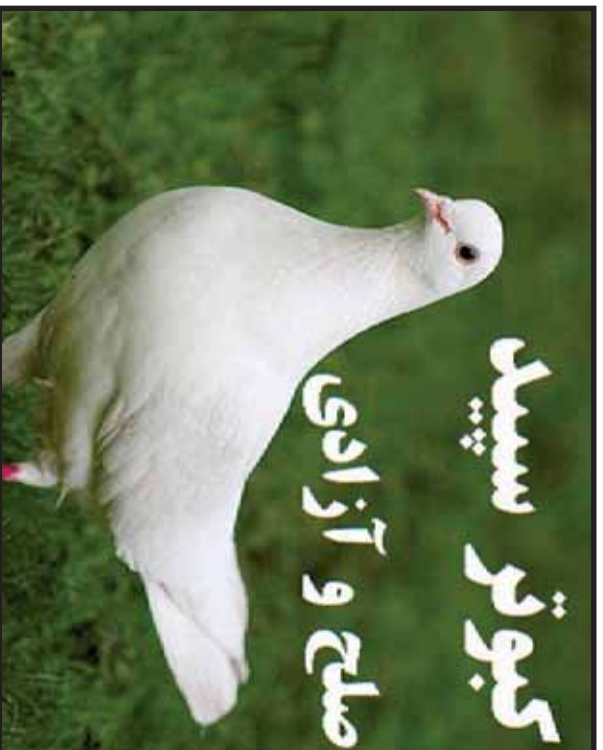


- برداشت خود را از درس خلاصه نموده در چند سطر بنویسید.
- کلمه های زیر را در جمله های مناسب به کار ببرید:
کشور، محصولات، اقتصادی، فرهنگی، زراعتی، سرک ها، شاهراه، انکشاف.



درس چهاردهم

آزادی



شاگردان عزیز،

سال گذشته در مورد آزادی مطالب را آموخته بودید، اکنون در این درس درباره آزادی حق هر انسان است، آزادی فردی و اجتماعی و ایجاد احساس احترام به آزادی را فرا خواهید گرفت و با مهارت‌های شش گانه زبان و صفت مفعولی آشنا خواهید شد.

قبل از ارائه موضوعات درس به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- ۱- چرا هر کس آزادی را دوست دارد؟
- ۲- از نظر شما آزادی یعنی چه؟

آزادی یک هدیهٔ بی نظیر الهی است که نصیب انسان شده است، ما باید به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم. آزادی حق قانونی طبیعی و مشروع هر انسان است. این حق جزء آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد بوده و حدود لاینهایی ندارد. هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند، آزادی و کرامت انسان طبق قانون از هر نوع تعرض مصون است و دولت ها به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد. روی همین اصل هر کس حق زنده گی و امنیت شخصی خود را دارد. آزادی یک واژهٔ مقدس است، هر انسان آزاد به دنیا می آید و باید آزاد زنده گی کند، زنده گی یک موهبت خداوندی و حق طبیعی انسان است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را آزادانه بیان نماید روی همین اساس دولت ها نیز آزادی بیان را حمایت می کنند، ما حق داریم نظر و فکر خود را به وسیلهٔ گفتار نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماییم. آزادی و محرمیت مرا سلالت و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله و تفتیش کاملاً مصون باشد؛ مگر در حالتی که قانون حکم دیگری در مورد داشته باشد.

در هنگامیکه اکثریت مردم یک جامعه بیکار و فقیر باشند، در زیر بار احتیاجات زنده گی به رنج و مصیبت گرفتار می شوند، فکر می کنند، تا برای پیدا کردن ضروریات زنده گی به خدمت دیگران در آیند که در آن صورت آزادی خود را محدود می سازند. از همین جاست که گفته اند آزادی در بی نیازی است، هر قدر نیاز کمتر باشد آزادی بیشتر است. کسی که چیز دیگری را به آزادی تعویض نماید، مستحق آزادی نمی باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان آزادی ملی، فردی و اجتماعی به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می گیرد. آزادی فرد تا زمانیکه به حکم محکمهٔ با صلاحیت از وی گرفته نشود. به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می گیرد. یک نوع آزادی دیگری وجود دارد که به نام استقلال یاد می شود، گاهی یک کشور آزاد مورد هجوم یک قدرت دیگر قرار می گیرد که در آن صورت همه مردم همان کشور استقلال، آزادی و تمامیت ارضی خود را از دست می دهند. آنگاه اکثریت مردم برای استرداد استقلال و آزادی خود دست به مبارزه می زنند این نوع مبارزه را جنبش و مبارزهٔ استقلال طلبی می نامند، پس آزادی که شرط اساسی آن داشتن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور است، موجودیت آن کشور را در جامعهٔ جهانی تثبیت می کند. کشور عزیز ما که یک کشور مستقل و دارای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خویش می باشد امروز در شمار کشورهای جهان جایگاه شایستهٔ خود را احراز

کرده است. آزادی و آزاده‌گی از هم فرق دارد؟ چه بسیار مردمی که آزادند، اما آزاده نیستند و بسا اسپرانی که آزاده‌اند، آزاد نیستند، آزادی از اسارت دیگران است و آزاده‌گی رهایی از اسارت خویشستن. آزادی وقتی حاصل می‌شود که کسی بر کسی دیگر تسلط نداشته باشد؛ اما آزاده‌گی با تسلط انسان بر خویشستن به دست می‌آید.

در هر صورت آنچه را باید متوجه باشیم این است که شهروندان هر کشور در راه آزادی و استقلال و حاکمیت ملی خویش آماده‌گی دادن جان خود را داشته باشند.



معجز قانونی: آزادی که در اصل یک هدیه الهی است، در سراسر دنیا شکل قانون را به خود احراز کرده است، یعنی آزادی‌ها تصنیف و اجراء قانونی حاصل کرده است.

محرمیت مراسلات و مخابرات: بشر با استفاده از آزادی بیان که در داخل قانون تنفیذ گردیده حق دارد نظر و مفکوره شخصی خود را ابراز و بدوستان و آشنایان آنرا چه ذریعه نوشته و چه ذریعه مخابره ابراز نماید و دولت مکلف است ابراز نظر آنرا محرم دانسته در آن تصرف و مداخله نکند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر: بعد از ختم جنگ جهانی دوم یکتعداد کشورهای مستقل دور هم جمع شده به اکثریت آراء اعلامیه جهانی حقوق بشر را به نشر سپردند؛ مثلاً: در یک ماده آن چنین آمده است:

بشر آزاد به دنیا آمده و باید آزاد زنده‌گی کند و به آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون است.

قواعد دستوری



صفت تفضیلی

آن را صفت برتر نیز گویند وصفی است که شخصی یا چیزی را نسبت به شخصی یا چیزی دیگر برتری دهد. این صفت با آوردن پسوند (-تر) در آخر صفت عادی ساخته می شود. مثال: زیرک - زیرکتر، زیاد - زیادتر، بیش - بیشتر.

به جمله های زیر دقت کنید:

- محمود زیرکتر از احمد است.
- او زیادتر از خواهرش کار می کند.
- مرد بیشتر از کار بیشتر ناشی می شود.

خلاصه درس



آزادی، حق قانونی، طبیعی و مشروع هر انسان است، هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند، زنده گی یک موهبت خداوندی است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را از انانته بیان کند، آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله کاملاً باید محفوظاً باشد. در قانون اساسی افغانستان آزادی هلی فردی و اجتماعی هر تبعه تعیین گردیده است، زمانی که یک کشور مورد هجوم یک قدرت قرار می گیرد. مردم آن برای استقلال طلبی مبارزه می کنند.



پسر و پسر

- چرا هر انسان حق دارد آزاد زنده گی کند؟
- «آزادی یک هدیه‌ی بی نظیر است» یعنی چه؟
- چطور نظر خود را آزادانه بیان می‌نمایید؟
- آزادی و آزاده گی از هم چه فرق دارند؟
- در مورد آزادی فردی و اجتماعی در گروه‌ها بحث و گفتگو کنید. نتیجه‌ی مباحثه را یک نفر به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- هر انسان حق زنده گی دارد، به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم.
- کشور عزیز ما یک کشور مستقل و آزاد است.
- چه فکر می‌کنید آزادی فردی و اجتماعی از نظر شما چیست؟ در گروه‌ها مباحثه نمایند و نتیجه را یک شاگرد به دیگران بگوید.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید.
- پاراگراف دوم را دقیق بخوانید و واژه‌های جدید را مشخص کنید.
- واژه‌های جدید را بخوانید و معنا کنید.
- پیام اصلی درس چیست؟ در سه سطر بنویسید.
- واژه‌های موهبت، تبعه، هجوم و مجوز را در جمله‌هایی کار کنید.

جاهای خالی را پر کنید:

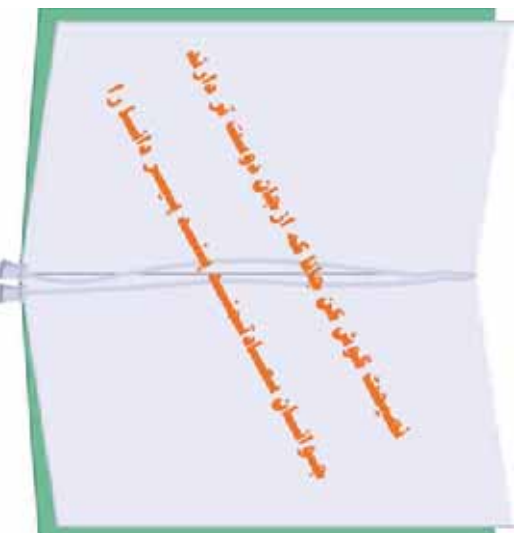
- هر انسان..... به دنیا می آید و باید..... زنده گی کند.
- زنده گی یک..... خداوندی و حق طبیعی..... است.



- برداشت خود را از متن در شش سطر خلاصه نمایید.



اندرزها



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد آزادی های فردی، اجتماعی، سیاسی و غیره معلومات حاصل نمودیم؛ اما درس جدید اندرزهاست که بیشتر توسط بزرگان دین، حکما و دانشمندان برای راهنمایی مردم گفته شده است و مسایل دینی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و غیره را در بر می گیرد و بزرگان ما پیرامون آزادی و اهمیت آن پند و اندرزها داده اند؛ مانند: آزادی آبادی است، قدر آزادی را کم ندان؛ همچنین با صفت عالی بیشتر آشنا می شویم.

۱- چند اندرز به یاد دارید؟

۲- اندرزها بر زنده گی انسان چه تأثیر دارد؟

۱. خدا پرستی آن است که خود پرستی را رها کنی. (شمس تبریزی)
۲. زینت انسان سه چیز است: علم، محبت و آزاده گی. (افلاطون)
۳. دانا به کار خود توکل می کند و نادان به آرزوی خویش. (حضرت علی (رض))
۴. کار سرمایه سعادت و خوشبختی است. (سقراط)
۵. به جای نفرین فرستادن به تاریکی، بهتر است شمعی روشن کنی. (کنفوسیوس)
۶. امید برای بشر، مثل بال برای پرنده گان است. (ویکتور هوگو)
۷. شاخی را که میوه بسیار باشد، او را فرو کشند. (مولانا جلال الدین محمد بلخی)
۸. خوشبخت ترین مردم کسی است که کردار به سخاوت بیاراید و گفتار به صداقت. (ابو علی سینای بلخی)
۹. مرگ در راه آزادی، شرافتمندانه تر از زنده گی در سایه برده گی است. (جبران خلیل جبران)
۱۰. قوی ترین رکن بنای دوستی، کتمان اسرار دوستان است. (بزرگمهر حکیم)
۱۱. در راه رفتن میانه رو باش. (لقمان حکیم)
۱۲. وفات در نیکنامی بهتر است از حیات در بد نا می. (کلیله و دمنه)
۱۳. قدر عاقبت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. (سعدی)
۱۴. اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می رفتیم همه دشمنان نابود می شدند. (بسمارک)
- ۱۵ - سخنی داشته باش دلپذیر یا دلی داشته باش سخن پذیر. (محمد حجازی)
- ۱۶ - هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان. (ناصر خسرو)



- افلاطون: در بین سال‌های (۴۲۸-۳۴۸ ق.م) در آتن زنده گی میکرد. شاگرد سقراط بود. اثر مشهور او جمهوریت نام دارد. از جمله کسانی است که تهداب مدنیت غربی را گذاشته است.
- سقراط: فیلسوف یونانی که در شهر آتن در بین سال‌های (۴۶۸-۳۹۹ ق.م) زنده گی میکرد.

- ویکتور هوگو: نویسنده و شاعر رومانتیک فرانسوی در سال ۱۸۰۲ میلادی تولد شده است. اثر معروف وی ناول (بیتوایان) میباشد. وی در سال ۱۸۸۵ م. وفات نموده است.
- بزرگمهر حکیم: معلم هرمز پسر انوشیروان بود نظر به کاردانی و لیاقت فراوانی که داشت به وزارت رسید. برخی از کتب به زبان پهلوی و سایر زبان‌ها به دستور این وزیر ترجمه شد.
- بسمارک: اولین صدراعظم آلمان که به نام صدراعظم آهنین مشهور است. نقش مهم او متحد ساختن جرمنی بود. او در سال ۱۸۱۵ میلادی تولد شده و در سال ۱۸۹۸ میلادی وفات نموده است.

قواعد دستوری

صفت عالی

اکنون به توضیح صفت عالی می‌پردازیم: از صفت مطلق و «ترین» ترکیب شده و برتری موصوفی را بر همه موصوف‌های همجنس می‌رساند؛ مانند:

- کابل، بزرگترین شهر افغانستان است.
- نجیب، لایق‌ترین شاگردان مکتب حبیبیه است.

در جمله های زیر به کلمه هایی که زیر شان خط کشیده شده است توجه کنید:

خوشبخت ترین مردم کسی است که کردار به سخاوت بیا راید و گفتا ر به صداقت .

قوی ترین رکن بنای دوستی، کتمان اسرار دوستان است.

در جمله های بالا کلمه های «قوی ترین» و «خوشبخت ترین» صفت برترین یا عالی می باشند.

خلاصه درس

اندرز ها توسط بزرگان دین، حکما، دانشمندان بزرگ جهان و علما برای رهنمایی مردم گفته شده است. انعکاس موضوعات مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و غیره برای پندآموزی مردم می باشد.



بشنو و بگو

- اندرز ها توسط چه کسانی و برای چه گفته می شود؟
- مفهوم اندرز های شماره دوم و دهم را بیان کنید.
- اندرز شماره هفتم چه پیامی را در خود دارد؟
- می توانید یک جمله بگویید که در آن صفت عالی به کاررفته باشد؟

به دوستانت بگو

- اندرزها برای رهنمایی مردم گفته شده است.
- خدا پرستی آنست که خود پرستی را رها کنی.

- هر چیزی را ستونی باشد، ستون دین علم است.
- زینت انسان سه چیز است؛ علم، محبت و آزاده گی.

بخوان و بنویس

- چهار اندرز را انتخاب نمایید و دقیق بخوانید. سپس در مورد هر کدام یک سطر بنویسید.
- پیام این اندرز برای ما چیست؟
- امید برای بشر، مثل بال برای پرنده گان است.
- از چهار جواب یکی را تأیید کنید:
- عاقبت به معنای:
- الف – صحت کامل
- ب – صحت نا کامل
- ج – تندرستی
- د – جواب «الف» و «ج» درست است.

سخاوت به معنای:

- الف – دعا کردن
- ب – بخشش و کرم
- ج – راهتی
- د – بزرگواری

جاهای خالی جملات را پر کنید:

- سخنی..... دلپذیر یا..... داشته باش.....
- قدر..... را کسی می داند که به..... گرفتار شود.



- سه جمله بنویسید که در آن صفت عالی به کار رفته باشد.
- مفهوم اندرزهای زیر را در کتابچه های خود بنویسید.
- اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می رفتیم همه دشمنان نابود می شدند.
- قوی ترین رکن بنای دوستی، کتمان اسرار دوستان است.



رادیو



شاگردان عزیز،

- در سال گذشته راجع به بعضی اختراعات؛ مانند: تلفون معلومات حاصل نمودید؛ اکنون به همان سلسله در رابطه به اختراع رادیو معلومات حاصل می نمایید و همچنان با صفت نسبتی آشنا می شوید.
۱. آیا می دانید که از کدام طریق می توان به زود ترین فرصت از اخبار جهان آگاه شد؟
 ۲. به نظر شما کدام نوع برنامه ها بهتر است از طریق رادیو نشر شود؟

بعد از انکشاف تلگراف بیسیم، رادیو به وجود آمد. هرتس آلمانی به اساس فورمول های ریاضی ثابت کرد که که قوه برقی در فضا به شکل امواج انتقال داده شده می تواند، آواز انسان و دیگر اشیا را برقی نماییم و به جاهای دور بفرستیم. بر اساس همین تجربه تلگراف بی سیم اختراع شد.

بعدا دانشمند ایتالوی (مارکنی) بر اساس همین تجربه در سال ۱۸۹۰ م. رادیو را اختراع کرد و در لندن آن را در معرض تماشای عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد. در کشور ما برای نخستین بار در عصر حکومت غازی امان الله خان در سال ۱۳۰۴ هـ.ش. عطاالله خان را به منظور آموزش در رشته رادیو به آلمان فرستادند، که در سال ۱۳۰۵ هـ.ش. با چند تن انجینران آلمانی و دستگاه های فرستنده رادیو به وطن برگشت. در افغانستان کار تأسیس استدیو و مراسله رادیویی به زودی آغاز یافت. در ماه میزان ۱۳۰۶ خورشیدی رادیو مراحل قانونی خود را گذشتاند و در همین سال مطابق لایحه مخصوص به نشرات آغاز کرد. مدیر رادیو محمد حسن نام داشت، نطق آن سرور گوپا و هنرمندان معروف چون: استاد قاسم، استاد غلام حسین، استاد نتو، قربانعلی و دیگران آواز می خواندند، بعد از سقوط سلطنت امان الله خان رادیو نیز دچار سرنوشت مکاتب شده و از میان رفت، بار دوم در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ به نام رادیو کابل به نشرات آغاز کرد و بعد رادیو افغانستان نام گرفت که تا حال ادامه دارد. حالا تعداد زیاد رادیو ها در سراسر کشور فعال گردیدند. رادیو در زنده گی ما نقش مهم را ایفا می کند، ما به زودترین فرصت از اخبار سراسر جهان اطلاع حاصل می کنیم و از حوادث، تغییرات و تحولات در عرصه های مختلف زنده گی اجتماعی با خبر می شویم.



قواعد دستوری

صفت نسبتی

آن است که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند. صفت نسبتی در زبان دری دارای پسوند های زیر می باشد:

پسوند/ای /در کلمه هایی که به حرف کانسوزنانت ختم شده باشد؛ مثلاً: بلخی، هراتی، سنگی، چوبی...
پسوند/ایی /در کلمه های که به حرف وول ختم شده باشد؛ مثلاً: آسیایی، طلایی، قهوه یی، خرمایی...
پسوند /وی /در برخی از کلمه های مختوم به واول /آ/ مانند: هستوی بیضوی، دایروی، کروی...
پسوند /گی /در برخی کلمه های که به {هـ} غیر ملفوظ ختم شود؛ مانند: خانه گی، میمنه گی...
پسوند /گی /در برخی کلمه های که به {هـ} غیر ملفوظ ختم شود؛ مانند: خانه گی، میمنه گی...



خلاصه درس

رادیو را در سال ۱۸۹۰ م. دانشمند ایتالوی به نام مارکنی اختراع نمود و آن را در لندن در معرض نمایش عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد.
در کشور ما در زمان غازی امان الله خان برای نخستین بار در سال ۱۳۰۶ شمسی رادیو به نشرات آغاز کرد که بعداً در زمان محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ به نام رادیو کابل شروع به فعالیت نمود.
صفت نسبتی آنست که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند.



فعالیت ها

پشنو و بگو

- رادیو را چه کسی اختراع کرد؟

- رادیو برای نخستین بار در زمان سلطنت کی و در کدام سال به نشرات آغاز کرد؟
- اولین نطق رادیو در کشور ما چه نام داشت ؟
- رادیو چه نقشی در زنده گی ما دارد؟
- صفت نسبتی را تعریف کنید.

بخوان و بنویس

- متن درس را خاموشانه بخوانید و نکات مهم آن را یادداشت نمایید.
- چند تن از شاگردان متن درس را با صدای بلند بخوانند و کلمه های آن را درست تلفظ نمایند.

- کلمه های جدید متن را در کتابچه های خود در جمله های مناسب بکار ببرید.
- جمله های زیر را تکمیل نمایید:
- ما با استفاده از..... به زود ترین فرصت از اخبار جهان اطلاع حاصل می نماییم.
- رادیو در سال..... توسط..... اختراع گردید.
- رادیو در کشور ما در سال..... به..... آغاز کرد.
- چند واژه بنویسید که صفت نسبتی در آن به کار رفته باشد.
- با استفاده از پسوند نسبتی / گی / صفت نسبتی بسازید.



- در مورد اهمیت رادیو در عصر حاضر شش سطر بنویسید.



درس هفدهم

کوچی ها



شاگردان عزیز،

در درس گذشته راجع به رادیو و اهمیت آن در زنده گی انسان ها آموختید و از این طریق در مورد اقوام و قبایل افغانستان نیز شنیده اید؛ یکی از این اقوام کوچی ها می باشند که در این درس شما با زنده گی، عنعنات، رسوم، مسایل اقتصادی، فرهنگی و دیگر مشخصات آنها آشنایی حاصل خواهید نمود همچنان با ضمیر و اقسام آن آشنا می شوید. اکنون شما بگویند که:

۱. چرا این قوم همیشه کوچ می کنند؟
۲. این قوم بیشتر در کدام مناطق زنده گی دارند؟

افغانستان همانند بسیاری از دیگر کشور های جهان کشوری است متشکل از اقوام و قبایل گوناگون با زبانهای مختلف، رسم و رواجهای متنوع و شیوه های گوناگون زنده گی. وجود کوه های سر به فلک و دشوار گذر، دشت های سوزان و بی آب و علف، سرمای شدید، عدم موجودیت وسایل و امکانات و نبود راه ها، مناطق مختلف را از هم جدا نگاهداشته و مردم هر منطقه را به خصایل زبان و رسوم جداگانه پروریده است. از شمار اقوام افغانستان یکی هم کوچی ها است، که تا هنوز در حالت خانه به دوشی و کوچی گری به سر می برند. آنها از راه مالداري و پرورش حیوانات اهلی چون گوسفند، بز، شتر، خر و اسب زنده گی می کنند و به چراگاه ضرورت دارند. چون افغانستان دارای اقلیم خشک است و در یکسال آن چهار فصل وجود دارد، چراگاه های سرسبز همیشه موجود نمی باشد، چراگاه های کوهستانی از ماه ثور تا نیمه تابستان سرسبز اند. در خزان و زمستان دشت های هموار و وادیهای جنوب افغانستان تا سواحل بحر هند، بلوچستان و سند برای مالداران مساعد می گردد. از همین رو کوچی ها در بهار و تابستان در دامنه سلسله کوههای بابا و هندوکش از پامیر و بدخشان و مرغاب، بادغیس و بامیان مولتی خود را به چرا می برند و پس از آن به دشت های هلمند، ارغنداب و سواحل انک، پشاور و وزیرستان بر می گردند. شماری از مردم شمال غرب و مناطق کوهستانی که به پرورش موشی و کشتاوری سرگرم اند، به صورت نیمه کوچی ها زنده گی خود را عیار کرده اند. آنها در تابستان به کوهستان های پیرامون خویش یکجا با موشی شان مسکن گزین می شوند و در فصل سرما به روستاهای خویش باز می گردند. در میان این مردم تاجک ها، ازبک ها، ترکمنها، قزاق ها، عرب ها، قرغز ها، پشه یی ها، هزاره ها، ایماقها و دیگر اقوام و قبایل کشور وجود دارند. کوچی ها در تهیه تولید شیر، روغن، پنیر، مسکه، قروت، گوشت، پشم، پوست و دیگر فراورده های حیوانی می کوشند. و از این راه به اقتصاد کشور مفاد زیادی می رسانند. آنها از راه فروش این تولیدات، احتیاجات خود را به دست می آورند. زنده گی آزاد و فارغ از قید و بند مدنی، کوچی ها را سالم و سر سخت بار آورده است. آنها دارای قامت های رسا، چشمان نافذ و اندام قوی می باشند. در میان کوچی ها زنان بیشتر از مردان زحمت می کشند، بخت و بز، بارگیری و جمع آوری علوفه و نگهداری حیوانات به دوش زنان است.

کوچی ها طرز زنده گی مخصوص خود را دارند. آنها در استفاده از لباس، خوراک و معاشرت خویش با دیگر ساکنان کشور فرق دارند، لباس دختران و زنان کوچی بیشتر به رنگ های سیاه، سرخ و لاجوردی یعنی رنگهای گرم می باشد. پیراهن و چادر های آنها با چرمه کاری و گلدوزی، زری کاری و گاهی با سکه های تفره یی تزیین می گردد. یخن های پیراهن های جوانان و نوجوانان نیز گلدوزی و واسکت های شان چرمه کاری می شوند. کلاه های گلدوزی شده و مرغوب به سر میگذارند. کوچی ها مانند بسیاری از مردم افغانستان مهمان نواز اند.



افغانستان تنها کشوری نیست که در آن اقوام و قبایل مختلف با زبانهای مختلف، نژادهای متعدد و رسم و رواجهای گوناگون زنده گی میکنند. در جهان کشورهای بسیاری وجود دارد که مشکل از اقوام و قبایل مختلف است؛ مثلا ساکنان کانادا و امریکا مشکل از نژادهای فرانسوی، انگلیسی، هسپانیایی و سرچوستان بومی هستند. در ایران اقوام ترک، بلوچ، فارس، کرد و عرب در کنار هم زنده گی می کنند. پاکستان نیز از نظر ساختار اجتماعی مشکل است از اقوام پشتون، بلوچ، سندی و پنجابی، در کشور انگلستان هم انگلیسها و آیرلندیها با هم زنده گی می کنند.



ضمیر و اقسام آن

ضمیر کلمه بی است، که جای اسم را می گیرد و برای رفع تکرار اسم استعمال می شود؛ مانند: خسرو، پرویز را دید و به او گفت، درینجا «او» به جای «خسرو» نشسته است. اگر چنین نمی بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم: پرویز، خسرو را دید و به خسرو گفت. که درین جمله اسم (خسرو) دوبار تکرار می شد. «خسرو» را مرجع ضمیر هم می گویند، و این همان قرینه است، که به ما می فهماند، منظور از ضمیر «او» همان «خسرو» است، و اگر «خسرو» نمی بود ضمیر «او» مبهم و پوشیده می بود، چنانکه اگر می گفتیم: او را دیدم. کسی نمی دانست که «او» کیست. پس نتیجه میگیریم، که ضمیر احتیاج به مرجعی دارد، که باید قبل از آن ذکر شود. انواع ضمیر: در زبان دری، ضمیر سه نوع است: ۱ - ضمیر شخصی ۲ - ضمیر مشترک ۳ - ضمیر اشاره، که باز هر یک به چند دسته دیگر تقسیم می شود و در درسهای آینده آن را خواهیم خواند.



در افغانستان اقوام و قبایل گوناگون با زبانهای مختلف و صنعتها مختلف زنده گی می نمایند که از جمله یکی کوچی ها هستند، آنها از راه مالداري و پرورش حیوانات اهلی و فروش محصولات آنها امرار معاش می کنند. زنده گی آزاد و فارغ از قید و بند مذنی دارند.



بشنو و بگو

- فرق میان زنده گی کوچی و غیر کوچی چیست؟
- کوچی‌ها زنده گی خود را از کدام مدرک تأمین می‌نمایند؟
- کوچی‌ها به کدام نوع لباس علاقه دارند؟
- چند زبان رایج در افغانستان را نام ببرید؟
- چند شاگرد معلومات خود را در مورد اقوام و زبان‌های افغانستان به زبان ساده در برابر صنف بیان نمایند.

- شاگردان به دو گروه تقسیم شده در مورد زنده گی کوچی‌ها و رسم و رواج‌های شان بحث همه جانبه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه بحث خویش را در برابر صنف شرح دهد.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون نویس نمایید.
 - مفهوم درس را در حداقل سه سطر بنویسید.
 - کلمه‌های جدید درس را در کتابچه‌های تان بنویسید.
- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید**
- زنده گی آزاد و فارغ از..... کوچی‌ها را سالم و..... بار آورده است.
 - در میان کوچی‌ها..... بیشتر از..... زحمت می‌کشند.



- در مورد مشکلات کوچی‌ها و راه‌های حل آن مقاله‌ی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

ماین چیست؟



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته درباره اهمیت شاهرآه ها و سرک ها معلومات حاصل کردید، امروز پیرامون ماین ها معلومات به دست می آورید که اگر ماین ها خنثی شوند، امنیت راه ها و سرک ها به خطر مواجه می شود، همچنان با ضمیر مشترک آشنا می شوید.

۱. آیا ماین را از نزدیک دیده اید؟

۲. آیا انفجار ماینی را که سبب تخریب و سایش تقلیه و تلفات جانی و مالی شده باشد، مشاهده کرده اید؟

افغانستان از شمار کشورهای است که بیشترین ماینرها، مهمات منفجر نشده در آن وجود دارد و تاکنون همه آنها پاکسازی نشده اند، همه روزه مردم ما در سراسر کشور از آنها آسیب می بینند تا جایی که ماهانه کم از کم دهها تن از اثر ماینرها کشته یا زخمی می شوند. افغانستان از سه دهه بدینسو درگیر جنگهای بی شمار بوده است. در نتیجه این جنگها، سراسر کشور به مرکز ماین ها مبدل شده است که باوجود پاک سازی بسیاری از مناطق کشور از ماینها، باز هم این دشمنان مردم افغانستان در بعضی جایها باقی مانده اند.

ماینها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی شان بر دو گونه می باشند:

- ۱_ ماینهای ضد انسان (ضد پرسونل)
- ۲_ ماینهای ضد وسایط

ماینهای ضد پرسونل (انسان) از چوب، پلاستیک، آهن و دیگر فلزات به اشکال گوناگون ساخته می شوند که با اندک فشار دست یا پا، منفجر و سب مرگ و یا زخمی شدن انسانها و حیوانات میگردد. ماینها به شکل رادیو، بکس، قلم، توتنه های نل، ساعت دستی و یا دیواری، زیورات، سامان بازی و دیگر سامان آلات کار آمد، ساخته شده و پخش می گردند. به مجرد تماس انسان یا حیوان آنها منفجر می شوند و آنچه را که در گرد و پیش شان باشد، ازبین می برند. افزون بر ماینها، مهمات منفجر نشده چون: راکتها، بمبهای دستی، و طیاره، مرمی های ماشیندار، تفنگها، توپها، هاوان ها و غیره موجود اند. این مهمات در مناطقی باقی مانده است که محلات بود و باش نظامی ها، میدانهای جنگ، ترصدگاهها، سنگر بندیها، قرار گاه ها و بوسته ها بوده اند.

مهمات مذکور گاه ناگاه سب مرگ یا زخمی شدن کودکان، نوجوانان، کلان سالان و حتی حیوانات می شوند.

ماینها و مرمی هایی که بر روی زمین قرار دارند، قابل دید و شناخت می باشند؛ اما ماینهایی که در زیر خاک پنهان اند انسانها را همیشه غافلگیر می نمایند و تلفات بسیاری رابه بار می آورند که از آن جمله ماینهای ضد تانک می باشند.

ماینهای ضد تانک به ژرفای نیم تا یک متر در جاده‌های خاکی و دو جانب سرکهای پخته دفن می‌شوند. به مجرد که تانکها و دیگر وسایل نقلیه سنگین از بالای شان بگذرد؛ آنها منفجر می‌شوند و وسیله مورد نظر را از بین می‌برند.

شناخت و کشف اینگونه ماینها بدون وسایل کشف و سگ‌های تعلیم دیده مخصوص ممکن نیست.

شاگردان عزیز،

شما باید حین گشت و گزار و بازی علامه‌ها و نشانه‌هایی را که خواندید، در نظر بگیرید و به سامان و چیزهایی که در دشتها، کوه‌ها، جنگل‌ها و مزارع نشانه و علائم مهمات منفجر نانشده چون:

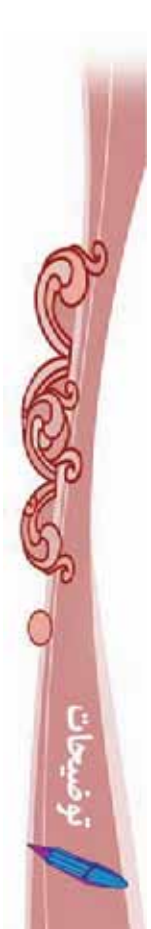
سنگها، دیوارها و بریده‌گی‌های سنگی که آبی رنگ شده و نشانه مهمات منفجر ناشده و ساحة چنگرده می‌باشد نزدیک نشوید.

● سنگها، پایه‌ها و علائمی که به رنگ سفید، رنگ شده و نشان دهنده ساحة پاک شده از ماین و مهمات می‌باشد.

● سنگها، دیوارها و ساحاتی که با رنگ سرخ شده و علامت موجودیت ماین را نشان می‌دهد، نزدیک نشوید.

برعلاوه این نشانه‌ها، علائم محلی دیگری نیز موجود اند که آنها قرار زیر اند:

۱. پایه و نشانه بی که ساحة خطرناک را نشان دهد.
۲. شاخه‌ها و تیرهایی که در عرض جاده‌ها قرار داده شده باشند.
۳. دیوارهای سنگی که جاده را بند کرده باشد.
۴. علامه‌های چلیپا که از چوب ساخته شده باشند.



اگر میخواهید از خطر مرگ و عیبی شدن در امان باشید، هرگز به ساحه خطرناک ماینها و مهمات منفجر نشده داخل نشوید؛ زیرا خودتان صدمه می بینید، شما باعث انفجار دیگر خواهید شد به یاد داشته باشید در ساحه یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین های بیشتر هم است. در صورت مواجه شدن به قربانی ماین هرگز داخل ساحه ماین زار نشوید هر چه زودتر به ماین پاکان یا بزرگان محل خیر دهید از کمک های غیر مسلکی خود داری نمایید.



ضمیمه مشترک

- ضمیمه یی است که برای شخص های اول، دوم و سوم (متکلم، مخاطب، و غایب) اعم از مفرد و جمع به گونه یکسان و مشترک استعمال شود و عبارتند از: خود، خویش و خویشین که هر کدام آن برای مفرد و جمع هر سه شخص به کار برده می شود، مانند:
- خود گفتم، خود گفتیم، خود نوشتی، خود نوشتید، خود رفت، خود رفتند.
 - نامه خویش نوشتیم، نامه های خویش نوشتیم، نامه خویش نوشتی، نامه های خویش نوشتید.
 - کار خویشین را انجام دادم، کارهای خویشین انجام دادیم، کار خویش انجام دادی، کارهای خویشین انجام دادید، کارهای خویشین انجام دادند.



خلاصه درس

ماینها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی به دوگونه است:

ماینهای ضد انسان (ضد پرسونل) ماینهای ضد تانک، شناخت و کشف اینگونه ماینها بدون وسایل کشف و سگ های تعلیمی مخصوص ممکن نیست.

نشانه ها و علائم مهمات منفجر نشده، علاوه بر نشانه های رسمی ماین پاک، علائم محلی دیگر نیز موجود است که خطرات ماین و دیگر مهمات منفجر نشده را نشان می دهند.



فعالیت ها

پشنو و بگو

- ماینهای ضد انسان به کدام اشکال ساخته می شوند؟
- چند نفر روزانه در اثر انفجار ماینها در وطن عزیز ما کشته می شوند؟
- علائم و نشانه های مهمات منفجر نشده کدامهاست؟
- کدام ماینها در زمین کشت و از نظر پنهان نگهداشته می شود.

شاگردان اجرا کنند

- شاگردان درمورد اقسام ماین ها و خطرات آنها در گروه های مختلف با هم مباحثه نمایند و نتیجه صحت ها را یک شاگرد از مقابل صنف به دیگران بگویند.
- شاگردان با مطالعه درس ماین، احساس خود را به همدیگر بیان کنند.

- در بارهٔ ضمیر مشترک (خود، خویش و خویشین) چه می دانید، در گروه ها تقسیم شده بحث و گفتگو کنید و از هر گروه یک نفر یک مثال بگوید.

- چطور می توان ماینها را شناسایی کرد؟

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و واژه های جدید را بیرون نویس نمایید.
- واژه های ماین، انفجار، دست و کوه را در جمله های مناسب به کار ببرید.
- ماینهای ضد انسان از.....؛ آهن و دیگر.....
- به اشکال گوناگون ساخته می شوند که با..... فشار دست یا.....؛
- و سبب..... و یا زخمی شدن انسانها و حیوانات می گردد.

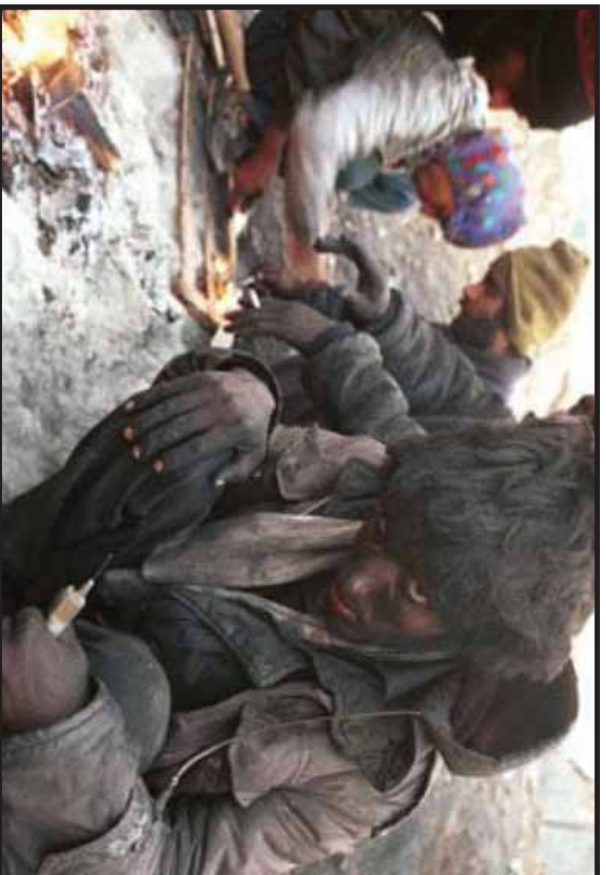


شاگردان در مورد جلوگیری از خطرات ماین مقاله بی در هفت سطر در کتابچه های خود بگذارند.





ضرر های مواد مخدر



شاگردان عزیز،

در درس گذشته در مورد ماین، انواع آن خسارات و تلفاتی که به بار می آورد معلومات حاصل نمودیم. اکنون با یکی از موارد دیگری که باعث ضرر و خساره برای انسان ها می گردد، آشنایی حاصل می نمایم که این مورد، اضرار مواد مخدر است. همچنین با عدد و انواع آن آشنا می شوید. اکنون بگویید که:

۱. مواد مخدر به چه چیزهایی گفته می شود؟
۲. مواد مخدر چه ضررهایی را در قبال دارد؟

مواد مخدر چیست ؟

مواد مخدر عبارت از مواد نشه آوری است که مصرف مداوم آن فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده و در صورت استعمال پی در پی اعتیاد روانی و بدنی را سبب می گردد. مواد مخدر هم به صورت طبیعی وجود دارد؛ مانند: تریاک که ازبته خشخاش به دست می آید وهم به طورمصنوعی و کیمیاوی در لابراتوارها ساخته می شود؛مانند: هیرویین، مورفین، کوکائین وغیره. برخی از این مواد ارزش استفاده طبی دارد و در ساختن بعضی دواها به فیصدی بسیار کم استفاده می گردد، که مصرف بیش از ضرورت آن وبا بدون اجازهٔ دکتر خطرات جدی وزیان آوری را به دنبال دارد. استفادهٔ مواد مخدر به خصوص از طریق پیچکاری به صحت انسان بسیار مضر و خطرناک می باشد. همچنان سبب زیان های جدی و خطرناک صحتی از قبیل ابتلا به امراض مزمن و کشنده چون انواع مختلف سرطان، سکنه های قلبی، زردی وغیره گردیده، مشکلات بیشمار اجتماعی واقتصادی از قبیل قتل، سرقت، فقر، گدایی وتباهی سرمایه های بزرگ بشری را به دنبال دارد. دین مقدس اسلام استعمال مواد مخدر را به خاطر این که به صحت و سلامت انسان ضرر دارد و جامعه را به طرف انحطاط اخلاقی می کشاند منع فرار داده است و کسانی را که به قاچاق آن دست می زنند دشمنان انسان وانسانیت می داند.

اشخاصی که به طور مداوم مواد مخدر را مصرف می نمایند واستفاده از آن به عادت همیشه گی و وابسته گی روانی آن ها مبدل شده است معتاد گفته می شوند. در وطن عزیز ما افغانستان هم بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵- ۳۵ سال تشکیل می دهند. وجود دارند که مردم آن ها را به نام هیروینی یا (پودری) یا د می نمایند.

اشخاص پودری از جامعه منزوی شده و در نزد افراد جامعه خیلی منفور و بی قدر اند، مردم با آنها به حیث یک مجرم برخورد می نمایند؛ زیرا آنها دشمنان جسم و جان خود و بار دوش جامعه میباشند؛ اما در حقیقت معتادان مواد مخدر افرادی اند که بنا بر مشکلات روانی، عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، همیشینی با اشخاص بی بند و بار و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی، نا خواسته به دام این دیو خطرناک افتاده اند. این مسؤولیت همهٔ افراد جامعه، دولت و مؤسسات غیر دولتی و بین

المللی است تا در رفع این مشکل دست به دست هم داده با معاندان در حد امکان همکاری و آن‌ها را رهنمایی نمایید تا از این بد بختی نجات پیدا کنند.

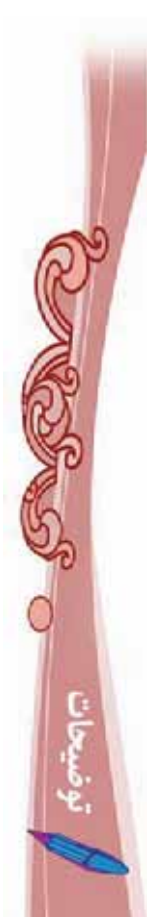
چگونه می‌توانیم یک شخص معناد را تداوی کنیم؟

نکته اساسی و مهم در تداوی فرد معناد این است که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است رفتار شود، نه به حیث یک شخص مجرم، خطا کار و گنه‌کاری که مستوجب مجازات باشد. اگر فرد معناد به خاطر آماده شدن به تداوی و ترک مواد مخدر تشویق شود و با او روش مبتنی بردشمنی و با عدم همکاری صورت بگیرد بدون شک که فرد معناد هیچ‌گاه حاضر به ترک اعتیاد نخواهد شد.

اضرار مواد مخدر

استعمال مواد مخدر زبان‌های پیشمار جسمی و روانی دارد که به گونه‌مثال ذیل بیان می‌گردد:

- ضعیف ساختن سیستم دفاعی بدن.
- کندی فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی.
- سرعت ضربان قلب.
- سرطانی شدن شش و گلو.
- ضعیف نمودن حواس باصره، شامعه و ذایقه.
- بالا بردن فشار خون.
- بالا بردن چربی خون.
- سکتة قلبی.
- سکتة مغزی.
- ایجاد بی‌حالی در شخص مصرف‌کننده.
- ایجاد اختلال در سیستم تنفس.
- اختلالات روانی (افسرده‌گی، پریشانی، گوشه‌گیری و ناامیدی)



درمورد استفادهٔ طبی مواد مخدر باید گفت: که در صنعت طب از مواد مخدر با فیصدی بسیار کم برای ساختن برخی دواها استفاده می شود؛ اما باید در مصرف آن احتیاط صورت گیرد و طبق هدایت داکتر از آن دواها استفاده شود.

سرطان: مرض کشنده یی است که درجهان تا اکنون هم برای علاج آن دارویی کشف نشده است.

اشخاص پودری: افرادی که به مواد مخدر به خصوص هیرویین مبتلا باشند.



عدد و انواع آن

به جملهٔ زیر نگاه کنید.

• در وطن عزیز ما افغانستان هم بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵-۳۵ سال تشکیل می دهد وجود دارند.

درین جمله «۱۵» و «۳۵» عدد می باشند.

تعریف عدد

آن است که شماره را بیان کند، و چیزی را که شمرده شود معدود می گویند؛ مانند: دومین، چهارچوکی، که «دو» و «چهار» عدد و «میز» و «چوکی» معدود می باشند.

درزبان دری معدود با عدد در جمع و مفرد بودن مطابقت نکرده و همیشه مفرد می آید؛ مانند: چهار کودک، پنج کبوتر، که: «چهار کودک» و «پنج کبوتر» نمی گویند.

انواع عدد: در زمان دری عدد پنج گونه است، که عبارتند از: ۱- اعداد ترتیبی یا وصفی ۲- اعداد اصلی ۳- اعداد ترکیبی ۴- اعداد توزیعی ۵- اعداد کسری



مواد مخدر یا نشه آور فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده، سبب امراض مزمن و کشنده مثل انواع مختلف سرطان، سکنه های قلبی، بالا بردن فشار خون، اختلال در سیستم تنفسی و غیره شده مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛ مانند: قتل، سرقت، فقر، گدایی و غیره را به دنبال دانشته و جامعه را به سوی انحطاط اخلاقی می کشاند. پس مسؤولیت همه افراد جامعه و دولت است تا برای رفع این مشکل، افراد معتاد را کمک نموده به راه راست رهنمایی نمایند تا از این بدبختی نجات یابند.



بشنو و بگو

- مواد مخدر چیست؟
- درمورد ضررهای مواد مخدر استلال خود را بگویند.
- مواد مخدر چگونه مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به بار می آورد؟
- چطور می توانیم افراد معتاد را کمک کنیم؟

به دوستان بگو

- از ضررهای عمده مواد مخدر مبتلا شدن به امراض مزمن و کشنده بی چون انواع مختلف سرطان، فشارخون و غیره امراض می باشد.
- استعمال مواد مخدر اختلالات روانی؛ مانند: افسرده گی، گوشه گیری و ناامیدی را نیز در پی دارد.

• مشکلات اجتماعی و اقتصادی مثل قتل، سرقت، فقر، گدایی و تنهایی نیز از پیامد های استعمال مواد مخدر است.

• شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، و در مورد اضرار، عواقب، مشکلات اجتماعی و اقتصادی مواد مخدر و راه های کمک و نجات افراد معتاد با یکدیگر در گروه ها بحث نمایند. در آخر نماینده هر گروه در برابر صنف نتیجه بحث های گروه خود را بیان نماید.

بخوان و بنویس

متن را دقیق بخوانید بعد در مورد زبان های صحی و اجتماعی استفاده از مواد مخدر پنج سطر بنویسید.

جاهای خالی را پر کنید

- استفاده مواد مخدر به..... از طریق..... به صحت انسان مضر و خطرناک می باشد.
 - یکی از زبان های مواد مخدر ضعیف نمودن..... باصره و..... است.
- از چهار جواب یکی را تأیید کنید:

مواد مخدر به معنای:

۱. مواد نشه آور
۲. تریاک
۳. مواد مضر
۴. مواد مفید



- مفهوم درس را خلاصه نموده در چند سطر بنویسید.
 - واژه های زیر را در جمله های مناسب به کار ببرید:
- مواد مخدر، تریاک، لابراتوار، افسرده گی، گوشه گیر.



درس بیستم

رابعه بلخی (شاعر و عارف قرن چهارم)



شاگردان عزیز،

در دروسهای گذشته با عایشه درانی و آثار و افکار او آشنایی حاصل نمودید. درسی را که اکنون می آموزید در باره شناسایی عارف و شاعر سده چهارم هجری است که در تاریخ ادبیات درسی به رابعه بلخی معروف است و نیز با اعداد اصلی آشنا می شوید. اکنون از شما پرسیده می شود که:

۱. با نام چند تن از شاعران زبان دری آشنایی دارید؟ نام ببرید.
۲. در کشور ما چرا تعداد شاعران کمتر از مردان اند؟

رابعه بلخی در میان شاعران زبان و ادبیات دری از شهرت خاصی برخوردار است. پدرش ((کعب)) نام داشت و از کارمندان بلند رتبه عصر سامانی بود که در سیستان، قندهار و بست حکمرانی می کردند. پدرش در آموزش و پرورش این شاعر توانا و جوان با علاقه مندی خاص توجه داشت. رابعه جوان با داشتن علم و کمال و جمال و سخنوری شهرت یافت. او معاصر رودکی سمرقندی ملک الشعراء زمان سامانیان است، اشعارش در حوزه ادبی خراسان آن زمان در کنار شاعران مشهوری چون شهید بلخی، ابو شکور بلخی و دقیقی بلخی علاقه مندان زیاد داشت. یکی از حوادث مهم در زنده گی رابعه، که در تاریخ ادبیات دری از شهرت بس بزرگ برخوردار است و نام او را در دل زمانه ها ماندگار و بلند آوازه ساخته، عشق نافر جام وی به بکناش غلامی از غلامان برادرش «حارث» بود که انجامش به عشق حقیقی بیوست و برادرش او را به بدگمانی به شهادت رسانید.

در باره ماجرای عشق رابعه و بکناش و اشعار دل انگیز و عاشقانه او نویسنده گان و سخنوران از جهات مختلف نگر بسته و بحث های زیادی در آن باره داشته اند. چنانکه عده بی او را شاعر شیفته حال و دلدادۀ عشق بکناش دانسته و با داشتن عشق مجازی متهم می کنند؛ ولی عده بی دیگر از عرفا و صوفیان عشق رابعه را نه از سر هوا و هوس؛ بلکه ناشی از غلیان عشق حقیقی الهی و لاهوتی معرفی کرده و آن را ستوده اند؛ قسمی که شیخ بزرگوار ابو سعید، شیخ فریدالدین عطار و مولانا عبدالرحمن جامی در آثار شان عشق رابعه را نه از گونه عشق مجازی، بلکه محبت واقعی و خدا جویانه خوانده اند و هم او را از سراینده گان نخستین اشعار عارفانه در ادبیات فارسی دری می دانند که متاسفانه از این شاعر عقیقه، اشعار اندکی در دسترس است و طی ادوار تاریخی از سوی هنر دوستان همواره مورد دلچسپی خاص قرار گرفته و از زبانی به زبانی و از سینه بی به سینه بی رمز نه می شده است.

نمونه کلام

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| چمن رنگ ارزنگ مانی گرفت | زبس گل که در باغ ماوی گرفت |
| که گل رنگ رخسار لیلی گرفت | مگر چشم مجنون به ابر اندر است |
| سرشکی که در لانه ماوی گرفت | به می ماند اندر عقیقین قحح |
| که بد بخت شد آنکه دینی گرفت | قحح گیر چندی و دنیا مگیر |
| نشان سر تاج کسری گرفت | سر نرگس تازه از زر و سیم |
| بنفشه مگر دین ترسی گرفت | چو راهبان شد اندر لباس کبود |

همچنان او زیبایی های طبیعت را چنین می ستاید:

| | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| زهی بادی که رحمت باد بر باد | فشانند از سوسن و گل سیم و زر باد |
| که جان افروذ خوش خوش درشجر باد | که در بارید هر دم درچمن ابر |
| ازین غماز صبح پرده در باد | گل خوشبوی ترسم آورد رنگ |
| عروس باغ را شد جلوه گر باد | برای چشم هر نا اهل گویی |
| چرا افگند گل را درسحر باد | عجب چون جسم خوشتر می رود خواب |



قواعد دستوری

اعداد اصلی

اعدادی را می گویند که خود اصل و اساس اعداد دیگر است، یعنی اعداد دیگر از اینها ساخته میشوند. اعداد اصلی عبارتند از: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد و هزار. این اعداد را ساده یا مطلق نیز گویند.



خلاصه درس

رابعه بلخی از شاعران و از چهره های درخشان ادب دری است. او دختر کعب از کارمندان بلند رتبه عصر سامانی محسوب می شود. رابعه در جوانی با داشتن علم، کمال، جمال و سخنوری شهرت خاص یافت.

وی معاصر ملک الشعراء رودکی سمرقندی بود. آنچه که نام او را بر آوازه ساخته است، عشق او به بکتاش نام، غلام برادرش حارت بود که عشق حقیقی و ملکوتی رسیده بود. برادرش به او بدگمان شد و او را به شهادت رسانید. رابعه اشعار دل انگیز و عاشقانه و عارفانه دارد.



بشنو و بگو

- شاگردان در بارهٔ ویژه گیهای اشعار رباعهٔ بلخی مباحثه کنند.
- شاگردان با مطالعهٔ درس رباعهٔ بلخی او را چگونه شخصیتی می پندارند؟
- چرا رباعهٔ بلخی توسط برادرش حارث به شهادت رسید؟

به دوستانت بگو

- این بیت چه معنی دارد؟
چو راهبان شد اندر لباس کبود
- بنفشه مگر دین ترسی گرفت؟

بخوان و بنویس

- شاگردان خلاصهٔ درس را نظر به برداشت خود در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان جمله های زیر را در کتابچه های شان بنویسند و خانه های خالی آنرا پر کنند:
 - رباعه به لقب _____ معروف است و او دختر _____ می باشد.
 - او هم عصر _____ و ملک الشعراء عصر سامانی بود.
 - رباعه بلخی اشعار _____ و _____ سروده است.

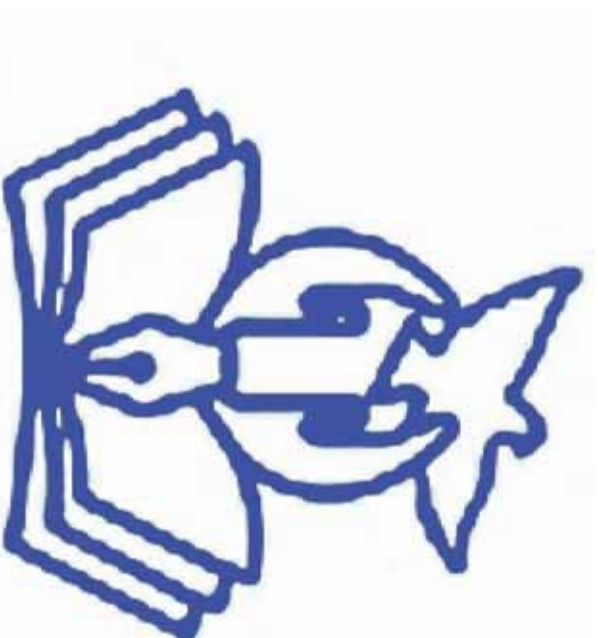


- شاگردان یک شعر از متن درس را در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان این ابیات رباعهٔ بلخی را حفظ کنند.
 - سر نرگس تازه از زر و سیم
 - نشان سر تاج کسری گرفت
 - چو راهبان شد اندر لباس کبود
 - بنفشه مگر دین ترسی گرفت



درس بیست و یکم

حقوق بشر



تفهیم «حقوق بشر» به شاگردان و تقویت مهارت های زبانی و آشنایی با اعداد ترتیبی، هدف درس را تشکیل می دهد.

هر انسان حق دارد از فیض علم و دانش بهره مند گردد، فردی که مکتب بروند، سواد می آموزد و دانش می اندوزد. پس طلب علم بر مرد وزن مسلمان فرض است.

چرا طفلی که به خاطر فقر نمی تواند در مکتب درس بخواند، حقوق بشری وی زیر پا شده است؟

قبل از آنکه سیر تاریخی حقوق بشر را به بحث بگیریم، لازم است که مفهوم حق را بدانیم. حق که جمع آن حقوق می باشد عبارت است از:

- نام خداوند (ج)
- جواز و صلاحیت
- طلب
- استحقاق
- ضد باطل

سرانجام حق آن واقعیتی است که فرد صاحب حق، مستحق دست یابی به آن باشد تمام افراد بشر به خاطر اینکه انسان هستند، صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب و تابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می باشند.

خداوند (ج) قبل از همه به انسان کرامت ارزانی نموده است. انسان حق زنده گی، آزادی، مالکیت، گشت و گذار، آزادی بیان در مساوات زیستن، عدالت در مورد خود را دارد. پس حقوق بشر مبین حق های طبیعی، شرعی و قانونی هر انسان می باشد.

حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر شامل حقوقی است که یکجا با زنده گی انسان گره خورده است. به عبارته دیگر حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن دانسته می شود.

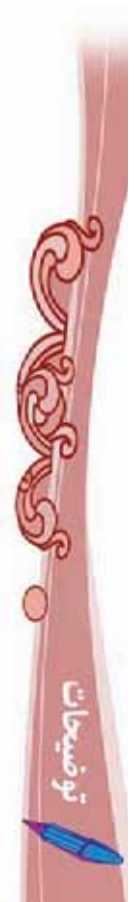
دین مقدس اسلام حقوق انسان را در عرصه های مختلف پشتیبانی نموده است. خداوند (ج) به انسان کرامت اعطا نموده است. از اینرو انسان برخوردار از حق کرامت می باشد. با ظهور دین مقدس اسلام دیگر نه عرب بر غیر عرب، نه سیاه بر سفید و نه سفید بر سیاه برتری دارد؛ بلکه معیار برتری صرف بر تقوا و پرهیزگاری است. بعد از اسلام کسی حق نداشت تا دختران خود را در فدای تولدش زنده به گور کند، زن نیز انسان است و بنده خدا (ج) می باشد.

تبارز حقوق بشر

بعد از دو جنگ جهانی صرف نظر از سایر خسارات، اضافه از ۵۵ میلیون تلفات انسانی را با

خود داشت که تا اکنون تلافی آن به بسیاری از کشورها دشواری‌های مختلف را خلق نموده است. سرانجام در دهم دسامبر (۱۹۴۸م) اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در قصر شاپلوی پاریس در کشور فرانسه به خاطر حقوق بشر اعلامیه جهانی را در (۳۰) ماده به تصویب رسانید که در واقعیت امر به خواست میلیون‌ها انسان کوه زمین پاسخ منطقی بود. این اعلامیه با ۴۸ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. اعلامیه جهانی حقوق بشر به زبان‌های مختلف کشورهای جهان ترجمه شده است. بعداً فهرست زبان‌هایی که این اعلامیه جهانی به آن ترجمه گردید نشر شد که رقم آن به (۷۰) زبان می‌رسید. به تعقیب اعلامیه جهانی حقوق بشر سه سند حقوق بشری دیگر نیز به تصویب رسید که تکمیل‌کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر به شمار می‌رود.

حقوق بشر روبه جهانی شدن می‌رود، طوری که دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در جریان تحولات بین‌المللی و پس از جنگ سرد در سال (۱۹۹۳م) که در شهر (وین) کشور اتریش تدویر یافت بیانگر این واقعیت بود که باشکرت (۱۷۱) کشور تدویر یافت در حالیکه در سال (۱۹۴۸) شمار کشورهایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا نموده بودند از ۴۸ کشور بالا نمی‌رفت. ناگفته نباید گذاشت که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر چهار ستون مستحکم استوار بوده که عبارت از اصل‌های «آزادی، برابری و نفی تبعیض» است. و این چهار ستون در برگزیده حقوق و آزادی‌های شخصی، حقوق فرد در مناسباتش با گروه‌های اجتماعی و دنیای بیرونی، آزادی‌های معنوی و حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.



- حقوق مدنی: حقوقی است که شهروندان به موجب قانون اساسی و سایر قوانین دیگر هر کشور از آن برخوردارند. آزادی بیان و حق رأی از جمله حقوق مدنی به شمار می‌رود.

- آزادی بیان: یعنی هر فرد حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماید.



اعداد ترتیبی

عدد ترتیبی که عدد وصفی یا عدد توصیفی هم گفته می شود عبارت از آن نوع عدد است که نمایشگر درجه و مرتبه معدود (چیز شمار شدنی) یا موصوف می باشد عدد ترتیبی یا وصفی دارای پسوند های / - ام / - امین / و / - این / می باشد، مانند:

| | | | | |
|---|-----|------|-----------|---|
| - | م | دو | - دوم | مزل دوم اپارتمان. |
| - | مین | چهار | - چهارمین | چهارمین بار است که او این جا می آید. |
| - | بن | اول | - اولین | اولین باریست که وی از کنار موضوع می گذرد. |
| - | وم | سه | - سوم | سوم نمره شده بود. |
| - | یم | سی | - سی یم | سی یم روز ماه هم غیر حاضر شده بود. |



حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن می باشد. افراد بشر به خاطر اینکه انسان هستند صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب و تابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می باشند. این اعلامیه دارای چهار ستون می باشد که در این چهار ستون حقوق و آزادی های شخصی حقوق فرد با گروه های اجتماعی، آزادی های معنوی، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شده است.

عدد ترتیبی را توصیفی نیز می گویند و عبارت از عددی است که نمایشگر درجه و مرتبه معدود یا موصوف خود می باشد؛ مثلاً: اولین روز، هزارمین شب، صدم مرتبه و...



بشنو و بگو

- حقوق را تعریف کنید.
- دین مقدس اسلام در مورد حقوق بشر چه گفته است؟
- اعلامیه جهانی حقوق بشر چه وقت وبوسیله کدام ارگان تصویب شد؟

جمله های زیر را بشنوید و اعداد ترتیبی آنرا به حافظه بسپارید.

- اسد وخواهرش اولین بار است که پنجمین سالگرد تولدشان را جشن گرفتند.
- گاللی در سومین طبقه آپارتمان زنده گی می کند.

شاگردان اجرا کنند

- درباره حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تبارز حقوق بشر دو نفر نزدیک تخته رفته به سؤال و جواب بپردازید.
- متن درس را دوشاگرد در نزدیک تخته صنف بخوانند.

بخوان و بنویس

- این کلمه ها املا گفته شود: صلاحیت، ضد، باطل، تحفه الهی، اعطاء معیار، خسارات.

جا های خالی را پر کنید

- حقوق بشر حقوقی است که یکجا با... انسان گره خورده است.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر با (۳۸) و (۸)... به تصویب رسید.
- عددیکه نمایشگر درجه ومرتبه... باشد، ترتیبی گفته می شود.
- هر شاگرد در کتابچه های خود تعریف حقوق بشر را بنویسد.
- صحیح ترین پاسخ ها را بانوشتن (ص) انتخاب کنند:
حق به معنای ذیل می باشد:
الف - ضد باطل () ب - استحقاق ()
ج - طلب () ج - هر سه صحیح است ()



- شاگردان، آنچه از درس (۳۱) فهمیده اند، با ادبیات خود بنویسند و به ساعت بعد آنرا در مقابل صنف بخوانند.



درس بیست و دوم

ضرب المثل ها



شاعران عزیز،

در درس های گذشته در مورد نصایح و اندرز ها که توسط بزرگان و دانشمندان برای راهنمایی مردم گفته شده بود چیز هایی دانستید، و درس جدید در مورد ضرب المثل ها است که ضرب المثل ها نیز توسط بزرگان و دانشمندان گفته می شود و از جمله موضوعات فاکلوری (فرهنگ و دانش عامیانه) است. همچنین با عدد ترکیبی آشنا می شویم.

می توانید یکی دو ضرب المثل عامیانه بگویید ؟

ضرب المثل عبارت از مفاهیمی است که مردم در لحظه های خوشی و سرور و به هنگام خسته گی های زنده گی آن را به زبان می آورند که در آن پند و اندرز و نصیحت هایی که رسا و بلیغ از حکمت می باشد، موجود است. از آنجا که ضرب المثل در کلماتی لفظ و رسایی معنی، کنایه و تشبیه نقش عمده دارد، آرا نسبت به دیگر انواع سخن برتر و کوتاه تر دانسته اند. هم چنان مقصود از استعمال ضرب المثل، همانا پیدا نمودن استاد و پستوانه برای سخنان خود گوینده است؛ تا مطالبش را موجه جلوه دهد.

ضرب المثل نوع معلوم و مشهور آفریده های مردم است. این نوع هم در گفتار و هم در نوشتار به کار گرفته می شود. ضرب المثل ها جهت های گوناگون روابط انسان ها را بازتاب می دهند؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست.

- بزدرغم جان کندن و قصاب در غم چربو.

- آب اگر از سر پرید چه یک نیزه چه صد نیزه.

- مزین بر دروازه کسی با انگشت که نزنند به دروازه ات با مشت.

این ضرب المثل ها نتیجه سال ها تجربه و مشاهده زنده گی عامه است. این ها همه در حکمت، دانش، فضل و خرد، جهانی بینی مردم، تبلور و بازتاب یافته و گره خورده است. در این ضرب المثل ها تجارب زنده گی اجتماعی و تاریخی مردم به طور عبرت انگیز بیان می شود.



در توضیح ضرب المثل (مزن) به دروازه کسی با انگشت که نزنند به دروازه ات با مشت) باید گفت: به کسی ضرر کم هم نرسان که برایت ضرر زیاد نرساند.

قواعد دستوری

عدد ترکیبی

به اعدادی گفته می شود، که از ترکیب دو عدد تشکیل شده باشد؛ مانند: دوازده، بیست و چهار، شصت، دوهزار، چهل و پنج.



ضرب المثل سخنان کوتاه، مؤخر و پند آمیز است که مردم در لحظه های خوشی و یا هنگام خسته گی به زبان می آورند. گوینده ضرب المثل را برای پشتوانه یی سخنان خود به کار می برد. در ضرب المثل ها جهت های مختلف حیات انسان ها، بازتاب داده می شود؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست
 - بزدغم جان کندن وقصاب در غم چربو
- این ضرب المثل ها نتیجه سالها تجربه زنده گی است.



فعالیت‌ها

بشنو و بگو

- شاگردان نخست به صورت دسته جمعی به متن درس که از طرف معلم خوانده می شود گوش فرا دهند و سپس جمله های اساسی و حیاتی آنرا از متن استخراج و به نوبت در صنف ارائه کنند.
- شاگردان درباره مفهوم اساسی ضرب المثل با همدیگر بحث و گفتگو نمایند.
- ضرب المثل ها چگونه صنایع بدیعی را دارا می باشند.

بخوان و بنویس

- شاگردان خلاصه درس را به عبارات خود در کتابچه های شان بنویسند.
- شاگردان جمله های زیر را در کتابچه های شان بنویسند و جاهای خالی را پر نمایند.
- ۱. ضرب المثل سخنان () است که مردم در لحظه های خوشی () می آورند.
- ۲. ضرب المثل ها جهت های مختلف حیات () داده می شود.
- ۳. دشمن دانا () از () بزد تر غم () و قصاب در غم ()



کارخانه می

- هر یک از شاگردان حداقل پنج پنج ضرب المثل را پیدا کرده در صنف ارائه دارند.



درس بیست و سوم

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته با چند شاعرزبان دری ونمونه های کلام آنان آشنا شدید، در این درس با شاعر دیگری به نام ملک الشعراء استاد بیتاب آشنا می شوید، وخواهید دانست که او در کجا به دنیا آمده، چگونه به سرایش شعر پرداخته، موضوعات شعری او را چه تشکیل می دهد و در عصرش اوضاع شعر و ادبیات چگونه بوده است؛ همچنان با اعداد کسری آشنا می شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. خواندن اشعار و دانستن افکار او برای ما چه فایده دارد؟

۲. لقب «ملک الشعراء» چه معنی دارد و برای چه کسانی داده می شود؟

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب، عالم، فاضل و ادیب کشور در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در قصاب کوچه شهر کابل دیده به جهان گشود. پدرش ملا عبدالاحد نام داشته و به شغل عطاری امرار معاش می کرد. بیتاب در سن هشت سالگی پدر را از دست داده و تحت سرپرستی ماما هایش ملا عبدالغفور آخندزاده و ملا عبدالله خان که یکی از عالمان معروف آن زمان بودند قرار گرفت. استاد بیتاب بعد از فراگیری علوم دینی، منطق، ادبیات دری و عربی در جوانی به صفت معلم در یکی از مکاتب ابتدایی کابل شروع به تدریس نمود. سپس مدت هژده سال در فاکولتۀ ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل بحیث استاد زبان و ادبیات دری وظیفه اجرا نموده و در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به حیث سناتور در پارلمان انتصاب شد. ایشان مدت پنجاه و یک سال از عمر خویش را در تربیۀ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی و عرفانی سپری کرده و با شوق و علاقتۀ فراوان آنها را یاری رسانیده اند. در سال ۱۳۳۱ خورشیدی لقب پر افتخار «ملک الشعراء» را کسب نموده و نیز در همین سال رتبه علمی «پوهاند» را به دست آورد.

استاد بیتاب در فن شاعری شاگرد ملک الشعراء قاری عبدالله بود. سروده هایش در ساده گی و روانی دلپذیری خاصی داشت. از انواع سخن به غزل، قطعه و مخمس علاقتۀ بیشتر داشته و در همه این قالبها طبع آزمایی نموده است. وی در سروده هایش بیشتر موضوعات آزادی خواهی، نوع پروری، وطن دوستی و صلح جویی را گنجانیده است؛ همچنان به مسائل اخلاقی، تربیوی، نضایح و اندرزها در شعرش تاکید فراوان شده است. او تفاق، دو روئی، بیکاری، تن پروری و غفلت را همه جا در شعرش نکوهش کرده است.

بیتاب بهترین ابام زنده گی خویش را در تألیف و تدوین آثار گرانمایۀ ادبی صرف کرد و آثاری؛ مانند: دستور زبان، بدیع، بیان، معانی، عروض و قافیه را از خویش به جا گذاشت که کارنامه های علمی این استاد گرانمایه در گنجینه فرهنگی ما جایگاه جاویدان خواهد داشت.

بالاخره استاد بیتاب در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به عمر ۸۲ ساله گی در کابل وفات یافته و در شهیدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

مرغ و قفس

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| به دست طفل شوخی شد گرفتار | قفصا را مرغک بیچاره زار |
| فرزوده دانه و آبی برایش | به زندان قفس بنمود جایش |
| ولی مرغک تأسف بیش می کرد | مراعاتش چو جان خویش می کرد |
| نیاسودی دمی از شور و افغان | به یادش آمدی چون باغ و بوستان |
| فغان و ناله و فریاد می کرد | چو از یاران گلشن یاد می کرد |
| فراغ البال می باید ترا زیست | کسی گفتش که این شور و فغان چیست |
| که می باشد ستونهایش محلا | خدایت خانه یی داده است زینجا |
| دگر بهر چه دایم بیقراری | ز خورد و نوش هم آمده داری |
| مراهم لیک عذری هست معقول | بگفتا هست حرفت جمله مقبول |
| که آسایش نه تنها آب و نان است | همیشه شور و فریادم از آن است |
| بود با این همه بر من چو زندان | قفس زینجا و آب و نان فراوان |
| که گردد صرف، عمرم در اسارت | مرا در زنده گی اکنون چه لذت |
| که بتوان زد به کام خود پر و بال | کسی اینجا بود آسوده احوال |
| به آزادیست باید پای بندی | اگر قیدی به عالم می پسندی |



غزل: کلمه غزل در لغت به معنای شوخی و عشق و زیندن است. چون این نوع شعر بیشتر مشتمل بر سخنان عاشقانه است، پس از نظر موضوع آن، را غزل نامیده اند، و در اصطلاح شعرای فارسی دری اشعاری است بر یک وزن و قافیه با مطلع. حد معمول و متوسط غزل پنج تا دوازده

بیت می باشد.

قطعه: کلمهٔ قطعه به معنای یک پاره ازهر چیزی است؛ چون این نوع شعر شبیه پاره بی از ابیات وسط قصیده است، پس آن را قطعه نامیده اند.

مخمس: نوعی از ترکیب بند است که مصراعهای آن کوچک و کوتاه باشد. چون تعداد مصراعها درین گونهٔ شعر به پنج مصراع می رسد، پس آن را مخمس نامیده اند. یعنی قسمت معینی از یک شعر که دارای پنج مصراع می باشد.



اعداد کسری

آن است که یک یا چند قسمت از عدد اصلی را بیان می کند؛ مانند: یک چهارم این سیب را به برادرت بده و یا: من نیم نان می خواهم. اعداد کسری دوفوع است:

۱. سماعی: آن است که مفهوم پاره بی از عدد صحیح را بیان کند؛ مانند: نیم، نیمه، نصف و نصفه.
۲. قیاسی: آن است که عدد اصلی را با متمم «یک» بیان کند؛ مانند: سه یک، چهار یک، ده یک، صد یک.

دروبان دری امروز، متمم را مقدم داشته عدد اول را به صورت ترتیبی به کار میبرند؛ مانند: یک سوم، یک چهارم، یک دهم، یک صدم.

توجه

اعداد توزیعی را با اعداد کسری اشتباه نکنید. فرق این دوفوع عدد آن است، که اعداد توزیعی برای تقسیم چند واحد سالم به کار میروند؛ مثلاً: چند واحد را پنج پنج یا شش شش تقسیم می کنیم. در حالی که اعداد کسری وقتی به کار میروند، که یک واحد را به چند جزء تقسیم نموده و بخواهیم آن را بین عده بی توزیع کنیم؛ مانند: $\frac{۱۳}{۷۳}$ (یک بر سه) واحد؛ یعنی: یک قسمت از سه قسمت.



ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب در قصاب کوچهٔ پل خشتی کابل در یک خانوادهٔ روحانی زاده شد. پرورش و آموزش وی را ماماهاش به دوش داشت. مرد قهرمان و با منانت بود و در شاعری بر پایهٔ ملک الشعرائی رسید. در فن شاعری شاگرد ملک الشعرا قاری عبدالله بود در اشعارش مسایل صلح جوئی، آزادی خواهی، نوع پروری و عواطف انسانی جا داشت؛ همچنان نکوهش نفاق، دشمنی، و دورویی در اشعار این شاعر نمایان است.



پشنو و بگو

- ملک الشعرا بیتاب کی بود و چه اندیشه داشت؟
- چرا استاد بیتاب را ملک الشعرا می گفتند؟
- در نمونهٔ کلام استاد بیتاب طفل به مرغک چه کرد؟
- در متن درس چند عدد آمده و از کدام نوع اعداد می باشند؟
- فرق بین اعداد کسری و اعداد توزیعی را بیان کنید. چه فکر می کنید که چرا مرغک شور و فغان می کرد، این موضوع را در گروه های چند نفری مورد بحث و تحلیل قرار دهید و نتیجهٔ تحلیل خود را به وسیلهٔ نمایندهٔ گروه در برابر صنف به دیگر همصنفان تان برسانید.

به دوستانت بگو

- شاعر گرانمایه زبان دری در یک خانوادهٔ روحانی زاده شد.
- مدت پنجاه و یک سال از عمر خویش را در تربیهٔ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی

و عرفانی سبزی کرده است.

• درس‌روده های این شاعر بیشتر موضوعات آزادی خواهی، نوع پروری، وطن دوستی، صلح جویی دیده می شود.

بخوان و بنویس

- درمورد ملک الشعرا بیتاب پنج سطر بنویسید.
- سه بیت اخیر نمونه کلام شاعر را بخوانید و در کتابچه های خود بنویسید.
- سه جمله را از متن بیرون نویس نمایش دهید که در آن ها عدد آمده باشد.

جاهای خالی را پر کنید

- استاد عبدالحق بیتاب در فن شاعری شاگرد..... بود.
- مرا در..... اکنون چه لذت
- که گردد صرف، عمرم در.....



- شاگردان شعر مرغ و قفس را در کتابچه های خود بنویسند.



سبزی ها



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته در مورد زراعت (کشاورزی) موضوعاتی را خواندید و می دانیم که کاشتن سبزی ها بخش مهم زراعت و کشاورزی را در کشور ما تشکیل می دهد. شناخت انواع مختلف سبزی ها، فواید و اهمیت آن از نکات برجسته درس است. همچنین با عدد توزیعی آشنا می شویم.

۱. چند نوع سبزی را که روزمره از آن ها استفاده می کنید نام ببرید ؟
۲. سبزی ها شامل چه چیز ها می شود ؟

انسان ها و حیوان ها جهت ادامه زنده گی خویش به سبزی ها ضرورت دارند. چگونه گی آب وهوا در رشد ونموی سبزی ها اثر بخش اند. هر منطقه نظر به داشتن اقلیم معین، دارای سبزی های مخصوص به خود می باشند. درسر زمین های گرم و خشک، سبزی کمتر می روید. درسر زمین های بارانی و گرم انواع گوناگون سبزی رشد ونمو می کنند. درمناطق معتدل سبزی های دیگری می رویند. درسرزمین های سرد و کم حرارت سبزی های کمتری سبزی می شوند. بدین ترتیب در اقلیم های گوناگون اقسام مختلف سبزی ها ومیوه ها می رویند و رشد ونمو می کنند.

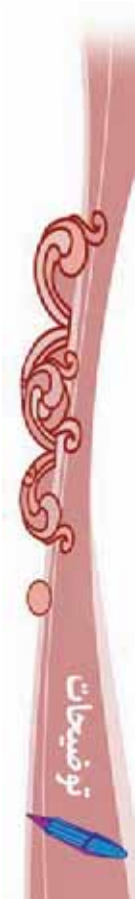
سبزی ها شامل غله ها، میوه ها وترکاری می باشند. بخش زیادی ازغذای انسان ها را حیوان های علفخوار می سازند. سبزی ها دارای مواد نشایسته، قند های مختلف، پروتئینها، ویتامین ها و سلولوز ها می باشند. سبزی ها هم به گونه پخته وهم به صورت خام مورد استفاده انسان قرار می گیرند.

گندم، جواری، جو، برنج، ارزن، لوبیا، نخود، ماش، عدس، جودر وغیره دارای پروتئین ها و ویتامین های زیادی می باشند. کنجد، شرشم، گل آفتاب پرست، زغر، پنبه دانه، زیتون وجواری نباتات روغنی استند که از آنها روغن نباتی به دست می آید. کچالو، بادنجان رومی، کاهو، بادرنگ، تره، پیاز، گشنیز، کدو های مختلف، بادنجان سیاه، ترابی، ملی سرخک، ترب، ترانتریک، گندنه، پالک، نعناع وغیره سبزی هایی اند که بعضی از آنها به طور پخته وشماردیگر شان به گونه خام استفاده می شوند. خربوزه وتربوزه میوه هایی استند که همه ساله کشت می شوند و بهره می دهند. انواع مختلف خربوزه وتربوزه در ولایات شمالی کشت می شوند. در ولایت های هلمند وقندهار نیز تربوزه و خربوزه بهره میدهند. برخی از میوه ها به کشور های همسایه و خلیج نیز صادر می شوند.

چون افغانستان در ولایات مختلف دارای اقلیم متنوع است، اقسام گوناگون سبزی ها در این کشور رشد ونمو می کنند. کوه های هندوکش و بابا کشور را به دو بخش شمالی وجنوبی تقسیم کرده است. ولایات شرقی، جنوبی و جنوب غربی که به موازات خط دیورند موقعیت دارند، از هوای مرطوب و بارنده گی های نیم قاره هند بهره مند می گردند. از این رو آنها بیشتر

آب وهوای مرطوب و گرم دارند و در زمستان نیز سبزی در آنجا ها رشد ونمو می کنند. کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، قندهار، ارزگان، زابل، فراه و هلمند از این شمار اند. ولایات مرکزی چون کابل، پروان، کاپیسا، بامیان، لوگر، میدان، وردک، غزنی، غور، بادغیس در زمستان سرد و در بهار و خزان معتدل و در تابستان گرم می باشند. در آنجا اقسام سبزیها و بعضی میوه ها کثت می شوند.

در ولایات شمالی و شمال شرقی چون بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل و قاریاب چون تابستان گرم و زمستان سرد، بهار و خزان معتدل دارند، سبزی های گوناگون می روید. زمستان در برخی از این ولایات کوتاه و در برخی دیگر شان دراز است. از این رو در بعضی جاها سبزی ها دیرتر می رویند. در کابل و ولایات سرد سیرسبزی های تازه را از ولایات گرمسیر چون لغمان، جلال آباد، کنر، قندهار، هلمند و کشور پاکستان در زمستان وارد می کنند. بعضی از سبزی ها کثت نمی شوند؛ بلکه به صورت خودروی در کوهها و دره ها موجود اند، مردم جمع آوری می کنند و به فروش می رسانند. از سبزی ها داروهای گوناگون ساخته می شود، شماری از آنها به صورت خوراکی استفاده می گردند. زیره یکی از سبزی هایی است که در کشور و خارج از آن مورد استفاده قرار می گیرد و به صورت طبیعی در دره ها و کوه ها می روید. شیرین بویه، کوز (لنگوتی) شیر ینکاه، زسرك، خاکشیر، کاسنی، جوانی بادیان از این شمار اند. سیج، رواش، چکری، تاران، قرنه قوزی و سمارق ها سبزی های اند که در فصل بهار در کوه ها سبز می شوند و در این سالها به نسبت خشکسالی ها، بسیاری از این سبزی ها از میان رفته و یا ساحة رشد شان کاهش یافته است. لازم است تا وزارت زراعت ومالداری درمورد تکثیر، ترویج و نگهداری این نباتات مساعی همه جانبه به خرج دهد؛ زیرا افزایش این محصولات در عنای اقتصادی مردم و کشور اثر مثبت دارد.



سلولوز: جسمی است جامد، سفید، بی بو و بی طعم شبیه به نشاسته، در آب حل نمی شود، به حالت طبیعی در سلول های نباتات وجود دارد و مهم ترین عنصر ساختمان گیاههاست.

زیتون: نوعی از درخت است و سبزی نیست. میوه آن به گونه سلول مورد استفاده قرار می گیرد و روغن زیاد دارد. روغن آن کشیده می شود و در غذا به مصرف می رسد. کشورهای خلیج: در اطراف خلیج فارس کشور هایی موقعیت دارد؛ چون . ایران، دومی، رأس الخیمه و مسقط از آن شمار اند.

قواعد دستوری

عدد د توزیعی

آن است که برای تقسیم واحد ها به نسبت معین، به کار می رود؛ مانند: چهار چهار و پنج پنج، مثال: این سیب ها را بین پروین، حسن و بهرام چهار چهار یا پنج پنج دانه تقسیم کنید.

خلاصه درس

سبزی ها از شمار مواد ضروری، خوراکی انسان ها و حیوان ها می باشند که هم به گونه خام و پخته مورد استفاده انسان ها قرار می گیرند. بعضی از سبزی ها در دشتها و کوهها به شکل

طبیعی می رویند؛ ولی اکثر شان در زمین های زراعتی کشت می شوند. شماری از سبزی ها برگ های شان واز تعداد دیگر از ریشه های شان و از گروه سومی ساقه ها و میوه های شان مورد استفاده قرار می گیرند. بعضی از سبزی ها خصلت دارویی دارند و به امراض گوناگون شفا بخش اند.



بشنو و بگو

- سبزی ها دارای کدام مواد می باشند ؟
- سبزی ها شامل چه چیزها می باشند ؟
- سبزی ها چند نوع اند و چگونه مورد استفاده قرار می گیرند ؟
- کدام میوه ها شامل سبزی اند ؟
- سبزی های دارویی را نام بگیرید ؟

به دوستانت بگو

- انسان ها و حیوانات برای ادامه زنده گی به سبزی ها ضرورت دارند.
 - سبزی ها شامل غله ها، میوه ها و ترکاری ها می باشند.
 - سبزی ها دارای ویتامین های زیاد از قبیل پروتین ها، قند ها و نشیاسته می باشند.
- چون افغانستان دارای اقلیم مناسب است؛ بنا بران انواع گوناگون سبزی ها و میوه ها در این کشور رشد و نمو می کنند.

• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و دربارهٔ انواع مختلف سبزی‌ها و میوه‌ها و فواید آن‌ها برای صحت و همچنین اقتصاد کشور با همدیگر بحث و گفتگو نمایند. در آخر نمایندهٔ هرگروه در برابر صنف خلاصهٔ بحث گروه خود را بیان نماید.

بخوان و بنویس

- درس را در گروه‌ها خاموشانه بخوانید.
- هرگروه یک بخش از درس را با لحن و آهنگ مناسب و با صدای بلند در صنف بخوانند.
- هر شاگرد دو یا چند سبزی را در صنف با صدای بلند نام بگیرد.
- هرگروه مورد استفادهٔ یک سبزی را در صنف شرح دهد.
- شاگردان سبزی‌هایی را که در محیط زیست شان بیشتر یافت می‌شود نام نویس کنند و در صنف بیان نمایند.

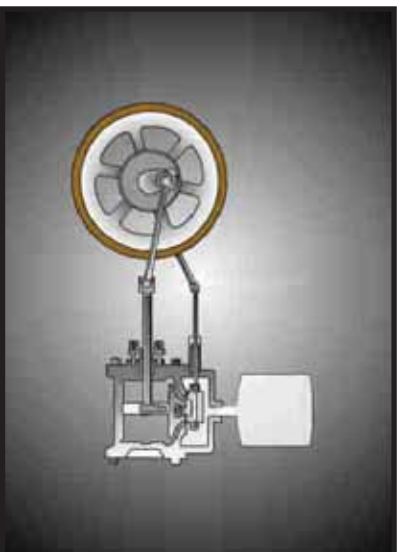


- شاگردان سبزی‌هایی را که در افغانستان اهمیت اقتصادی دارند وبه خارج صادر می‌گردند در چند سطر معرفی کنند.
- شاگردان نباتات طبی (گیاهان دارویی) وطن ما را تا جایی که آشنایی دارند نام نویس کنند و به کمک والدین شان خواص درمانی آنها را در کتابچه‌های خود یادداشت نمایند و در صنف به دیگران بخوانند.



درس بیست و پنجم

اختراعات و اکتشافات



شاگردان عزیز،

چنان که مشهور است: «ضرورت و احتیاج، مادر ایجاد است.» انسان از بدو پیدایش و آغاز زنده گی مشترک خود تا کنون به غذا، لباس و محل بود و باش ضرورت دارد. روی همین ضرورت بود که انسانها وسایل ابتدایی کار، مانند: بیل، تبر، کتله، تیر، قله و دیگر چیزها را ساختند و به کمک همین وسایل توانستند که با محیط توافق نموده واز منابع وسیع طبیعت به نفع خود استفاده کنند؛ اما با وجود این همه کارها و موفقیت ها تا وقتی که زمیئه انقلاب صنعتی بزرگ جهان مساعد نشده بود در زنده گی انسان ها تغییرات بزرگی به وجود نیامد. با اختراع نخستین ماشین بخار، زمیئه یک تحول بزرگ در زنده گانی بشر رونما گردیده و انقلاب صنعتی جهان از همان نقطه آغاز یافت. همچنان با واحد های شمارش آشنا می شوید. اکنون شما بگویند که:

۱. از نظر شما اختراعات و اکتشافات چه اهمیتی دارند؟
۲. اختراعات و اکتشافات در زنده گی ما چه نقشی را بازی می کنند؟

شاید نیم میلیون سال پیش بود که انسان‌های نخستین آتش را کشف کردند. پیش از این کشف آدمی، بنه‌ها و جنگل‌هایی را که بر اثر صاعقه یا توفان به آتش کشیده شده بود، دیده و از برابر آنها گریخته بوده است؛ اما کشف آتش به عنوان یک منبع انرژی بشر را قادر ساخت که دربارهٔ مزایای آن اندیشیده و برترس غریزی خود چیره شود. پس از کشف آتش او توانست با سوزاندن چوب و افروختن آتش، مامن خود را روشن و گرم کند. با این که کشف آتش و استفاده از چوب به عنوان اولین انرژی، مهم‌ترین کشف تاریخ بشری محسوب می‌شود؛ ولی طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم کردن خود، ایجاد روشنی در شب، و گداختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.

در قرون وسطی، انسان مادهٔ دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد. برای اولین بار در سال ۱۶۱۸ میلادی جان تاردیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد. پس از آن بازهم انسان این ماده را به خدمت گرفته و توانست که با استفاده از آن علاوه بر گداختن فلزات و ساخت شیشه و سفالینه، ماشین بخار را اختراع کند. در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد. در این ماشین مصرف سوخت باعث می‌شد که چرخهای ماشین به حرکت درآمده و کار کند. بدین ترتیب جای نیروی عضلات انسان را به تدریج ماشین گرفت و راه رسیدن به دنیای جدید را هموار کرد.

از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان انرژی برای راه اندازی کشتی‌های عظیم الجثه، ریلها و قطارها و نیز فابریکه‌های صنعتی استفاده شد و بالاخره انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی زغال سنگ را جانشین نیرو و زور بازوی آدمی کند.

استفاده از نیروی زغال سنگ در ماشین‌های بخار اگر چه در قرنهای گذشته برای تولید نیرو به مقدار زیاد و مداوم بسیار مناسب بود؛ اما بشر به دنبال کارآفرایی بود تا کارهایی انجام دهد که از عهدهٔ بخار بر نمی‌آید.

در دههٔ ۱۸۴۰ میلادی دانشمندی انگلیسی به نام «ژول» اندازه‌گیری‌های بسیاری در این مورد انجام داد. او با شکلهای گوناگون انرژی مثل نور، صوت، حرکت، گرما، برق و مغناطیس کار کرده و انرژی را از شکلی به شکل دیگر و از جایی به جای دیگر تبدیل و منتقل می‌ساخت. چون متوجه

شده بود که در همهٔ این تغییرها و چابجایی‌ها مقدار کل انرژی هیچ وقت تغییر نمی‌کند. سالها پس از آن «ادیسن» باتکمیل فرضیات و آزمایشهای دوامدار خود به تولید برق و به منبع عظیم انرژی الکتریکی دست یافته و با انجام فرضیه‌ها و نتایج تکمیلی خویش توانست هم برق را در خدمت جامعه قرار دهد و هم به آرزوی صد هزار سالهٔ بشر که تبدیل شب به روز بود دست یابد که به کمک آن هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و... اختراع شده و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.



- طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم کردن خود، ایجاد روشنی درشب، و گذاختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.
- برای اولین بار در سال ۱۸۱۶ میلادی جان تادیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد.
- در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.
- از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان انرژی برای راه اندازی کشتی‌های عظیم الجثه، ریلها و قطارها و نیز فابریکه‌های صنعتی استفاده شد.
- به کمک نیروی برق هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و... اختراع شده و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.



واحدهای شمارش

معمولاً برای معدودهایی که قابل توزین و شمارش هستند، پس از عدد الفاظی می آورند که دلالت بر اندازه و مقدار می کند؛ مانند: سه خروار چوب، پنج سیر برنج، هفت کیلوگوشت.

نویسنده گان قرنهای اخیر الفاظی را برای بیان معدود و تمیز آن وضع کرده اند، که قرار ذیل است:

- | | |
|---|---------------|
| □ جانوران اهلی؛ مانند: گاو، بز و گوسفند. | □ رأس برای |
| □ جانوران وحشی؛ مانند: شیر، پلنگ و نیز برای سگ و پشک. | □ قلاده برای |
| □ انواع ماشین آلات. | □ دستگاه برای |
| □ لباسهایی که جفت هستند؛ مانند: بوت، جراب و دستکش. | □ جفت برای |
| □ قالین، گلیم و نم. | □ تخته برای |
| □ اسلحهٔ ثقیله؛ مانند: تانک، توپ و نیز برای موتر. | □ عراده برای |
| □ اشیای مدور؛ مانند: فلم، انگشتر و سی دی | □ حلقه برای |
| □ مطبوعات؛ مانند: روزنامه، جریده و مجله. | □ نسخه برای |
| □ سایر اشیای قابل شمارش؛ مانند: قلم، گلدان و چهارمغز. | □ دانه برای |
| □ گل و گیاه. | □ دسته برای |
| □ کشتی و انواع طیاره ها. | □ فروند برای |
| □ انواع گلوله، به جز از گلوله ی توپ | □ تیر برای |
| □ اشیای همجنس و همانند، متشکل از یک بستهٔ شش | □ درجن برای |
| □ یا دوازده دانه؛ مانند: گیلان، بشقاب و نظایر آن. | |
| □ رادیو و تلویزیون. | □ پایه برای |
| □ حیوانات قابل توزین؛ مانند: گندم، جو و ارزن. | □ سیر برای |

- | | | | |
|---------------------------------------|------|-------|--------------------------|
| اشیای مدور؛ مانند: نان؛ تابلت. | برای | فرص | <input type="checkbox"/> |
| مسجد | برای | محراب | <input type="checkbox"/> |
| اسلحه‌ی تازیانه؛ مانند: تفنگچه، تفنگ. | برای | میل | <input type="checkbox"/> |
| انواع مریمه‌های اسلحه‌ی ثقيله و خفیه. | برای | فیر | <input type="checkbox"/> |
| | توپ | ضرب | <input type="checkbox"/> |



بشنو و بگو

• مهمترین کشف تاریخ بشری چیست؟

- قبل از آن که بشر زغال سنگ را کشف کند به جای آن از چه چیز و به چه مقصد استفاده می کرد؟
- در آغاز ماشین بخار برای چه مقاصدی استفاده می شد و بعدها از آن چه کار می گرفتند؟
- اختراعات و اکتشافات در تحول و تکامل جوامع بشری چه نقشی را ایفا می کنند؟ این موضوع را در گروه های چند نفری مورد بحث و تحلیل قرار دهید و نتیجه آن را از هر گروه یک نفر پیش روی صنف به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- پس از کشف آتش انسان توانست با سوزاندن چوب و فروختن آتش، مامن خود را روشن و گرم کند.
- در قرون وسطی، انسان ماده دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد.
- در سال ۱۷۶۴ میلادی، یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.
- به کمک برق هزاران وسیله دیگر؛ مانند: تلگراف، تیلیفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و تاریخ تمدن بشر را سرعت بخشید.

بخوان و بنویس

- متن را بخوانید و پنج چیزی را که با واحد های شمارش مطابقت می کند، بیرون نویس کرده در جمله استعمال کنید.
 - در مورد کلمه های اختراع و اکتشاف سه سطر بنویسید.
 - اختراعات جدیدی را که به یاد دارید فهرست نمایید.
- جاهای خالی را پر کنید**
- کشف..... و استفاده از..... به عنوان اولین انرژی، مهمترین..... تاریخ بشری محسوب می شود.
 - از..... ابتدا برای..... آب از..... یا..... استفاده می شد.
 - انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی..... را جانشین..... و..... آدمی کند.
 - به کمک..... هزاران وسیله دیگر؛ مانند: تلگراف، تلیفون، رادبو، تلوزیون، کمپیوتر و..... شده و..... بشر را سرعت بخشید.



- به انتخاب خودتان در مورد یکی از اختراعات دیگر مطلبی را پیدا نمایید و در صنف به دیگران بخوانید.



درس بیست و ششم

حادثهٔ ترافیکی

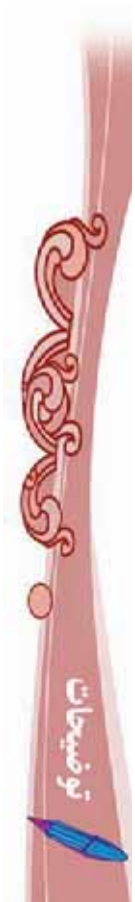


شاگردان عزیز!

- در درس گذشته راجع به اختراعات واکتشافات مطالبی را آموختید؛ اکنون موضوع بسیار مهم و حیاتی را که برای شاگردان مکاتب بسیار مفید است و در زنده گی روزمره بیشتر انسان ها با آن سروکار دارند. قواعد ترافیکی می باشد، آگاهی می یابید. در این درس به ضرورت نشانه گذاری در نگارش نیز آشنا می شوید. اکنون شما بگویند که:
۱. در بارهٔ قواعد ترافیکی چه می دانید؟
 ۲. آیا شاهد حادثهٔ ترافیکی بوده اید؟

ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دساتیر به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می‌ورزد. ترافیک در ممالک جهان قواعد و مقررات خاص خود را دارد، ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود که بر ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می‌باشد.

در افغانستان ترافیک شامل وسایط ترانسپورتنی: باربری، مسافربری، شخصی، دولتی و عابران پیاده رو می‌باشد. جاده‌های افغانستان در سال‌های قبل تأسیس گردیده بسیار خورده و کم عرض بوده و تکافوی ترافیک امروزی را نمی‌نماید؛ زیرا نفوس روز به روز زیاد گردیده به خصوص در شهر کابل نسبت به ولایات دیگر نفوس بی‌حد زیاد می‌باشد؛ از اینرو تمام مردم باید لوازیج و مقررات ترافیکی را بدانند؛ زیرا که همواره در بازارها و مارکیت‌ها جهت رفع مایحتاج خود رفت و آمد دارند. در جاده‌های شهر پیاده‌روها، چراغ‌های ترافیکی، علائیم و اشارات موجود می‌باشد. ما باید همواره قواعد ترافیکی را مراعات نماییم تا زنده‌گی ما از خطر مصون باشد. لازم است در این جا قصهٔ پسری بازرگوش را مطالعه نماییم و از آن بند گیریم. مسعود و محمود در یک مکتب شاگردان صنف هفتم بودند، محمود نسبت به مسعود پسر بازی‌گوش و بی‌پروا بود و به هدایات استادان خود کمتر توجه داشت و چندان به درس علاقه مند نبود. در یکی از روزها بعد از رخصتی مکتب به طرف خانه روان بودند، محمود بدون آنکه به چراغ‌های ترافیکی و پیاده‌رو توجه نماید داخل سرک عمومی شده و می‌خواست به طرف دیگر جاده برود، که ناگهان موتری به سرعت آمده و با محمود تصادم نموده و حادثهٔ بی‌ارابه بار آورد. درین حادثه پای راست و دست چپ وی شکست، این بی‌پروایی و توجه نکردن به قواعد ترافیکی باعث شد تا محمود در شفاخانه برای مدت زیادی بستر باشد و نسبت به دیگر هم‌صنفان خود از درس و تعلیم عقب‌ماند. مسعود به او گفت که: همیشه ترا نصیحت می‌نمودم که به درس هایت کوشا باش و مقررات مکتب را مراعات نما؛ اما به گفته‌های من معلم صاحب‌عمل نکردی و به این حالت رسیدی شاگردان مکتب همیشه دستور پذیر بوده، لوازیج و مقررات مکتب و ترافیک را مراعات نمایند تا به سرنوشت محمود دچار نشوند.



ترافیک: آمد و رفت، عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده رها.
ترانسپورت: حمل و نقل.

ضرورت نشانه گذاری در نگارش: نقطه گذاری از اواخر قرن ۱۹ به تقلید از نوشته های اروپایی در زبان دری رایج گردیده است. رعایت نقطه گذاری از یک سو به نویسنده کمک می کند که مطالب و مقاصد خود را به روشنی بیان دارد و از طرف دیگر به خواننده عادت می دهد که نوشته را به روش آسان تر و درست تر بخواند و منظور نویسنده را بهتر و روشن تر درک کند. ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دستاير به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می ورزد.

ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود پیروی نموده بالای ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می باشد.

چراغ های ترافیکی: که در دو طرف دهلیز ترافیکی قرار دارند و جریان عبور و مرور را برای عابران پیاده رو و وسایع نقلیه مشخص می سازد، دارای سه رنگ است: زرد، سرخ و سبز. رنگ زرد حالت آماده گی را نشان می دهد. رنگ سرخ حالت توقف را هدایت می دهد و رنگ سبز امر می کند که عابران حرکت کنند.



نشانه گذاری و ضرورت آن

زمانی که یک شاعر با نویسنده مطلبی را می خواهد در قالب الفاظ بریزد، با احساس

پیچیده بی رو به رو می شود، همین احساس در مغز نویسنده وگوینده دارای حرکت ها و حالت های گوناگون می باشد، که روی کاغذ هم باید توسط نشانه ها و علائم انعکاس یابد. همین نشانه ها به نام های تنقیط punctuation نشانه گذاری یاد می شود. اختراع این علائم و نشانه ها، مانند بسیاری از علوم دیگر از مسلمانان است. حضرت عثمان (رض) زمانی که به توحید قرآن کریم مبادرت ورزیدند، کاتبان جهت رعایت درست خواندن آیات قرآنی، به یک سلسله علائم و نشانه ها چون: ستاره، هشت ضلعی، دایره کوچک، سه نقطه... دست زدند، که نمونه های آن در قدیمترین نسخ قلمی قرآن که در زمان حضرت عثمان (رض) به روی پوست آهو نوشته شده در موزیم ها مشاهده می شود، که از جمله در موزیم ملی سوریه زیر شماره ۱۶۲۸ به ثبت رسیده است. نشانه ها و علائم به مرور ایام دچار تغییرات و تحولات گردیدند، که نمونه آن امروز در نسخه های متداول قرآن کریم به شکل حروف: ط، ج، ل، م... به چشم می خورد. علائم و نشانه های زبان عربی داخل زبان لاتین شد و از آن طریق بار اول در قرن نهم میلادی به اشکال و صور گوناگون، در زبان های اروپایی عرض وجود نمود. پس از گذشت چندین قرن، شکل منظم و پذیرفته شده را به خود اختیار نمود. بالاخره قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست از طریق زبان های اروپایی در نشر نوشتاری زبان ما راه یافت.

هدف مهم نشانه گذاری صراحت و وضاحت مفهوم جمله و عبارات است. کاربرد نشانه ها و علامات در نگارش غرض وقفه در آواز و بهتر فهماندن مقصود است. اگر در نوشته ها علائم نشان گذاری به کار گرفته نشود و با اینکه سهواً، اشتباه و فراموشی در استعمال کامله، سیمکولن، نقطه توسط نگارنده صورت گیرد، ممکن نوشته را بی معنی سازد.





ترافیک در هر کشور قواعد به خصوص خود را دارد. در جاده های شهر پیاده رو ها ، چراغ های ترافیکی ، علائم و اشارات موجود می باشد. ما باید لوايح و مقررات ترافیکی را بدانیم و مراعات نماییم تا زنده گی ما از خطر مصون باشد و مانند محمود که یک پسر بازی گوش و بی پروا بود و به چراغ های ترافیکی توجه نمی کرد از اثر همین بی پروایی تصادم نمود و دست و پایش شکست. دچار این مشکل نشویم.



پشنو و بگو

- مراعات نمودن قواعد ترافیکی در زنده گی روزمره چه اهمیت دارد؟
- در افغانستان چند نوع ترانسپورت وجود دارد؟
- چند نوع ترافیک را می شناسید؟
 - الف- هوایی ب - زمینی ج - بحری - هر سه درست است

شاگردان اجرا کنند

- دو یا سه شاگرد در باره قوانین ترافیکی نظریات خود را بیان نمایند.
- صنف را به دو گروه تقسیم نموده و هر گروه درباره قواعد ترافیکی بحث و گفتگو نمایند.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده، نکات مهم آنرا بیرون نویس نمایید و درباره قوانین ترافیک نظریات خود را بنویسید.
 - کلمه های جدید درس را در نتیجه های خویش نوشته و یاد بگیرید.
 - جاهای خالی را با کلمات مناسب پر نمایید؟
- در جاده های شهر..... پیاده رو و..... ترافیکی موجود می باشد.
- افغانستان دارای ترانسپورت..... و..... وجود دارد.

کارخانه گی



در باره فواید مراعات نمودن قواعد ترافیکی چند سطر بنویسید.





درس بیست و هفتم

ترحم بر حیوانات



شاگردان عزیز،

ترحم بر حیوانات و توجه جدی برای بقای نسل حیوانات وهمچنان آشنایی با پاراگراف هدف درس است،

۱. حیوانات برای انسان ها چه نفع می رسانند ؟

حیوانات اهلی د رکناز انسان ها زنده گی می کنند و برای آنها منفعت می رسانند. از این جهت حفاظت از حیوانات و جلوگیری از محو نسل حیوانات به حیث یک وظیفه در مقابل انسان ها می باشد. در قرآن کریم، این کتاب آسمانی بر ما امر و ارشاد شده است که بر حیوانات مهربانی و ترحم داشته باشیم و از آنها حمایت نماییم، از گوشت، شیر، پوست و پشم حیوانات حلال گوشت استفاده نماییم بعضی حیوانات در حمل و نقل انسانها را کمک می کنند.

خداوند (ج) بر کسانی که بر حیوانات شفقت نمایند و حیات حیوانی را نجات دهند، مهربان است و گناه های شان را عفو می کند.

در این شعر فصیح و شیرین شیخ سعدی می خوانیم که:

بدون از رمق در حیانتش نیافت
یکی در بیابان سگی تشنه یافت
چو جبل اندر آن بست دستار خویش
کله دلو کرد آن پسندیده کیش
به خدمت میان بست و بازو گشاد
به خرد داد از حال مگرد
که داور گناهان او عفو کرد

در حدیث شریف آمده است که حیوانات بر انسانها بیخ حق دارند.

۱- حیوانات را بیشتر از توان آن ها بار ننمایید.

۲- در جاهای مشکل آنها را مجبور به رفتن نکنید.

۳- به خوراک حیوانات رسیده گی نمایید.


۴- زمانیکه با یکدیگر رو به رو می شوید از مرکب های خود پیاده شده صحبت ننمایید.

۵- حیوانات را مورد اذیت قرار ندهید؛ زیرا که حیوانات نیز حمد خداوند (ج) را به جا می آورند. در گذشته ها با حیوانات بی رحمی صورت گرفته که نسل بعضی حیوانات کاملاً از بین رفته است و شماری هم از نزدیک محل زنده گی انسانها خود را دور کرده اند.

امروز نیز حیوانات با خطر های بزرگی مواجه می باشند و به خصوص زمانیکه خانه و محل بود باش حیوان تخریب می گردد. در جهان امروز همانطور که حمایت و ترحم بر حیوانات اهلی مهم پنداشته می شود، و بشیریت را مکلف به حمایت از حیوانات وحشی هم میدانند.

در افغانستان تا اکنون تقریباً ۱۲۳ نوع حیوان پستاندار و ۲۶۰ نوع پرنده شناخته شده است، که در آینده شاید به این رقم افزود گردد، زیرا اقسام دیگری از حیوانات در ارتفاعات هندوکش و دره


های بلند کوهستان های مرکزی افغانستان وجود دارند.



پاراگراف: پاراگراف چه در چاپ و چه در نوشته های گوناگون امروزی و چه در مکتوبهای رسمی و خصوصی بزرگترین اهمیت را داراست.

پاراگراف که نظر به سطر های دیگر، یک و نیم سانتی متر به داخل صفحه شروع می شود، گذشته از چاپ و تایپ در دست نویسی نیز اهمیت دارد.

پاراگراف را در صنف های درسی (سر سطر) و در مطبوعه ها شروع می گویند، هر پاراگراف که مفهوم جداگانه و مختص را به خود میباشته باشد، باید از سر سطر شروع شود. از نظر نشانه گذاری و تنقیط، هر پاراگراف مطالب کاملی را که متشکل از چندین فکر (چندین جمله) است، نشان می دهد.



ترجم بر حیوانات یک اصل انسانیت است، انسانها با در نظر داشت اینکه حیوانات هم مخلوق خداوند (ج) اند باید با آنها با شفقت و مهربانی برخورد نمایند. چون تمام حیوانات به ذات خود قدرت زیبای آفرینش خداوند (ج) را ثابت می نمایند، از حیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آنها جلوگیری به عمل آید، حیوانات اهلی برای انسانها مفید هستند.

پاراگراف در دست نویسی نیز اهمیت دارد که یک و نیم سانتی به طرف داخل صفحه شروع می شود، هر پاراگراف محتوای خاص خود را دارد.



بشنو و بگو

- حضرت محمد(ص) در مورد ترحم بر حیوانات به ما چه امر فرموده است؟
- در افغانستان تا کنون چند نوع حیوان شناخته شده است؟
- مفهوم درس را به زبان ساده بیان نمایید.
- پاراگراف چیست؟
- شاگردان در مورد اهمیت حیوانات اهلی در زنده گی انسان ها در گروه ها با هم گفتگو نمایند، یک شاگرد از هر گروه نتیجهٔ صحبت ها را به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- ترحم بر حیوانات یک اصل انسانیت است.
 - از حیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آنها جلوگیری به عمل آید.
- ### بخوان و بنویس

- متن درس را با آواز بلند بخوانید و کلمه ها را درست تلفظ نمایید.
 - در بارهٔ ترحم بر حیوانات مقالهٔ کوتاه بنویسید و در نوشتن، پاراگراف را در نظر بگیرید.
- ### جاهای خالی جمله های زیر را پر نمایید
- ۱- را بیشتر از توان آنها پر ننمایید.
 - ۲- حیوانات را مورد..... قرار ندهید.
 - ۳- به خوراک..... رسیده شود.
 - ۴- خداوند (ج) بر کسانیکه بر حیوانات..... مهربان است.



- یک خاطرهٔ تان را که بر حیوانی کمک کرده باشید و از کار تان خوشحال شده باشید در چند سطر بنویسید.



درس بیست و هشتم

حفظ محیط زیست



شاگردان عزیز،

در درس های گذشته د رمورد زراعت ورسبزی مصلی را آموختید، اکنون در این درس با طبیعت و چگونگی مراقبت از آن ، حفاظت محیط زیست،استفاده درست از طبیعت، و وظایف شاگردان در زمینه نگهداری محیط ماحول آشنا می شوید. همچنان کلمه، سیمی کولن و ندایه را نیزخواهید شناخت.

۱. چطور پاکیزه گی محیط زیست را رعایت کنیم؟
۲. استفاده صحیح از طبیعت یعنی چه ؟

محیط زیست (آب، خاک و هوا) یعنی محیطی که انسان و سایر موجودات در آن زنده گی می کنند. بشر از آغاز زنده گی آزاد آفریده شده تا در یک محیط سالم اجتماعی زنده گی نماید. محیط زیست در صحت و سلامتی ساکنان محل از اهمیت ویژه بی برخوردار می باشد؛ بنابراین همه مردم اعم از زن و مرد وظیفه دارند که در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند؛ به طور مثال: غرس درختان، کشت گل ها و سرسبزی چمن ها به آسانی صورت گرفته می تواند؛ اما آنچه مهم است نگهداری، آبیاری، حفظ و مراقبت آن هاست که این کار از یک سو به ذات خود برای صحت مفید است و از طرف دیگر موجب رضای خداوند (ج) می گردد. پس هر خانواده می تواند به تعداد اطفال شان در محیط خانه و کوچه خود درخت غرس نماید، وهریک از اطفال را در نگهداری و آبیاری درختان غرس شده موظف گردانند.

چنانچه آشکار است که غرس درختان، گل و گلکاری، سر سبز ساختن محیط اطراف خانه، کوچه ها، تفریحگاه ها، دکان ها، جای کار و... از یک سو سبب تأمین صحت و سلامتی هموطنان می گردد و از سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا و سر سبز می سازد. آلوده گی محیط زیست به دو طریق صورت می گیرد، یکی آلوده گی طبیعی و دوم تخریب توسط انسان هاست.

آلوده گی طبیعی مثل زلزله، سیلاب، خشکسالی، بلند رفتن درجه حرارت هوا، بارانهای دوامدار و غیره می باشد، دیگر آلوده گی که توسط تخریب انسان صورت می گیرد؛ مانند: قطع جنگلات، شکار حیوانات، تراکم نفوس، استفاده از گازها و نفت های بی کیفیت، تخریب تپه های سبز، فقر و تهی دستی، نبود جای مناسب برای زنده گی، افزایش وسایط ترانسپورتی و بسا عوامل دیگر که باعث خرابی و آلوده گی محیط زیست می گردد که برای انسان ها خیلی زیان آور است.

برای داشتن محیط زیست سالم چه باید کرد ؟

- ۱- محیط خانه خود را پاک نگهداریم.
- ۲- کثافات را در جای معین آن بیندازیم.
- ۳- جای نگهداری حیوانات را پاک نگهداریم.
- ۴- از شکستن شاخه های درخت ها و گل ها جلوگیری نماییم.
- ۵- نهال های جدید غرس نموده حفاظت، آبیاری و مراقبت نماییم؛ همچنان کارهای مناسب دیگر که در پاکیزه گی محیط زیست تاثیر دارد انجام دهیم.

بر علاوةٔ پاکیزه گی خانه باید در حفاظت محیط کوچمه، محل وشهر خود نیز سهم فعال داشته باشیم؛ مثلاً: پوست میوه ها، سبزی ها و دیگر اشیایی باطله را در جوی ها، پیاده رو ها، سرکها و محیط ماحول خویش نیندازیم. از سوختاندن موادی که سبب آلوده گی هوا می گردد؛ مانند: زاینر، پلاستیک وغیره جلو گیری کنیم وهمیشه در پاکی محیط خود کوشا باشیم تا وظایف همگانی، اسلامی و وطنی خود را به حیث یک شاگرد خوب انجام داده باشیم ویک محیط سرسبز، پاک و دور از هر نوع کثافت و آلوده گی داشته باشیم.



کامه یا ویرگل (،)

این نشانه جهت توقف کوتاه و خفیف در خواندن جمله از نظر تغییر صوت یا تصریح مفهوم است که در موارد زیر به کار برده می شود:

- هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوی هم بیابند باید توسط (و) عطف به هم پیوند یابند در همچو موارد (و) حذف می شود و به جای آن نشانه (،) گذاشته می شود، مانند: پ، چ، ژ و گ از حرف های خاص فارسی دری است.

- پیش از جمله هایی که شرح و تفسیر جمله ها و عبارت های پیشین باشند، گذاشته می شود؛ مانند: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطن دوست بوده همواره اندیشهٔ آزادی و استقلال خراسان را به سر می پرورانید. هر گاه جمله یی با یکی از واژه های بلی، نه، نی، خیر، درست و امثال آن آغاز شود از آن واژه کامه و در پی آن بقیهٔ جمله نوشته می شود.

مانند:

- بلی، من اشعار او را خواندم.
- نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.
- اما اگر این واژه ها تنها بیابند، پس از آنها نقطه گذاشته می شود؛ مانند:
- داستان را تمام کردی ؟
- بلی.

سیمی کولن (!)

- علامه وقف یا درنگی است که بیشتر از کامه و کمتر از نقطه باشد و برای جدا کردن فقره ها و جمله هایی که پی هم آیند و به هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند به کار گرفته می شود؛ مانند: از بد کرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می آید؛ راستان و نیکو کاران را دوست دارم.

نداییه (!)

این نشانه بر علاوة حالت تعجب در پایان جمله هایی که بیان کننده یکی از حالات شدید نفسانی و عاطفی است، به کار می رود، مانند: تعجب، تأکید، اخطار، تحسین، تحقیر، شک، آرزو و..... مانند:

خداوندا! مرا در انجام کار های نیک باری ده.
ای دوست! بیا تا غم فرادا نخوریم.



محیط زیست (آب، خاک و هوا) یعنی محیطی که انسان وسایر موجودات در آن زنده گی می کنند و حفظ آن در صحت و سلامتی ساکنان آن از اهمیت ویژه یی برخوردار است. آلوده گی محیط زیست به دو طریق صورت می گیرد، یکی طبیعی و دیگر توسط تخریب انسانها. برای اینکه محیط زیست سالم داشته باشیم باید محیط خانه، کوچه، محل و شهر خود را پاک نگهداریم و از آلوده شدن آن جلوگیری کنیم.



پشنو و بگو

- پیام این درس چه بود؟
- آلوده گی محیط زیست به چند طریق صورت می گیرد؟ توضیح دهید.
- به نظر شما پیشرفت در بخش ساینس و تکنالوجی در آلوده گی محیط زیست چه تاثرات را به جا می گذارد؟ توضیح دهید.
- برای داشتن محیط سالم و پاک چه باید کرد؟

به دوستانت بگو

- همه مردم اعم از زن و مرد وظیفه دارند تا در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند.
- غرس درختان، گل و گلکاری و سر سبز ساختن محیط خانه، کوچه، تفریح گاه، جای کار و غیره از یک سو سبب تأمین صحت و سلامت هموطنان می گردد و از سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا می سازد.
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و در باره راه های مفید برای پاکیزه نگهداشتن محیط زیست با یکدیگر گفتگو و بحث نمایند در آخر از هر گروه یک نماینده نتیجه گفتگو های گروه خود را به دیگران بیان کند.

بخوان بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید و نکات مهم آن را در کتابچه های خود بیرون نویس کنید.
- در مورد راه های مفید برای حفاظت محیط زیست سالم پنج جمله مناسب در کتابچه های خود بنویسید.

از چهار جواب یکی را تأیید کنید

- قطع جنگلات و تخریب تپه های سبز سبب
- الف: پاکی محیط زیست می گردد.
- ب : آلوده گی محیط زیست می گردد.
- ج : بقای حیوانات و نباتات می گردد.
- د : تأمین صحت سالم می گردد.



- شاگردان در مورد فواید محیط زیست سالم و این که چگونه آن را حفاظت کنیم پنج سطر در کتابچه های خود بنویسند.



واژه‌نامه



| | | |
|---------|----------|---|
| آ | آزاده‌گی | آزاد بودن، جوانمردی |
| آشکار | آشکار | نمایان، پیدا |
| الف | | |
| آبا | آبا | خود داری کردن |
| اتکا | اتکا | تکیه کردن بر چیزی، متکی شدن |
| اجلاس | اجلاس | باهم نشستن برای گفتگو |
| احراز | احراز | بدست آوردن |
| احسان | احسان | نیکی کردن، نیکو کاری |
| اختراع | اختراع | به وجود آوردن چیزی نو |
| اختلال | اختلال | بر هم خوردن |
| اخلاص | اخلاص | پاک و خالص، بی ریا |
| آمیت | آمیت | انسان بودن |
| اذیت | اذیت | رنج، آزار، آسیب |
| ارادت | ارادت | احترام و عقیده داشتن |
| ارژنگ | ارژنگ | نام کتاب مانی که دارای انواع نقش و نگار بوده و به موجب آن ادعای پیغمبری کرده است. |
| ارمغان | ارمغان | هدیه، تحفه |
| آسایش | آسایش | آرامی |
| استحقاق | استحقاق | طلب کردن حق |
| استحکام | استحکام | محکم شدن، استواری |

| | |
|--|----------|
| پشت‌دلن، پناه به کسی‌دلن | استناد |
| ازین رفتن، نابود شدن | استهلاک |
| رازها | اسرار |
| آلات جنگی، جمع سلاح | اسلحه |
| شوق داشتن، آرزومند | اشتیاق |
| یاران، همراهان | اصحاب |
| جمع ضرر | اضرار |
| امر خارق‌العاده که دیگران از آوردن آن عاجزباشند | اعجاز |
| بخشش کردن، بخشیدن | اعطا |
| ورقه بی که از طرف دولت یا حزبی منتشرشود و مطلب را به اطلاع عموم برساند | اعلامیه |
| فریب | اغوا |
| پیروی کردن | اقتدا |
| دراخت جمع قلم است؛ اما در این درس اجناس صادرانی | اقلام |
| آب وهوا | اقلیم |
| جمع قوم | اقوام |
| بحر، دریای بزرگ | اقیانوس |
| نصب شدن، برقرار شدن | انتصاب |
| به طرف خرابی رفتن | انحطاط |
| کشف کردن | اکتشاف |
| پیغمبران، جمع نبی | انبیاء |
| بخشش، بخشیدن چیزی به کسی | انعام |
| دوستان‌اران خدا (ج) | اولیاء |
| در امان | ایمن |
| | ب |
| دروازه | باب |
| انعکاس دادن | بازتاب |
| قوة بینایی چشم | بصره |
| ناحق، ضد حق | باطل |
| دریای بزرگ | بحر |

تازه، نو، جدید
لایق، شایسته، نیکو
کینه، دشمنی
زنده گی، دوام
رسا، شیوا، زبان آور
رنگارنگ
سفید

بدیع
برازنده
بعض
بقا
بلیغ
بوقلمون
بیضا

پرهیز کاران
پارچه ابریشمی گلدار
نصیحت
نام زبان قوم پارت که در اطراف دریای آمو زنده گی می کردند.
دورادور
جلورفتن، ترقی، پیشروی
پشت سر هم

پارسیان
پریشان
پند
پهلوی
پیرامون
پیشرفت
پیهم

ت

عربی
بلوری شدن جسم، به شکل بلور درآمدن
نا آرام شدن، بی قراری، تپیدن
خارج شدن، حمله کردن
از بین بردن
حمل و نقل اموال تجاری
زیاد شدن
رحم کردن، مهربانی کردن
عیسوی مذهب، مسیحی
رواج دادن، رونق دادن
زینت دادن، زیبا ساختن، آرامتن
نام گذاری، نام نهادن
بزرگ داشتن

تازی
تلور
تیش
تجاوز
تخریب
ترازیت
تراکم
رحم
ترسا
ترویج
تزیین
تسمیه
تشریف

| | |
|--|-----------|
| آتشکار، روشن | تصریح |
| به راستی و درستی امری حکم کردن | تصویب |
| دست درازی | تعرض |
| شهری شدن، مجازاً تربیت و ادب | تمنن |
| یکی از انصار | تمیم |
| درد و رنج | التهاب |
| خالی | تهی |
| مسلسل، پیهم، پی در پی، پیاپی | توالی |
| سرکش | توسن |
| ذخیره | توشه |
| کفایت نمودن | تکافو |
| زیاد کردن، | تکتیر |
| | ج |
| طرفی از طلا و نقره که در آن آب می نوشند. | جام |
| طرف، جانب | جهت |
| نادانی | جهل |
| همسایه گی، پهلو | جوار |
| اجازه دادن | جواز |
| | چ |
| آسمان | چرخ فلک |
| غجی، پرستو، یک نوع پرزده | چلچله |
| | ح |
| خوشا | حینا |
| غم و اندوه | حزن انگیز |
| بزرگی و عظمت | حشمت |
| درو کردن | حصاری |
| | خ |
| زبان رساندن، ضرر رساندن | خدشه دار |

زبان بردن
خصلت، خوی، عادت

خسارت
خصایل

روشن
وحشی
جمع دستور
پسندیده
شجاع
دنیا، روزگار، زمانه
سرزمین، محل و مسکن
موجود خیالی مراد از آدم های وحشی صفت

درخشان
درنده
دستگیر
دلپذیر
دلیر
دهر
دیار
دنیو
ذوق

حسی که به وسیله آن مزه غذا و مواد دیگر درک می شود.

ذایقه

مهربانی، شفقت
تاب و توان
احساس
قریه، دهکده
عضو عمده، جمع ارکان

رحمت
رقم
روحیه
روستا
رکن

بیچاره
آرایش، زیبایی
آرایش، زینت

زار
زینت
زبور

عمیق
بزرگان

ژرف
سی
سادات

چوب سخت وبلند که آن را عمودی در زیر به جای پایه به کار می برند.
بخشش، گرم
نیکو، خوب
کاسه و کوزه گلی
افتادن، فرود آمدن
پادشاهی کردن، حکومت کردن، فرمانروایی
نماینده در مجلس سنا
جهانگرد
نقره بی

یکی از احساس پنج گانهٔ انسان که بویها را درک می کند.
راه وسیع، جادهٔ اصلی که محل رفت و آمد زیاد باشد.
رگ بزرگی که خون را از قلب به سر و مغز می رساند.

بزرگوار، باسرف
فتنه و آشوب
زبانی
شفاعت کننده
پرباشدن
مقدار، اندکی

اموال تجاراتی که از کشوری به کشور دیگر ارسال شود.
آتشی که از رعد و برق شدید تولید شود.

راستی و درستی
بالا رفتن
آفریدن
مثال زدن، مثال گفتن
پرنده
شادابی، تازه گی

ستون
سختوت
سعد
سفالین
ستوط
سلطنت
سناتور
سیاح
سیمین
س
شامعه
شاهراه
شاهرگ
شرافتمند
شغب
شفاهی
شفیع
شگوفایی
شمه
ص
صادرات
صاعقه
صداقت
صعود
صنع
ض
ضرب المثل
طائر
طراوت

تاریکی

اشخاص پیاده رو
تندرستی، صحت کامل

دنیا، جهان

غیر عرب را گویند.

نابودی، نیستی

بلندی، معراج

کرم و بخشش

کاشتن، کشت کردن

جوشیدن.

عدم موجودیت، نبود

بالیدن، نازیدن

بلند ترین مقام جنت

نام کوه افسانوی که سیمرخ بر فراز آن آشیانه داشت.

قرون میانه

منسوب کردن، نامیدن

مخزن، معدن

بزرگ، کبیر

دارای عظمت و بزرگی

قیمتی

میل کن، روی آور

بخش کردن

ظلمت

ع

عابرین

عاقبت

عالم

عجم

عدم

عرش

اعطا

غ

غرس

غلیان

ف

فاقد

فخر

فردوس برین

ق

قاف

قرون وسطی

قلمداد

ک

کان

کیار

کیریا

گ

گران

گرای

گسترش

خداوندی
بی پایان
مهربانی
مروارید

لا هوت
لا یتناهی
لطف
لولو

اصل هر چیز، مایه
وابسته به چیزی
باقی مانده
سبزه زار، چمنزار
شراب سرخ
بتیان گزار
ماده خوشبو که در ناف آهو تولید می شود.

ل
لا هوت
لا یتناهی
لطف
لولو
ماده
مبتنی
مبتنی
مبتلای
مرغزار
مُل
مؤسس
مُشک
ن
نابود
نارس
نافذ
نبوت
نسیم
نیلگون
ه
همای سعادت
همتا
همچنین

نیست
نرسیده، نا رسیده
نفوذ کننده، رسا، روان
پیغمبری
باد ملایم
آبی رنگ
بخت و اقبال
مثل و مانند
همچنین
آوردن اموال تجارتنی از یک کشور به کشور دیگر
وظیفه
کوتاه، مختصر
فراخی، گشاده گی
سربلندی

و
واردات
وحییه
وحیز
وسعت
وقار
همیدون



فهرست منابع

- ۱ سلیمی، نیکنام، بابک، بهترین سخنان پند آموز بزرگان، زنده گینامه و آثار آنان، چاپ اول ۱۳۷۸. انتشارات سما، چاپخانه گهر، تهران، ایران.
- ۲- آزر می، سعید، نسیم معرفت، حکمت های ناب وعمیق در گفتار های کوتاه ودقیق، چاپ اول، انتشارات بین المللی الهدی، سال ۱۳۸۴. تهران، ایران.
- ۳- ناجی، احسان الله، مفاهیم، تاریخچه وویژه گی های حقوق بشر، کابل، اگست ۲۰۰۴ میلادی.
- ۴- جمالی، شمس الاسلام، پروژه محیط تعلیمی سالم وعاری از مواد مخدر، چاپ اول، سال ۱۳۸۷ هجری کابل افغانستان.
- ۵- سنا غزنوی، محمد اکبر، گلستان لطافت، سال چاپ ۱۳۸۵.
- ۶- سعیدیان، عبدالصمد، دایرةالمعارف بزرگ نو، چاپ اول، جلد (۱-۱۰) ناشران، علم و زنده گی - آرام، چاپخانه ایمان، جلد چهارم، تهران، ایران ۱۳۸۵ هـ - ش دایرةالمعارف آریانا.
- ۷- نایل، محقق حسین، سیری در ادبیات سده سیزدهم.
- ۸- عشقوری، صوفی، کلیات صوفی عشقوری، چاپ اول، انتشارات طلابه، تهران، ایران، سال ۱۳۷۷.
- ۹- اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، انتشارات طلابه، ۱.
- ۱۰- خطیب رهبر، دکتر خلیل، استاد دانشگاه تهران، گلستان، چاپ چهارم، سال ۱۳۶۶. انتشارات صفی علیشاه تهران ایران.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله، گنج و گنجینه، چاپ دوم سال ۱۳۶۳ تهران، چاپخانه کیهانک.
- ۱۲- ماهنامه های (سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس) سال ۱۳۸۶. ارگان نشراتی اداره، ملی حفاظت محیط زیست کابل افغانستان.
- ۱۳- زنجانی، برات، احوال وآثار وشرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ دانشگاه تهران ۲۰۰۸.
- ۱۴- فرخاری، احمد یاسین، فردای دیروزین، انجمن هنر وادبیات افغانستان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹. تهران ایران.
- ۱۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ دوم وسوم، سال ۱۳۶۹. چاپخانه سپهر، انتشارات امیر کبیر، تهران ایران.
- ۱۶- شهنامه فردوسی.
- ۱۷- فرخاری، احمد یاسین، دستور سخن، شرکت پریس، چاپ اول، پاکستان.
- ۱۸- دستگردی، وحید، رسایل جامع خواجه عبدالله انصاری، چاپ پنجم، چاپخانه مروی، تهران ایران، سال، ۱۳۶۸.

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**